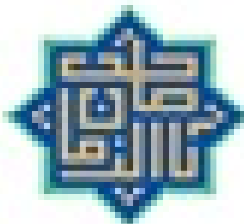


نشانه‌های قائم آل محمد

زندگی‌نامه، دوران غیبت، نایبان خاص انتظار، وظایف منتظران و...

سید یحیی معروف به فاضل همدانی (ره)

مقدمه، تصحیح و تحقیق: صفر فلاحی

چاپ هفتم

بسم الله الرحمن الرحیم

نشانه های قائم آل محمد صلی الله علیه و آله

نویسنده:

یحیی فاضل همدانی

ناشر چاپی:

زائر- آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
نشانه های قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ----- ۱۰
مشخصات کتاب ----- ۱۰
اشاره ----- ۱۱
فهرست مطالب ----- ۱۶
سخن ما ----- ۲۸
پیشگفتار ----- ۳۰
اندیشه مهدوی در آثار ----- ۳۲
اشاره ----- ۳۲
۱- روش روایی ----- ۳۳
۲- روش برهانی و کلامی ----- ۳۴
۳- روش مقارنی (تطبیقی) ----- ۳۴
کتابشناسی مهدوی ----- ۳۵
تالیفات قبل از سال ۲۶۰ ----- ۳۶
آثار فراوانی از هر دو فرقه ----- ۳۷
اشاره ----- ۳۷
الف: برخی از آثار اهل سنّت ----- ۳۷
ب: بعضی از آثار شیعه ----- ۳۸
طلوع خورشید ----- ۴۱
رسیدن نرجس خاتون خدمت امام حسن عسکری علیه السلام ----- ۴۲
نامه مهر شده ومأموریتی بزرگ ----- ۴۳
سرگذشت مادر امام زمان علیه السلام ----- ۴۵
شرح یک رؤیای صادقه ----- ۴۶
بانوی دو عالم و اسلام آوردن نرجس خاتون ----- ۴۷

محضر پدر ---------- ۴۸
آغاز دو دوره غیبت ---------- ۴۹
مدّت غیبت صغری ---------- ۵۱
وظایف نایبان حضرت در طول غیبت صغری ---------- ۵۳
غیبت کبری ---------- ۵۴
رفتار محمّدی و شجاعت علوی ---------- ۵۶
تعیین وقت ظهور ممنوع ---------- ۶۰
علائم و شرایط ---------- ۶۱
فهرست علائم عامّه ---------- ۶۳
انتظار و وظیفه منتظران ---------- ۶۶
انتظار مثبت و عاشورایی ---------- ۶۷
اشاره ---------- ۶۷
۱ _ کسب معرفت وشناخت ---------- ۶۹
۲ _ رعایت ادب نسبت به یاد و نام امام زمان علیه السلام ---------- ۷۰
۳ _ محبّت به حضرت به طور ویژه ---------- ۷۱
۴ _ محبوب نمودن حضرت در میان توده های مردم ---------- ۷۲
۵ _ انتظار دولت حق و فرج آل محمّد علیهم السلام ---------- ۷۲
۶ _ اظهار علاقه و اشتیاق به دیدار حضرت ---------- ۷۳
۷ _ ذکر فضائل و مناقب آن جناب ---------- ۷۳
۸ _ غمگین از فراق ---------- ۷۴
۹ و۱۰ _ سرودن و خواندن اشعار در فضائل ---------- ۷۴
۱۱ _ قیام هنگام شنیدن «قائم» و ادای احترام ---------- ۷۴
۱۲ _ اشک شوق در فراق امام زمان علیه السلام ---------- ۷۵
۱۳ _ درخواست شناخت امام زمان علیه السلام از خدا ---------- ۷۵
۱۴ _ شناخت علامتهای ظهور حضرت ---------- ۷۷
۱۵ _ تسلیم بودن و تعیین وقت ننمودن برای ظهور ---------- ۷۸

۱۶ ــ صدقه به نیابت از حضرت ---------- ۷۹
۱۷ ــ سعی در خدمت نمودن به حضرت و یاری آن جناب ---------- ۸۰
۱۸ ــ تجدید بیعت هر روز و پس از هر فریضه و در هر جمعه ---------- ۸۲
۱۹ ــ توجه به شیعیان و دوستان آن حضرت ---------- ۸۲
۲۰ ــ فرستادن درود بر آن حضرت و هدیه نماز ---------- ۸۳
۲۱ ــ دعوت مردم به حضرت ---------- ۸۴
۲۲ ــ خشوع دل و سفارش به صبر ---------- ۸۵
۲۳ ــ جبران کاستیها برای پیوستن به لشگر آن بزرگوار ---------- ۸۵
۲۴ ــ یاد آن جناب و مقدّم داشتن خواسته آن بزرگوار ---------- ۸۶
۲۵ ــ احترام به منسوبین و بزرگداشت اماکن متبرّکه ---------- ۸۷
۲۶ ــ روی گردانی از تعیین کنندگان وقت ظهور ---------- ۸۸
۲۷ ــ تکذیب مدّعیان نیابت خاصّه ---------- ۸۸
۲۸ ــ درخواست دیدار در سلامت دین ---------- ۸۹
۲۹ ــ اقتدا به حضرت در اعمال و اخلاق ---------- ۹۱
۳۰ ــ گریه بر حضرت سید الشهدا علیه السلام و زیارت مرقد شریف حضرت ---------- ۹۲
۳۱ــ مهیّابودن برای یاری حضرت ---------- ۹۳
جمع بندی مختصر از مباحث گذشته ---------- ۹۴
دعای اللهم ارزقنا و بعضی مدارک آن ---------- ۹۴
آیا قیام قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام جایز است یا خیر ؟ ---------- ۱۰۰
دلیل مخالفت اهل سنت با قیام قبل از ظهور ---------- ۱۰۱
مخالفت بعضی علمای شیعه با قیام قبل از ظهور ---------- ۱۰۲
کتاب حاضر ---------- ۱۰۸
شرح حال مؤلف ---------- ۱۱۱
تاریخ وفات مؤلف ---------- ۱۱۴
تألیفات مؤلف ---------- ۱۱۵
فرزندان دانشمند ---------- ۱۱۶

اصناف مردم در هر عصر ----- ۱۲۰
میراث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وحجت الاهی ----- ۱۲۳
جاهلی که ادعای علم دارد ----- ۱۲۶
نشانه ها و اوصاف امام زمان علیه السلام ----- ۱۲۹
انوار الهی چهارده معصوم علیهم السلام ----- ۱۳۱
عصای موسی و خاتم سلیمان ----- ۱۳۳
مواجهه حضرت موسی و فرعون ----- ۱۳۹
قدرتهای پوشالی قدرتها ----- ۱۴۲
غیبت ذوالقرنین ----- ۱۴۳
با نور بر ساق عرش نوشته اند ----- ۱۴۶
سربازانی از جنس برق و باد ----- ۱۴۷
ادعاهای خنده دار باب و اطرافیان ----- ۱۴۹
علم امام علیه السلام از طرف خداست ----- ۱۵۱
عَلَم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نشانه نصرت الاهی ----- ۱۵۴
سفیران حق ----- ۱۵۷
دعبل شاعری فرشته سان ----- ۱۵۹
سید حمیری رحمه الله ----- ۱۶۲
احمدبن اسحاق و توفیق دیدار ----- ۱۶۳
اوصافی دیگر از ا مام زمان علیه السلام وحالات مردم ----- ۱۶۵
حکمت غیبت از امام مجتبی ----- ۱۶۶
ستاره ای پرفروغ میان انوار ----- ۱۶۷
عهد خدا از بشر ----- ۱۷۲
یارانی از ملائکه و انسانها ----- ۱۷۴
جنود الاهی به یاری حضرت می شتابند ----- ۱۷۵
قلب هایی چون پاره های آهن ----- ۱۸۱
فتح قله ها با عزم ایمان ----- ۱۸۳

یک سؤال مهم و... ----- ۱۸۶
معارف اسلام و حفظ این گوهرها ----- ۱۹۰
وظیفه در عصر غیبت امام عصر علیه السلام ----- ۱۹۴
روایات باب علم و ارزش علما ----- ۱۹۵
علمای ربانی و... ----- ۱۹۷
فهرست منابع و مآخذ ----- ۲۰۱
درباره مرکز ----- ۲۰۵

نشانه های قائم آل محمد صلی الله علیه و آله

مشخصات کتاب

سرشناسه : فاضل همدانی، یحیی، - ۱۳۰۶.

عنوان و نـام پدیـدآور : نشـانه هـای قائم آل محمـد صـلی الله علیه و اله: روایـح المسک و العنبر فی اوصا الامام القائم المنتظر(عج)/ مولف یحیی فاضل همدانی؛ مقدمه، تصحیح و تحقیق صفر فلاحی.

مشخصات نشر : قم: آستانه قدس قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۱۶ ص.

فروست : آستانه مقدس قم، انتشارات زائر؛ ۵۳.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۶۴۰۱-۶۲-۷

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : عنوان روی جلد: روائح المسک و العنبر فی اوصاف الامام القائم المنتظر(عج): نشانه های قائم آل محمد.

یادداشت : عنوان عطف: نشانه های قائم آل محمد صلی الله علیه و اله

یادداشت : کتابنامه: ص.۲۱۴-۲۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : روائح المسک و االعنبر فی اوصاف الامام القائم المنتظر(عج): نشانه های قائم آل محمد.

عنوان عطف : نشانه های قائم آل محمد صلی الله علیه و اله

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت

شناسه افزوده : فلاحی، صفر، ۱۳۴۸ -، مصحح

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ف ۲۳ن۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۱-۴۹۷۰

ص: ۱

اشاره

نشانه های قائم آل محمد صلی الله علیه و آله

روایح المسک والعنبر

فی اوصاف الامام القائم المنتظر(عج)

مؤلف: سیدیحیی معروف به فاضل همدانی(ره)

مقدمه، تصحیح و تحقیق: صفر فلّاحی

ص: ۳

فاضل همدانی، یحیی، -- ۱۳۰۶

روایح المسک والعنبر / [یحیی فاضل همدانی ؛ مصـحح و مقدمه نویس صفر فلاحی]: -- قم: آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر، ۱۳۸۱.

۱۸۴ ص. ISBN ۹۶۴-۶۴۰۱-۶۲-۷

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. محمد بن حسن(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. ۲. مهدویت. الف. فلاحی، صفر، ۱۳۴۸ -، مصحح و مقدمه نویس. ب. آستانه مقدسه قم: انتشارات زائر. ج. عنوان.

BN ۴۶۲/۲۹۷ ۴/۲۲۴ ق ۹/۲۳

کتابخانه ملی ایران ۴۹۷۰-۸۱ م

مشخصات کتاب

روایح المسک والعنبر فی اوصاف الامام القائم المنتظر

نشانه های قائم آل محمد صلی الله علیه و آله

نگارش ··· یحیی فاضل همدانی

مقدمه، تصحیح و تحقیق··· صفر فلاحی

ناشر ··· انتشارات زائر آستانه مقدسه

ص: ۴

چاپخانه ... چاپخانه زائر / قم

لیتوگرافی ... بیان / قم

صحفه آرایی ... کوثر(۰۹۱۲۲۵۳۹۷۹۴)

نوبت چاپ ... اول، تابستان ۱۳۸۶

شمارگان ... ۵۰۰۰ نسخه

قیمت ... ۱۵۰۰ تومان

شابک ... ISBN ۹۶۴ _ ۶۴۰۱ _:

مرکز پخش: قم _ میدان شهداء (چهار راه بیمارستان)

تلفن ۷۷۴۲۵۱۹ _ ص. پ.: ۳۵۹۷ _ ۳۷۱۸۵

ص: ۵

فهرست مطالب

سخن ما... ۱۳

پیشگفتار... ۱۵

اندیشه مهدوی در آثار... ۱۷

۱- روش روایی... ۱۹

۲- روش برهانی و کلامی... ۲۰

۳- روش مقارنی (تطبیقی)... ۲۰

کتابشناسی مهدوی... ۲۱

تالیفات قبل از سال ۲۶۰... ۲۲

آثار فراوانی از هر دو فرقه... ۲۳

الف: برخی از آثار اهل سنّت... ۲۳

ب: بعضی از آثار شیعه... ۲۵

طلوع خورشید... ۲۷

رسیدن نرجس خاتون خدمت امام حسن عسکری علیه السلام ... ۲۹

نامه مهر شده ومأموریتی بزرگ... ۲۹

سرگذشت مادر امام زمان علیه السلام ... ۳۲

شرح یک رؤیای صادقه... ۳۳

بانوی دو عالم و اسلام آوردن نرجس خاتون... ۳۴

محضر پدر... ۳۵

آغاز دو دوره غیبت... ۳۶

مدّت غیبت صغری··· ۳۹

سفیران خوبی··· ۳۹

وظایف نایبان حضرت در طول غیبت صغری··· ۴۱

غیبت کبری··· ۴۳

رفتار محمّدی و شجاعت علوی··· ۴۴

تعیین وقت ظهور ممنوع··· ۵۰

علائم و شرایط··· ۵۱

فهرست علائم عامّه··· ۵۳

انتظار و وظیفه منتظران··· ۵۷

انتظار مثبت و عاشورایی··· ۵۸

۱ _ کسب معرفت وشناخت··· ۶۰

۲ _ رعایت ادب نسبت به یاد و نام امام زمان علیه السلام ··· ۶۱

۳ _ محبّت به حضرت به طور ویژه··· ۶۳

۴ _ محبوب نمودن حضرت در میان توده های مردم··· ۶۳

۵ _ انتظار دولت حق و فرج آل محمّد علیهم السلام ··· ۶۴

۶ _ اظهار علاقه و اشتیاق به دیدار حضرت··· ۶۵

۷ _ ذکر فضائل و مناقب آن جناب··· ۶۶

۸ _ غمگین از فراق··· ۶۶

۹ و ۱۰ _ سرودن و خواندن اشعار در فضائل··· ۶۶

۱۱ _ قیام هنگام شنیدن «قائم» و ادای احترام··· ۶۷

۱۲ _ اشک شوق در فراق امام زمان علیه السلام ··· ۶۷

۱۳ _ درخواست شناخت امام زمان علیه السلام از خدا··· ۶۸

۱۴ _ شناخت علامتهای ظهور حضرت··· ۶۹

۱۵ _ تسلیم بودن و تعیین وقت ننمودن برای ظهور··· ۷۱

۱۶ ـ صدقه به نیابت از حضرت... ۷۲

۱۷ ـ سعی در خدمت نمودن به حضرت و یاری آن جناب... ۷۴

۱۸ ـ تجدید بیعت هر روز و پس از هر فریضه و در هر جمعه... ۷۶

۱۹ ـ توجه به شیعیان و دوستان آن حضرت... ۷۷

۲۰ ـ فرستادن درود بر آن حضرت و هدیه نماز... ۷۷

۲۱ ـ دعوت مردم به حضرت... ۷۸

۲۲ ـ خشوع دل و سفارش به صبر... ۷۹

۲۳ ـ جبران کاستیها برای پیوستن به لشگر آن بزرگوار... ۸۰

۲۴ ـ یاد آن جناب و مقدّم داشتن خواسته آن بزرگوار... ۸۱

۲۵ ـ احترام به منسوبین و بزرگداشت اماکن متبرّکه... ۸۲

۲۶ ـ روی گردانی از تعیین کنندگان وقت ظهور... ۸۲

۲۷ ـ تکذیب مدّعیان نیابت خاصّه... ۸۳

۲۸ ـ درخواست دیدار در سلامت دین... ۸۴

۲۹ ـ اقتدا به حضرت در اعمال و اخلاق... ۸۶

۳۰ ـ گریه بر حضرت سید الشهدا علیه السلام و زیارت مرقد شریف حضرت... ۸۷

۳۱ـ مهیّابودن برای یاری حضرت... ۸۸

جمع بندی مختصر از مباحث گذشته... ۹۰

دعای اللهم ارزقنا و بعضی مدارک آن... ۹۱

آیا قیام قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام جایز است یا خیر ؟... ۹۸

دلیل مخالفت اهل سنت با قیام قبل از ظهور... ۹۸

مخالفت بعضی علمای شیعه با قیام قبل از ظهور··· ۱۰۰

کتاب حاضر··· ۱۰۷

شرح حال مؤلف··· ۱۱۱

تاریخ وفات مؤلف··· ۱۱۴

ص: ۸

تألیفات مؤلف··· ۱۱۵

فرزندان دانشمند··· ۱۱۶

اصناف مردم در هر عصر··· ۱۲۱

میراث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وحجت الاهی··· ۱۲۵

جاهلی که ادعای علم دارد··· ۱۲۸

نشانه ها و اوصاف امام زمان علیه السلام ··· ۱۳۱

انوار الهی چهارده معصوم علیهم السلام ··· ۱۳۳

فتح مشرق و مغرب··· ۱۳۵

عصای موسی و خاتم سلیمان··· ۱۳۶

مواجهه حضرت موسی و فرعون··· ۱۴۲

قدرتهای پوشالی قدرتها··· ۱۴۵

غیبت ذوالقرنین··· ۱۴۸

با نور بر ساق عرش نوشته اند··· ۱۵۰

سربازانی از جنس برق و باد··· ۱۵۲

ادعاهای خنده دار باب و اطرافیان··· ۱۵۵

علم امام علیه السلام از طرف خداست··· ۱۵۷

عَلَم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نشانه نصرت الاهی··· ۱۶۰

سفیران حق··· ۱۶۴

دعبل شاعری فرشته سان··· ۱۶۶

سید حمیری ؛··· ۱۶۹

احمدبن اسحاق و توفیق دیدار... ۱۷۰

اوصافی دیگر از ا مام زمان علیه السلام وحالات مردم... ۱۷۳

حکمت غیبت از امام مجتبی... ۱۷۴

ستاره ای پرفروغ میان انوار... ۱۷۶

عهد خدا از بشر… ۱۸۱

یارانی از ملائکه و انسانها… ۱۸۳

جنود الاهی به یاری حضرت می شتافند… ۱۸۴

قلب هایی چون پاره های آهن… ۱۹۱

فتح قله ها با عزم ایمان… ۱۹۴

یک سؤال مهم و جواب آن درباره ولایت فقهاء عادل و… ۱۹۷

معارف اسلام و حفظ این گوهرها… ۲۰۱

وظیفه در عصر غیبت امام عصر علیه السلام … ۲۰۶

روایات باب علم و ارزش علما… ۲۰۷

علمای ربانی و تشکیل حکومت اسلامی و… ۲۱۰

فهرست منابع و مآخذ… ۲۱۴

تقدیم به

ساحت مقـدس خاتم الأوصـیاء ، ولی اللّه الأعظم ، صاحب الزمان والامر ، قاطع البرهان مظهر عـدل الهی ، معدن لطف رحمانی آنکه بـا هیبت محمّـد می آیـد ، و بـا ذوالفقار علی می رزمـد ، تجسم مهر فاطمه ، بی نظیر در صورت و سـیرت ، آنکه غیبتش تفسـیر غیب خـداست و ظهورش تفسـیر « هو الظاهر » و مظهر لطف الهی مبشـر اعظم خـدا ، امام الأنبیاء ، و عزیز کننده اولیاء و مضحل کننده گمراهی ، ظلم و ستم ، نماد ولایت اللّه ، حضرت بقیه اللّه ، قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله عجل اللّه تعالی

فرجه الشریف .

بالای سرم نام تو را نقش نمودم یعنی که سر من به فدای قدمت باد

قم مقدسه – صفر فلاحی

تشکر

خـدای متعال در قرآن شـریف می فرمایـد « شـکر شـما باعث مزیـد نعمت خواهـد شد » برخود لازم می دانم از محقّق ارجمند جناب اسـتاد حاج شـیخ احمـد عابـدی بخاطر مساعـدت ، ارشاد و راهنمائی های کارساز و راه گشا قـدردانی نمایم همچنین از نویسـنده محترم جناب حجه الاسـلام ، آقای ناصـر باقری بیدهندی بدلیل اینکه کتاب «روایح المسک والعنبر فی اوصاف الامام القائم المنتظر علیه السـلام » را در اختیار اینجانب قرار دادند سپاسـگزاری و برای این دو برادر گرامی از درگاه احدیت توفیق و سعادت آرزو دارم .

ص: ۱۲

تذکار ،

۱ _ با توجه به اینکه کتاب نیاز به ویراستاری و به روز شدن داشت، به حداقل ها اکتفا شد تا حلاوت وشیرینی بیان مؤلف بزرگوار حفظ گردد ؛

۲ _ مباحث کتاب دارای عنوان نبود و برای خوانندگان گرامی جذابیت لازم را نداشت و لذا سعی شده عناوینی متناسب با متن انتخاب گردد؛

۳ _ مؤلف گرانقدر بعضی از آیات آورده شد . در متن کتاب را ترجمه نموده که عینا آورده شده است و در سایر موارد مصحح کتاب در ترجمه آیات از ترجمه دکتر مجتبوی بهره برده که در پاورقی آمده است ؛

۴ _ در موارد بسیاری مؤلف گرانقدر برای اشاره به اشخاص و افراد از کلمه « آن » وبالعکس در اشاره به اشیاء از کلمه « او » استفاده نموده و همچنین از کلمات محاوره ای چون « سراپی » و غیره استفاده نموده بود که جهت حفظ امانت آنها را غالبا اصلاح ننموده و تنها به دخل و تصرف های جزیی در نگارش

کلمات اکتفا نمودیم.

ص: ۱۳

سخن ما

با گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال از طلوع خورشید اسلام و بعثت نبی مکرّم صلی الله علیه و آله ، هر روز بشر بهتر و بیشتر به عمق و اصالت پیام الاهی ودین اسلام پی می برد ، و گذر زمان نتوانسته است از درخشندگی و تلألؤ این تحوّل عظیم و پیام جان بخش و حیات آفرین بکاهد .

آموزه های دینی و اسلامی با پیام های تحرّک بخش خویش هر روز در زندگی بشر امروز رخ می نماید و بشر گرفتار آمده در ظلمات و تاریکی دنیا را بشارت «آزادی» و «آزادگی» می دهد ...

از عالی ترین واژه های امیدبخش دینی «انتظار دولت حق» و «آمدن منجی بزرگ» است . چه واژه زیبایی است انتظار و چه عالی مقامندکسانی که در زمان غیبت بر ولایت و امامت ثابت قدم هستند . آیا تاکنون به مسأله انتظار اندیشیده اید ؟ برداشت شما از انتظار چیست ؟ عصر غیبت را چگونه و از چه راهی باید تفسیر کرد ؟ آیا در عصر غیبت به بهانه های مختلف از زیر بار مسئولیتهای بزرگ «بندگی» و «مسلمانی» باید شانه خالی کرد ؟ بدون تردید رخ نمودن آن عزیز ، آن روح جاری درهمه دورآنها، آن صفا بخش دلها و محفلها ، آن ذخیره الاهی برای بندگان بعد از یک امتحان سخت به وقوع خواهد پیوست . آری عصر غیبت عصر امتحان است . عصر معرّفی چهره های ثابت قدم در راه محبّت و ولایت رسول و آل پاک و مطهر آن بزرگوار ....

معنای انتظار ایجاد آمادگی برای پیوستن به خیل مشتاقان و یاران حضرت است . خود آماده باشیم و دیگران را نیز برای اینکار کمک و

ص: ۱۴

یاری نمائیم .

بدیهی ترین و ابتدائی ترین وظیفه «عصر غیبت» شناخت و معرفت است . معرفت نسبت به ساحت مقدّس امام عصر علیه السلام و طریق شناخت همان است که قرآن و عترت فرموده اند که در کلام وحی و کتب دینی و روائی آمده است .

خوانندگان عزیز! که با آهی سوزناک در هر صبح و شام در انتظار یار بر سجاده عشق می نشینید . در پی شناخت بیشتر از حضرت هستید ، کتاب حاضر شما را با بخشی از خصوصیات آن حضرت آشنا می سازد . این کتاب از جمله تألیفات عالم ربانی و فقیه صمدانی مرحوم سیّد یحیی فاضل همدانی است که با نام (روائح المسک والعنبر فی اوصاف الامام القائم المنتظر علیه السلام) در سال ۱۳۳۹ به چاپ رسیده است لکن با توجّه به اینکه مستند نبوده و دارای اغلاطی نیز بوده است جناب آقای صفر فلّاحی با افزودن یک مقدّمه ، تصحیح و تحقیق آن را برای چاپ آماده نموده اند که از خدای متعال برای ایشان توفیق بیشتر مسئلت می نمائیم .

ضمن تقدیر از مسئولین محترم بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام در سال اتحا دملی و انسجام اسلامی امیدواریم با چاپ این مجموعه گامی هر چند کوچک در راه معرفی چهره منوّر و زندگانی سراسر نور حضرت ولی عصر(عجل اللّه فرجه) برداشته باشیم ان شاءاللّه

انتشارات زائر آستانه مقدسه قم

ص: ۱۵

پیشگفتار

زنـدگانی همه بزرگان جوامع بشـری قابل مطالعه واندیشـیدن است، ولی زنـدگانی انبیاء و اولیاء الاهی از برجسـتگی و ویژگی خاص برخوردار است؛ زیرا ایشان برای سامان بخشـیدن به زندگی دنیا و آخرت بشـر و اصلاح جان و جامعه او برانگیخته شده اند و با ورای عالم مادی نیز ارتباط دارند. علاوه بر اینکه با بشـر زندگی می کنند و با تمام مشـکلات او آشـنا هستند ، سرود « قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ » را نیز زمزمه گرند .

در اندیشه وتفکر شـیعه جایگاه رهبران آسمانی جایگاهی است بسیار مهم و یک موهبت و سمت الاهی است. یعنی پیامبران از جانب خدای متعال مبعوث می شوند. همچنین جانشینان ایشان نیز باید به دستور و نص از طرف خدای متعال انتخاب شوند .

انسـان هـا و مردمـان اعصـار در اعطای رهبری هیـچ گونه نقشـی ندارنـد، بلکه ایشان در صورت قبول «ولایت» و «امامت» رهبر جامعه انسانی و اسـلامی را برای اجرای احکام حیات بخش ، اسـلام کمک و یاری می نمایند . درباره نقش مردم در حکومت اسـلامی حضـرت آیه اللّه جوادی آملی مطلـبی دارنـد که می آوریم: «...حـاکمیت دین حق و نظـام اسـلامی، هماننـد هر نظـام دیگری، بـا آرزوهـا تحقـق نمی پـذیرد. بلکه حضور مردم و اتحـاد آنـان بر محور حق را می طلبـد. مردم، بـا پـذیرش دین اولاً وپـذیرش ولایت حاکم اسـلامی ثانیا، دین خـدا را در جامعه متحقق می سازنـد و چنین مردمی اگر چه انـدک باشـند، خداوند نصـر خود را به آنان می رساند و در جنگ با بیگانگان همه معادلات ریاضـی و سیاسی و نظامی را بر هم می زند؛ «کم من فئهٍ قلیلهٍ غلبت فئهً کثیرهً باذن اللّه(۱)» انبیاء الاهی که با عده ای خاص قیام کردند، با اینکه فاقد همه امکانات مادی

۱- ۱ . بقره / ۲۴۹.

بودنـد و دشـمنان آنـان از همه امکانات مادی برخوردار بودنـد، چون مؤمنین به قـدر میسور، به دسـتور خـدا عمل می کردنـد، خداوند سـلاطین سـتم و باطل را نابود می ساخت. بنابراین حکومت اسـلامی هیچ گاه بدون خواست و اراده مردم متحقق نمی شود و تفاوت اساسـی حکومت اسلامی با حکومت های جابر در همین است که حکومت اسلامی، حکومتی مردمی است و بر پایه زور و جبر نیست، بلکه بر اساس عشق و علاقه مردم به دین و حاکم اسـلامی صورت می پـذیرد و هر چه مردم از اخلاق و معـارف دینی بهره منــدتر باشــند. هر چـه احکـام دینی را بیشـتر عمـل کننــد و هر چـه از اتحـاد و همبســتگی و الفـت الاـهی برخورداری بیشتری داشته باشند، حکومت اسلامی نیز استوارتر و در رسیدن به اهدافش موفق تر است.»(۱)

مسأله امامت در مکتب شـیعه یعنی ادامه همان خط اصیل انبیا وبا در گذشت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم جامعه بدون امام و سـرپرست الاهی نیست ، رهبر بعـد از پیامبر و جانشـین او بایـد شـرایط وخصوصـیات پیامبر از جمله علم ، تقوی ، زهد ، شجاعت ومهمتر از همه عصمت در وجود او باشد تا بتواند بر کرسی امامت تکیه زند.

دوره پر برکت امامت با امامت امام علی علیه السـلام شـروع شد و با امامت امام عصـر علیه السلام در دور غیبت صغری وکبری ادامه یـافته وادامه دارد. از حکمت خداونـد و لطف او دور است که از ابتـدای خلقت انسـان برای او رهبر قرار دهـد و در زمان غیبت امام عصـر علیه السلام بشر و مسلمانان را بدون رهبر رها سازد و دین خود را که کاملترین و آخرین دین و شریعت است را بدون سرپرست واگذارد. به هرحال پس از گذشت هفتاد و چند سال از

۱- ۱ . «ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت»، ۸۲ – ۸۳.

غیبت صغرای امام زمان علیه السلام غیبت کبری آغاز شده است. تاکنون نیز پس از گذشت بیش از هزار و صد و هفتاد سال ادامه دارد و در حقیقت امروز واسطه فیض و رحمت الاهی بر بشر حجت خدا حضرت امام مهدی علیه السلام است و ما در این پیش گفتار پیرامون زندگی سراسر نور حجت دوازدهم خدا سخن خواهیم گفت و از محضر مقدس آن امام همام بخاطر بضاعت اندک و توان کم پوزش می طلبیم .

اندیشه مهدوی در آثار

اشاره

اعتقاد به ظهور یک منجی و مصلح بزرگ امری فطری و خواست طبیعی هر انسانی با هر نوع گرایش و بینش است. مهدویت در اندیشه و عقیده اسلامی دارای جایگاهی عظیم است و ریشه آن علاوه بر فطرت پاک بشری در «کتاب» و «سنّت» قرار دارد.

عقیده به مهدویت از عقایدی است که مسلمانان با همه اختلافات مذهبی بر آن اتفاق دارند و هرگز این اندیشه مهم به مذهب خاصی اختصاص ندارد. زیرا جمیع مسلمانان شیعه امامیه، زیدیه، مالکی ها، حنفی ها، شافعی ها، حنبلی ها و... بر این مسأله اتفاق نظر دارند که شخصی از عترت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله قیام کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.(۱)

با مراجعه به کتب تراجم و رجال پی می بریم که تالیف و نگارش آثار درباره «مهدویت» حرکتی بنیادین بوده که نه تنها قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام در بین شیعه رواج داشته بلکه حرکتی مقدس نزد شیعه و سنی بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله محسوب می شده است. این به نوبه خود

۱- ۱ . «موعودشناسی»، ۱۴۲.

دلیل بر آن است که اصل قضیه از مسلمات مسائل اسلامی است که مورد اتفاق مسلمین قرار گرفته است.(۱)

ممکن است عده ای تصور کنند این عقیده از مختصات شیعه است و در آثار دیگر مسلمانان اثری از آن یافت نمی شود، ولی باید گفت اعتقاد به ظهور حضرت مهدی از ضروریات دین مبین اسلام و منکرآن از آیین اسلام بیرون است علمای اهل سنّت از پیامبر گرامی اسلام چنین نقل کرده اند که حضرتش فرمود: «من کذّب بالمهدی فقد کفر»(۲) هر کس مهدی علیه السلام را انکار کند به راستی کافر است.

گروهی از علمای اهل سنّت به مضمون حدیث فوق فتوا داده و در این باب، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، در کتاب «ینابیع المودّه» از کتاب «فرائد السمطین» ازجابربن عبداللّه انصاری روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمّد»(۳) هر که ظهور مهدی علیه السلام را انکار کند، به آنچه بر محمّد نازل شده، کفر ورزیده است.

به هر حال به خاطر اصالت و اهمیت این اندیشه از آغازین سالهای طلوع خورشید اسلام درباره آن آثار متنوعی به دست علما تالیف و تدوین شده است. قبل از برشمردن برخی از آثار به بعضی روش های تدوین این نوع کتابها اشاره می کنیم.(۴)

۱- روش روایی

در این روش که یکی از پرسابقه ترین روشهاست مؤلف به جمع آوری

۱- ۱ . «همان»، ۱۵۱.

۲- ۲ . «عقد الدرر»، ۱۵۷.

۳- ۳ . «فرائد السمطین»، ج ۲، ۳۳۴.

۴- ۴ . «موعودشناسی»، ۱۵۲.

روایات موضوع مهدویت پرداخته که بسیاری از آنها روایات تفسیری هستند. برخی هم احادیث مهدویت را در کتاب خود جمع آوری کرده اند. علمای شیعه درباره مهدویت دارای سه روش بوده اند:

الف: استناد به احادیثی که از طریق شیعه نقل گردیده است که جامع ترین اثر در این باره «بحارالانوار» علامه مجلسی است؛

ب: تقویت و تأیید روایات شیعه به روایات نقل شده از طریق اهل سنّت مانند علی بن عیسی اربلی در «کشف الغمه» و سیدبن طاووس در «الطرائف» و شیخ حر عاملی در «اثبات الهداه»،

ج: استناد [تنها] به روایات اهل سنّت برای اثبات مهدویت بدون ذکر روایات شیعی «مانند کتاب «المهدی» از سید صدرالدین صدر.

۲- روش برهانی و کلامی

در این روش مؤلف در صدد عرضه کردن مباحث مهدویت به صورت استدلالی و برهانی است. این روش در صدد تثبیت ایمان به مهدویت و دفع شبهات در این موضوع است، یعنی مؤلف سعی دارد این عقیده را با برهان و علم کلام مدلل ساخته و اشکالات آن را هم برطرف نماید. کتابهای شیخ مفید در این زمینه با این روش تألیف شده است و همچنین کتاب «المقنع فی الغیبه» سید مرتضی و...

۳- روش مقارنی (تطبیقی)

در این روش مؤلف سعی دارد یک عقیده را بین طوایف مسلمین مورد بررسی قرار دهد. در موضوع مهدویت هم تالیف با این روش را شاهد هستیم. این گونه مباحث را در لابه لای کتابهای شیخ مفید و سیدمرتضی و شیخ طوسی به خوبی می توان یافت. از جمله کتابهای مستقل در این زمینه کتاب «بیان الاشکال فیما حکی من امر المهدی من الاقوال» از ابوعبداللّه حمیدان بن یحیی قاسمی حسینی از علمای قرن هفتم را

می توان نام برد و...

کتابشناسی مهدوی

یکی از گنجینه هـای ارزشـمند و کم نظیر مسـلمانان آثار و کتبی است که در ادوار مختلف آن هم در موضوعات گوناگون به دست عالمان و دانشوران دین باور تالیف و تصـنیف گردیـده است. «مهدویت» از جمله مباحث مهم و اساسـی است که درباره آن در ادوار گذشـته آثار مختلفی تـدوین شـده است. تالیفات در باب مهـدویت را می توان به چند گروه تقسـیم کرد. لازم به ذکر است این آثار گرانبها را دانشمندانی از اهل سنّت و شیعه سامان داده اند.

۱- آثاری که پیش از میلاد امام مهـدی علیه السـلام تـدوین شده است؛ مانند «اخبارالمهدی» ابوسـعید عبادبن یعقوب رواجنی، «اثبات الرجعه»(۱) فضل بن شاذان نیشابوری (۲) و...

۲- آثاری که از آغاز غیبت صـغری تالیف شـده اند: مانند «ابراز الوهم من کلام ابن حزم»، احمد بن صدیق بخاری، و «البرهان فی علامات مهـدی آخر الزمان» متقی هنـدی و... از اهل عالمان سـنّت و «اکمال الـدین» اثر گرانسـنگ شـیخ صـدوق و «اثبات وجود القائم، شیخ بهاءالدین عاملی، و «بحارالانوار ج ۵۱، ۵۲، ۵۳، علامه مجلسی و... از علما شیعه.

تألیف و تدوین مجموعه آثار آن هم از صدر اسـلام نشان دهنده این است که اندیشه مهدوی شایعه و رایج بوده و امری جدید و ساخته و پرداخته یک عده افراد خاص نمی توانسته باشد. موضوعی که تمام ابعاد

ص: ۲۱

۱- ۱ . «البدایه و النهایه» ج ۱۱، ۷.

۲- ۲ . «رجال نجاشی» ۳۰۷. نک: «در انتظار ققنوس» مقدمه مترجم و «موعودشناسی» ص ۱۵۰ به بعد.

آن از سوی رسولخدا صلی الله علیه و آله و ائمّه هـدی علیهماالسـلام بیان گردیده و روایات آن متواتر و یقینی (۱) است نمی تواند ساخته عده ای خاص باشد

جهت رعایت اختصار تنها بخشی از آثار دانشمندان مسلمان را ذکر می کنیم. با یادآوری این نکته که مهدویت حتّی در صدر اسـلام چنان مورد توجه و شایع بوده است که بسـیاری قبل از تولـد امام مهـدی علیه السـلام درباره آن بزرگوار و غیبتش شـعر سروده و مؤلفان به تالیف کتاب درباره حضرتش پرداخته اند.

تالیفات قبل از سال ۲۶۰

۱- علی بن حسن بن محمّد طائی طاطری از اصحاب امام کاظم علیه السلام (۲).

۲- علی بن عمر اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر علیه السلام (۳)

۳- حسن بن علی بن ابوحمزه که در عصر حضرت رضا علیه السلام زنده بوده است. (۴)

این مطلب نشـان دهنـده این است که موضوع غیبت امر جدیـد و ناشـناخته ای نبوده بلکه از یک موقعیت حساس و ویژه ای نیز برخوردار بوده و هرگز چنین موضوعی که در عصـر پیامبر معرفی شده و ابعاد آن بیان گردیده است و در عصـر ائمّه معصومین نیز مورد توجّه همگان بوده نمی تواند ساخته و پرداخته افراد خاصی پس از سال ۲۶۰ باشد.(۵)

۱- ۱ . نک «اکمال الدین» ج ۱، ۱۹. و «موعودشناسی» ۱۶ به نقل از مجله تمدن اسلامی چاپ دمشق.

۲- ۲ . «رجال شیخ طوسی»، ۳۵۷

۳- ۳ . «رجال نجاشی»، ۱۹۴.

۴- ۴ . «فهرست شیخ طوسی» / ۷۵.

۵- ۵ . برای کسب اطلاعات بیشتر درباره آثار تالیف شده قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام و پس از آن به مقدمه محققانه و ارزشمند مترجم کتاب «در انتظار ققنوس» و «خورشید مغرب» و... مراجعه فرمائید.

آثار فراوانی از هر دو فرقه

اشاره

احادیث و اخباری که در مورد حضرت ولی عصر علیه السلام صادر شده است. در کتابهای مختلف از سوی علمای اهل سنّت و شیعه جمع آوری شده و هر دو فرقه بخش عظیمی از تالیفات خود را به موضوع «مهدویت» اختصاص داده اند.

در این بخش به بیست اثر از هر گروه اشاره می شود. «از هر گروه بیست اثر» شماره می کنیم.

الف: برخی از آثار اهل سنّت

۱- ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، احمدبن صدیق مغربی بخاری؛

۲- اربعین حدیث فی المهدی، ابوالعلاء همدانی

۳- الاحادیث القاضیه بخروج المهدی، محمدبن اسماعیل امیر یمانی؛

۴- الاشاعه لاشراط الساعه، برزنجی شافعی؛

۵- امارات الساعه، شاه رفیع الدین بن امام شاه ولی اللّه دهلوی؛

۶- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، متقی هندی مؤلف کتاب «کنز العمال»؛

۷- البیان فی علامات مهدی آخرالزمان، گنجی شافعی؛

۸- رساله فی المهدی، ابن مجومکی؛

۹- العرف الوردی فی اخبار المهدی، یوسف بن یحیی دمشقی شافعی؛

۱۰- العرف الوردی فی اخبار المهدی، عبدالرحمن بن مصطفی؛

۱۱- علامات المهدی، جلال الدین سیوطی؛

۱۲- علامات المهدی، صدرالدین قونوی؛

۱۳- عنقاء المغرب فی بیان المهدی و وزرائه، محی الدین بن عربی اندلسی؛

۱۴- الفتن و الملاحم الواقعه فی آخر الزمان، ابن الفداء ابن کثیر دمشقی؛

۱۵- مرآه الفکر فی المهدی المنتظر، مرعی بن یوسف مقدسی؛

۱۶- مسأله فی الغیبه، قاضی عبدالجبار معتزلی ؛

۱۷- نعت المهدی، حافظ ابونعیم اصفهانی ؛

۱۸- مناقب المهدی، همان

۱۹- مهدی آل الرسول، علی بن سلطان محمدهروی حنفی؛

۲۰- الوعاء المختوم فی السرّ المکتوم فی اخبار المهدی، محی الدین بن عربی اندلس و...

ب: بعضی از آثار شیعه

۱- اصول الکافی «کتاب الحجه»، ثقه الاسلام کلینی؛

۲- اکمال الدین، شیخ ابوجعفر معروف به شیخ صدوق؛

۳- الارشاد، شیخ مفید بغدادی؛

۴- الغیبه، شیخ الطائفه طوسی؛

۵- الوجیزهُ فی الغیبه، سید مرتضی علم الهُدی ؛

۶- الغیبه، محمدبن ابراهیم نعمانی؛

۷- الملاحم و الفتن، سید ابن طاووس «رضی الدین»؛

۸- بحارالانوار، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ از چاپ جدید، ج ۱۳ از چاپ قدیم، علامه مجلسی؛

۹- اثبات الهداه، ج ۳، شیخ حر عاملی؛

۱۰- جنه الماوی، میرزا حسین نوری، صاحب مستدرک؛

۱۱- صاحب الزمان، محمدبن جمهور قمی ؛

۱۲- البرهان علی صحه طول عمر صاحب الزمان، ابوالفتح کراجکی طرابلسی؛

۱۳- رساله فی حرمه التسمیه، شیخ سلیمان ماحوزی؛

۱۴- رساله ی غیبت برای اهل ری، شیخ صدوق؛

۱۵- کفایه المهتدی فی احوال المهدی، سید محمدبن محمّد لوحی نقیبی ؛

۱۶- مکیال المکارم «دو جلد»، سید محمدتقی موسوی اصفهانی؛

۱۷- منتخب الاثر، شیخ لطف اللّه صافی ؛

۱۸- المهدی الموعود المنتظر، شیخ نجم الدین جعفر العسگری؛

۱۹- بحث حول المهدی، سیدمحمدباقر صدر؛

۲۰- بشاره الاسلام فی علامات المهدی، دو جلد، سیدمصطفی کاظمی و...

آثار تالیف شده درباره موضوع «مهدویت» از سوی نویسندگان اهل سنّت و شیعه بویژه در سده ی اخیر بسیار است که فهرست آنها خود کتاب مستقل و مفصلی را می طلبد. تنها مرحوم آیه اللّه شیخ آغا بزرگ تهرانی در کتاب گراسنگ خود «الذریعه الی تصانیف الشیعه» دهها کتاب را با عنوان «الغیبه» که موضوع آن زندگی امام عصر علیه السلام است ذکر می کند.

ص: ۲۵

طلوع خورشید

حضرت ولی عصر سلام اللّه علیه تنها فرزند و دردانه امام حسن عسکری علیهماالسلام به نقل مورخان و اتفاق علمای بزرگوار شیعه در شهر سامرا و در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولّد شده است(۱). برخی تصور می کنند درباره ولادت حضرت مهدی علیه السلام تنها مطالبی از حکیمه خاتون نقل شده است.(۲) در حالی که طبق نقل تاریخ و کتب معتبر روایی همه معصومین علیهماالسلام درباره ولادت حضرتش و بشارت ظهورش بسیار سخن گفته اند. ابن عباس از رسولخدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «خداوند تبارک و تعالی توجهی بر زمین کرد و مرا انتخاب نمود و من را نبی قرار داد. سپس بار دوّم توجهی کرد و علی را از روی زمین انتخاب نمود و او را امام قرار داد و مرا امر نمود که او را برادر و ولی و وصیّ و خلیفه و وزیر خود قرار دهم. پس علی از من و من ازعلی ام. او شوهر دختر من و پدر دو نوه ام حسن و حسین است. آگاه باشید که خداوند تبارک و تعالی من و آنان را حجت هایی بر بندگانش قرار داده است و از صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند کرد.

نهمین از آنها قائم اهل بیت من و مهدی امّت است شبیه ترین مردم به

۱- ۱ . «بحارالانوار»، ج ۵۱، ۴، ۱۵ و ۱۷.

۲- ۲ . خبر ولادت حضرت مهدی از طرق گوناگون نقل گردیده است نک: «اصول کافی»، ج ۱، ۳۲۸، «کمال الدین و تمام النعمه» ص ۴۳۰ حدیث ۵؛ «بحارالانوار» ج ۵ / ۱۷.

من در شمایل، گفتار، و اعمال و رفتار است، بعد از غیبت طولانی و حیرت گمراه کننده ظهور می کند.»(۱)

مادر مکرّمه اش که درود خدا بر او باد نرجس خاتون می باشد. پیرامون تولد حضرت مطالب بسیاری در کتب مفصل تاریخی گفته شده است، از جمله اینکه با توجه به بشارتهای داده شده درباره حضرت، دستگاه ظلم و جور بنی عباس پیگر بودند که به محض تولد، حضرت را به شهادت برسانند و بدین خاطر حمل و تولد حضرت مخفی بوده است. مرحوم شیخ عباس قمی می فرماید: یکی از نامهای مادر حضرت حجت علیه السلام «صقیل» می باشد. این بدین سبب است که وقتی نور حضرت در رحم این بانوی با عظمت قرار گرفت، نور و درخشندگی تابانی او را فرا گرفت. از این رو او را جلا دهنده (صیقل) نامیدند. نامهای دیگر مادر حضرت «ریحانه» و «سوسن» می باشد. می توانید داستان زیبای چگونگی تولد حضرت را از زبان حضرت حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام در کتب مفصله بخوانید. ما در این مختصر چگونگی شرفیابی نرجس خاتون به محضر امام حسن عسکری علیه السلام را از زبان مرحوم محدث نوری رضوان اللّه علیه در «نجم الثاقب» با اندکی تفاوت می آوریم.

رسیدن نرجس خاتون خدمت امام حسن عسکری علیه السلام

روایت کرده شیخ طوسی به سندش از بشر بن سلیمان نحاس یعنی (برده فروش) که از نسل ابی ایوب انصاری و از موالیان حضرت امام علی

---

۱ - ۱ . «کمال الدین تمام النعمه» ۲۵۷. علاوه بر حدیثی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل گردیده همه ائمّه علیهماالسلام از ولادت امام مهدی علیه السلام خبر داده اند نک: «اصول کافی» ج ۱/۳۳۸، «بحارالانوار» ج ۳۶/۳۸۳، و ج ۵۱/۱۳۲ «کمال الدین و تمام النعه» ۲۸۹ و ۳۱۷، «اعلام الوری» ۴۳۳، «کشف الغمه» ج ۲ ص ۴۰۶ و...

النقی و امـام حسن عسـکری علیهماالسـلام و همسـایه ایشـان در سـرمن رأی بود. گفت کـافور خادم امام علیه السـلام (علی بن محمـد) به نزد من آمد و گفت: «امام تو را به نزد خویش می خواند.» می گوید رفتم و در محضـر حضـرت نشسـتم. فرمود: ای بشـر تو از اولاد انصاری و این موالات و دوستی ما مدام در میان شـما بوده و به میراث می برید. خلف شما از سلف شما... شما ثقات و معتمـدان ما اهل بیت هستیـد و من پسـند کننده و بزرگوار کننده ام تو را به فضـیلتی که به آن پیش گیری بر شـیعه در پیروی کردن آن فضیلت، به سرّی و رازی مطلع می کنم تو را و می فرستم تو را برای خریدن کنیزی.

نامه مهر شده ومأموریتی بزرگ

پس نـوشت حضـرت نـامه لطیفی به خـط رومی و زبـان رومی و مهر بر آن زد و کیسه ای بیرون آورد دارای دویست و بیسـت اشـرفی و فرمود: بگیر این دویست و بیست اشـرفی را و توجه نما با این سوی بغداد و در معبر فرات حاضـر شو که در چاشتگاه زورقی (قایقی) چند خواهد رسید که اسیران در آن باشند و خواهی دید در آنها کنیزان را و خواهی یافت طوایف خریداران از وکلای قایـد بر آن، بنی عباس و انـدکی از جوانان عرب را چون این را ببینی از دور نظر انـداز آن شخصـی که او را عمرو بن یزیـد نخّاس نامنـد در تمـام روز. تـا آنکه ظـاهر سازد برای مشتریان کنیزکی که صـفتش چنین و چنان باشـد و دو جامه حریر محکـم بـافته در بَرِ او باشـد و آن کنیز اباکنـد از آنکه او را بر خریـداران عرضه کننـد که او را نظر کننـد، و اِبـا کنـد از دسـت گـذاردن بر او و اجـازه ندهـد که کسـی از خریـداران او را اراده لمس نمایـد و آواز او را بشـنوی به زبـان رومی در پس پرده رقیقی که چیزی می گویـد. پس بـدان که می گویـد: «وای که پرده عفتم دریـده شـد» با این حال که اجازه دست گـذاردن و اراده لمس به کسی نمی دهد. یکی

گوید: این کنیز برای من باشد به سیصد اشرفی که عفت او به رغبت من افزوده. پس به زبانی عربی گوید: «اگر دارایی به زیِّ(۱) سلیمان بن داود و به حشمت ملك او، مرا در تو رغبتی پیدا نشود پس بر مآل(۲) خود بترس». برده فروش گوید: «پس چاره چیست؟ و از فروختن تو چاره ای نیست. من فروشنده ام و باید تو را بفروشم» کنیز گوید: «چه تعجیل می کنی. باید مشتری برسد که دل من به او میل کند و اعتماد بر وفا و دیانت او داشته باشم.»

سپس در این وقت تو برخیز و برو نزد عمرو بن یزید برده فروش و به او بگو که با من مکتوبی است که یکی از اشراف (بزرگان) از روی ملاطفت نوشته به زبان رومی و به خط رومی و وصف کرده در آن نامه کَرَم و وفا و بزرگواری و سخاوت خود را. این نامه را به آن کنیز بده که در اخلاق و اوصاف (صاحب) نامه تأمّل نماید.

اگر میل نمود به او و راضی شد به او پس من وکیل اویم در خریدن آن کنیز از تو.

بشر بن سلیمان گفت: پس امتثال نمودم امر مولایم ابوالحسن علیه السلام را و به بغداد رفتم و فرمان امام علیه السلام را انجام دادم تا هنگام تسلیم نامه رسید.

پس چون کنیز نظر کرد در آن نامه سخت بگریست و گفت به عمرو بن یزید که مرا به صاحب این نامه بفروش و قسم های مغلظه (غلیظ و شدید) که به اضطرار آورنده بود خورد که اگر ابا کند از فروختن او به صاحب مکتوب، خود را بکشم. می گوید درباره قیمت بسیار سختگیری می کردم تا اینکه فروشنده به همان دویست و بیست اشرافی امام علیه السلام راضی شد. کنیز نیز خندان و شکفته شد و با من به حجره ای آمد که در

۱- ۱ . زیِّ: حالت ، وضع ، رسم .
۲- ۲ . مآل: آرزو وخواست .

بغداد گرفته بودم. و در حجره دوباره نامه امام را باز کرد. می بوسید و بر دیده ها می مالید.

پرسیدم: «نامه ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی؟»

گفت: «ای عاجز کم معرفت به بزرگی فرزندان و اوصیای پیغمبران، گوش خود را به من سپار و دل برای شنیدن سخن من فارغ بدار تا احوال خود را برای تو شرح دهم.»

سرگذشت مادر امام زمان علیه السلام

گفت: من ملکه دختر یشوعای(۱) فرزند قیصر پادشاه روم هستم و مادرم از فرزندان شمعون بن الصفا وصی حضرت عیسی علیه السلام است.

جدّم قیصر خواست که مرا به عقد فرزند برادر خود درآورد، هنگامی که من سیزده ساله بودم. پس جمع کرد در قصر خود از نسل حواریان عیسی علیه السلام از علمای نصاری و عباد ایشان سیصد نفر، از صاحبان قَدر و منزلت هفتصد نفر، از امرای لشکر و سرداران عسکر و بزرگان و سرکرده های قبایل چهار هزار نفر.

تختی را حاضر ساختند که در ایام پادشاهی خود به انواع جواهر، مرصّع گردانیده بود و آن تخت را برروی چهل پایه تعبیه کردند. بتها و چلیپاهای(۲) خود را بر بلندی هایی قرار دادند و پسر برادر خود را به بالای تخت فرستاد.

چون کشیشها، انجیلها بر دست گرفتند که بخوانند، چلیپایی سرنگون شد. پایه تخت بشکست، تخت بر زمین افتاد. پسر برادر مَلِک از تخت افتاد و بیهوش شد.

رنگ کشیشها متغیر شد. اعضایشان بلرزید. بزرگ ایشان درخواست

۱- ۱ . در بعضی منابع یوشعا آمده است مانند اکمال الدین .

۲- ۲ . صلیب .

کرد از این کار معاف شوند و گفت: «نحوست هایی روی داد که دلالت بر زایل شدن دین مسیح می کند.»

کنیز گفت: جدّم این امر را به فال بد گرفت و گفت: «این مراسم وقت دیگر برقرار شود تا این دختر را به برادر این بخت برگشته عقد نمایم.»

بار دوم نیز این اتفاق افتاد. معلوم شد سرّی در کار است.

شرح یک رؤیای صادقه

مردم متفرّق شدند. جدّم به حرم بازگشت و پرده های خجالت آویخت. من در خواب دیدم که حضرت مسیح با حواریین جمع هستند و میزی از نور نصب کردند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم با وصی و دامادش علی بن ابی طالب علیه السلام با جمعی از امامان و فرزندان بزرگوار ایشان قصر را به نور قدوم خوش منوّر ساختند.

حضرت مسیح علیه السلام ، از روی تعظیم به استقبال خاتم انبیاء آمد. دست در گردن آن حضرت درآورد. پس حضرت رسول فرمودند: «یا روح اللّه آمده ام که ملکه فرزند وصی تو شمعون الصفا را برای این فرزند خواستگاری نمایم.»

و اشاره کردند به امام حسن عسکری علیه السلام .

شمعون نیز پذیرفت و همگی بر آن منبر برآمدند. و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ای انشاء فرمود. و عقد بسته شد. از خواب بیدار شدم و برای کسی این خواب را نگفتم به خاطر ترس از کشته شدن. ولی روز به روز محبت آن خورشید فلک امامت در کانون سینه ام مشتعل می شد... به نحوی شد که در فراق آن بزرگوار خوردن و آشامیدن بر من حرام شد و هر روز رنجورتر شدم که مجبور شدم به اطبا مراجعه نمایم. به جوری که طبیبی

نمانـد مگر اینکه مراجعه نمودم، ولی همه از علاـج من مـأیوس شدنـد. جـدّم به من گفت: «ای نور چشم آیا آرزو داری که به عمل آورم (انجام دهم تا خوشحال شوی .»

گفتم: «درهای خوشـحالی به روی من بسته است. شما از شکنجه و آزار اسیران مسلمان دست بردارید و زندانیها را آزاد کنید. بلکه خدای متعال، حضرت مسیح و مادرش ما را ببخشند.»

چون چنین شد صحتی از خود ظاهر ساختم و تناول کردم مقداری طعام.

بانوی دو عالم و اسلام آوردن نرجس خاتون

بعـد از چهار شب در عالم خواب بهترین زنان عالم حضـرت زهرا علیهاالسـلام را دیدم که به دیدن من آمده به همراه حضـرت مریم و او نیز با هزار کنیز از حوران بهشت. حضرت مریم گفت: «این خاتون مادر شوهر تو است.»

سپس بدامنش درآویختم و گریسـتم و شـکایت کردم که امام حسن عسـکری علیه السلام به من جفا می کند و از دیدن من ابا می کند.

آن حضرت فرمود: «چگونه بیاید و حال آنکه تو هنوز مشرک هستی.

اگر میل داری که حقتعالی و حضـرت مسـیح و مریم از تو خشنود گردند و امام حسن علیه السلام به دیدن تو بیاید شهادتین را بگو. من این دو کلمه طیبه را گفتم و حضرت مرا به سینه چسبانید و فرمود: «منتظر آمدن فرزندم باش.»

شب بعد در خواب، آن آفتاب جمال نورانی طالع گردید. گفتم ای دوست من، بعد از آنکه دلم را اسیر محبّت خود گردانیدی چرا مفارقت نمودی و جفا دادی؟»

فرمود: «علّت آن فقط مشرک بودن تو بود. اکنون که مسلمان شدی هر شب به نزد تو خواهم آمد.»

سؤال شد: چه شد میان اسیران افتادی؟ گفت: امام عسکری به من خبر داد که در فلان روز جدّت لشکری به سوی مسلمانان خواهد فرستاد. تو خود را در میان کنیزان او و خدمتکاران بینداز بطوری که تو را نشناسند و روانه شو.

پس از برخورد با مسلمانان اسیر شدم و آخر کار من این بود که دیدی.(۱)

محضر پدر

امام زمان علیه السلام پنج سال در کنار پدر ارجمندش امام حسن عسکری علیه السلام زندگی کرد وشاهد صادق زحمات و تلاشهای امام عسکری علیه السلام وظلم های بنی عباس و دستگاه جبار بود. جهت روشنتر شدن شرایط عصر امام عسگری علیه السلام به نقل ذیل دقت کنید. داوود بن اسود می گوید: امام عسگری عصایی به من داد و فرمود: این را به عَمری برسان. در بین راه عصا شکست. ناگهان مشاهده کردم که در میان آن نامه ای است. خدمت امام که رسیدم جریان را بازگو کردم. حضرت فرمود:... هرگاه مشاهده کردی که کسی ما را دشنام می دهد تو به دنبال مأموریتی که فرستاده شدی برو، و مبادا در صدد پاسخ او برایی یا خودت را به او معرفی کنی. زیرا ما در بد شهری قرار داریم. تو به راه خودت ادامه بده، زیرا اخبار و احوال تو به ما می رسد. این را به خوبی بدان.

به هرحال توطئه های خلفای جور یکی پس از دیگری نقش برآب شد و آنچه ماندگار گردید راه «امامت و ولایت» بود که خدا درخاندان رسالت قرار داده است و امام مهدی به عنوان خاتم الاولیا جانشین پدر

۱- ۱ . «نجم الثاقب» ۱۷ _ ۲۳.

ارجمندش امام عسـگری علیهماالسـلام شد. از اوان کودکی خدای متعال درهای حکمت را بر وی گشوده بود، و حضرت پس از شـهادت پـدر بزرگوارش امامت امت را عهـده دار گردیـد، نماز بر پیکر پـدر اقامه نمود و حاضـران دیدنـد چهره پر فروغ و نورانی حضرت را وپس از آن است که دو دوره مهم در زندگی امام علیه السلام قابل دقت و مطالعه فراوان است.

آغاز دو دوره غیبت

زنـدگی امـام زمـان علیه السـلام دارای دو غیبت است، یکی غیبت صـغری (کوتاه مـدّت) و دیگری غیبت کبری (دراز مـدّت) غیبت اول حضـرت از هنگام تولّـد می باشد تا پایان دوران نیابت چهار نایب خاص، و دوّمی با پایان یافتن دوره نخست شـروع می شود و تا هنگام قیام و ظهور حضرتش ادامه خواهد یافت.

هر چنـد درباره غیبت مطالب بسـیار سودمنـد و مفیدی گفته شده است ولی همه اسـرار آن را کسـی نتوانسـته است بیان نماید. بعضـی قائلنـد این غیبت یک سـنّت الاهی است برای آزمایش بندگان تا بندگان صـبور و تسـلیم فرمان حضـرت حق مشـخّص گردنـد که امام موسـی بن جعفر علیهماالسـلام فرموده است: « هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشـید. مبادا کسـی شـما را از دین خارج کند (۱)» بعضـی قائلنـد غیبت برای حفـظ جان امام دوازدهم می باشـد. زیرا بنی عباس وقتی شنیدند که خدای متعال فرزندی به امام حسن عسـکری علیه السـلام عنایت خواهد کرد و او قائم آل محمّد خواهد بود و انتقام گیرنده از ظالمین در حق قرآن و عترت تصمیم به قتل حضرت گرفتند. یعنی اگر حضرت ظاهر می شدند جان

۱- ۱ . «بحارالانوار» ج ۵۰/۲۸۳؛ ج ۵۲ / ۳۸۰.

مبارکشان در خطر بود و در صورت شهادت به مأموریّت خود نمی توانستند دست یابند.

زراره یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید امام صادق فرمود: « برای امام زمان علیه السلام پیش از قیام غیبتی خواهد بود و حضرت برای مدّتی از چشمها غایب خواهند بود.» عرض کردم: «چرا؟» حضرت به شکم خود اشاره کرد. یعنی بر جان خویش بیمناک هست.(۱) عدّه ای نیز قائلند علّت غیبت برای این است که حضرت از بیعت با طاغوتهای زمان آزاد باشند کما اینکه به این موضوع نیز در روایات بسیاری اشاره شده است. یعنی زندگانی امام زمان علیه السلام دارای یک ویژگی برجسته و خاصی می باشد که خدای متعال نمی خواهد امام دوازدهم حتّی به صورت تقیّه هم که شده با رژیم های سلطه گر بیعت نماید و یا تحت حکومت ایشان درآید.

و بدین سان حضرت پس از قیام دین حق را به طور کامل و بدون ملاحظه جامه عمل می پوشد.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: « قائم علیه السلام در حالی قیام می کند که کسی را بر گردن او عقدی و پیمانی و بیعتی نباشد(۲)». یونس بن عبدالرحمن می گوید: من بر موسی بن جعفر علیهماالسلام وارد شدم و عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق می باشید؟» فرمود: «من قائم به حقم. ولی قائمی که زمین را از دشمنان خداوند عزّوجلّ پاک کرده و آن را پر از عدالت خواهد نمود آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد همان پنجمین نفر از اولاد من است، برای او غیبتی طولانی است زیرا بر جان او خطر است.»(۳)

۱- ۱ . «اصول کافی» ج ۱ /۳۳۷.

۲- ۲ . «غیبت نعمانی»، / ۲۵۰.

۳- ۳ . «بحارالانوار» ج ۵۱ / ۱۵۱.

از آنچه بیان شد بدست می آید که مجموع عوامل در این امر مهم و اساسی دخیل هستند. شاید بشود گفت عوامل بازگو شده از باب حکمت است که ائمّه معصومین علیهم السلام برای شیعیان مطرح فرموده اند و باید گفت علمه عند اللّه.

مدّت غیبت صغری

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم علیه السلام) می باشد. هر چند عدّه ای از بزرگان قائلند از زمان تولّد یعنی سال ۲۵۵ هجری و آنانی که غیبت را از زمان تولّد می دانند بر این عقیده اند که حضرت در دوران پنج سال زندگی با پدر بزرگوارشان نیز با مردم معاشرت و رفت و آمد و گفتگویی همیشگی نداشته است. به هر حال مدت غیبت صغری بنا بر نظر اوّل ۶۹ سال و بنابر نظر دوّم ۷۴ می باشد و لازم به ذکر است نظر دوّم را مرحوم شیخ مفید قدس سره در ارشاد انتخاب فرموده اند.(۱)

سفیران خوبی

در دوران غیبت صغری چهار نفر از شیعیان خالص و مورد تأئید امام علیه السلام به عنوان باب و رابط و سفرای بین امام و مردم و شیعیان بوده اند که ما فقط برای اینکه نوشته مان به نام و یاد نوّاب خاص متبرّک شود به ذکر نام ایشان اکتفا می کنیم.

۱ــ ابو عمر و عثمان بن سعید عَمری: او به عنوان وکیل خاص امام هادی علیه السلام معرفی شده است. بعد از شهادت امام هادی علیه السلام وکیل خاص امام عسگری علیه السلام شد. امام یازدهم او را مورد ستایش قرار می داد و در

۱- ۱ . نک «اکمال الدین تام النعمه» / ۴۷۴ - ۴۷۶ و «بحارالانوار» ج ۵۰، ۳۳۲.

حق ابوعمر و فرمود: این ابوعمرو ثقه و امین است هر آنچه برای شما می گوید از من است و آنچه به شما می رساند از جانب من می باشد.(۱)

۲- ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمری محمدبن عثمان بعد از وفات پدرش به مقام سفارت رسید. بنا بر نقل شیخ طوسی امام عسگری به جماعت قمی ها فرمود: «شهادت دهید بر من که عثمان بن سعید وکیل من است و نیز فرزند او محمّد وکیل فرزندم مهدی شماست(۲)».

۳ـ ابو القاسم حسین بن روح نوبختی سفیر سوم در ابتدای امر وکیل محمّـدبن عثمان عمری بود که بر املاک او نظارت داشت، تا آنکه وصیّت با نص به او منتهی شد و هیچ کس در این امر شک نداشت.(۳)

ابوجعفر احمد متیل می گوید: «هنگام وفات محمدبن عثمان عمری من بالای سر او نشسته بودم و از او سئوال می کردم و حسین بن روح نیز بر پایین پای او نشسته بود. محمّدبن عثمان روی به من نمود و فرمود: «من امر شدم تا بر ابی القاسم بن روح وصیت کنم.» با شنیدن این خبر از جای خود بلند شده حسین بن روح را به جای خود بر بالای سر محمدبن عثمان قرار دادم. (۴)

۴ـ ابوالحسن علی بن محمد سَـمَری تاریخ ولادت سفیر چهارم نیز مانند سفرای دیگر مشخص نیست، ولی برای اولین بار به عنوان یکی از اصحاب امام یازدهم شناخته شده است.(۵) علیّ بن محمّـد به وظایف سفارت خود ادامه داد. شش روز به وفاتش باقی مانده بود که از طرف امام زمان علیه السلام توقیعی به او صادر شد. امام علاوه بر اعلام و خبر مرگ سفیر چهارم او را

۱- ۱ . «الغیبه» طوسی / ۳۵۴.

۲- ۲ . «همان»، ۳۵۵ و ۳۵۹.

۳- ۳ . «همان» ۳۷۲.

۴- ۴ . «همان»، ۳۷۰.

۵- ۵ . «همان» ۳۷۲.

از وصیت کردن به سفارت برای بعد از خودش منع می نماید.(۱)

دو سفیر اوّل امام علیه السلام پدر و پسر می باشند و همه این چهار بزرگوار از بزرگان شیعه و از نظر تقوا، عدالت، علم و دانش مورد توجّه و احترام و از یاران صدیق امام هادی، امام عسکری و امام زمان علیهماالسلام می باشند و در جلالت قدر ایشان همین بس که به عنوان نایبان خاص حضرت ولی عصر سلام اللّه علیه منصوب گردیدند.

وظایف نایبان حضرت در طول غیبت صغری

۱ _ پنهان نگه داشتن نام و مکان زندگی حضرت. نه تنهانایبان خاص بلکه هر کس دیگری نیز به محضر حضرت مشرّف می شد وظیفه داشت نام و مکان زندگی حضرت را از دشمنان و بدخواهان مخفی نگه دارد.

۲ _ سازماندهی و کلای محلی حضرت. توضیح اینکه از زمان امام جواد علیه السلام مشخّصا وکلایی را حضرت به بلاد مختلف برای سازماندهی و پیگیری کار شیعیان فرستادند و از زمان غیبت ارتباط ایشان (وکلا) با امام زمان قطع گردید و لذا نایبان خاص وظیفه داشتند به امور شیعیان از طریق وکلای محلی مستقر رسیدگی نمایند.

۳ _ اخذ وجوه شرعی و اموال متعلّق به امام علیه السلام و توزیع عادلانه آن بین مردم و مستحقّین. امام مهدی علیه السلام روز بعد از شهادت امام عسگری علیه السلام و یا در همان روز، بعد از مراسم تشیع و خاک سپاری امام عسگری به هیئت قمی ها دستور داد که از این به بعد اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش در بغداد (ابوعمرو، عثمان بن سعید عمری) تحویل دهند.(۲)

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه» ۵۱۶.

۲- ۲ . «همان»، ۴۷۸.

۴ ـ از جمله مهمترین وظیفه نایبان خاص حضرت پاسخ گویی به سؤالات فقهی و برطرف کردن شبهات عقیدتی شیعیان بود. نایبان خاص می بایست در مقابل سم پاشی های عدّه ای از مغرضین و یا احیانا نزدیکان خلفای سلطه گر عباسی بایستند که تبلیغ می کردند. مثلاً امام زمان به دنیا نیامده است. سفرای حضرت بعضا با مخالفان به بحث و گفتگو نیز می نشستند و آنان را محکوم می ساختند.

۵ ـ نایبان خاص با مدعیان دروغین نیابت نیز به مبارزه بر می خواستند که در تاریخ زندگانی حضرت به طور مفصل آورده شده است(۱) که عدّه ای در زمان غیبت ادعای نیابت کردند و به چه نحوی رسوای خاص و عام شدند.

غیبت کبری

با درگذشت نایب چهارم حضرت، این دوران آغاز شد. در حقیقت دوران نیابت خاصه پایان یافت و با غیبت کبری دوره نیابت عامه آغاز گردید. در دوران نیابت عامه شخص خاص نایب نمی شود؛ بلکه ضابطه ای از سوی معصومین علیهم السلام ارائه شده است که اگر فردی مطابق آن ضوابط و شرایط بود به عنوان نایب شناخته می شود.

در روایات بسیاری به این موضوع پرداخته شده است که در زمان غیبت کبری مرجع و ملجأ شیعیان کسانی هستند که دارای آن ضوابط کلی از جمله علم، تقوا، عدالت، شهامت و شجاعت باشند. نیابت عامه از سوی خود امامان به ویژه حضرت حجت به فقیه جامع الشرایط تفویض گردیده است. اسحاق بن یعقوب بعد از طرح مسائلی از حضرت مهدی

۱- ۱ . «بحارالانوار» ج ۵۱، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۰۱.

جواب آنها را طلب می کند. امام در ذیل آن نامه که از سوی نایب دوّم خود محمدبن عثمان عمری می فرستد چنین آورده است: امّا در حوادثی که پیش می آید به راویان احادیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم...(۱)

ذکر این نکته را لازم می دانیم که مسأله ولایت فقیه جامع الشرایط که امروز شاید بیش از هر زمان دیگر مطرح هست در روایات بسیاری آمده است و به این نکته هم باید توجّه داشت که عالم اسلام با این مسأله تنها در زمان امامین همامین امام عسکری و حضرت حجه علیهماالسلام روبه رو نشد. بلکه این مطلب از زمان حضرت رسول اکرم هم مطرح بوده و در زمان امیر المؤمنین علیه السلام هم به آن پرداخته شده است. اعزام نیروهای ارزشی از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به مناطق مختلف، فرستادن مالک اشتر رضوان اللّه علیه از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام به مصر و قبل از مالک اشتر رضوان اللّه علیه فرستادن محمّد بن ابو بکر و دهها نمونه دیگر از این سنخ شاهد گویایی بر این مسأله می تواند باشد.

امام صادق علیه السلام به بعضی از راویان احادیث می فرماید من دوست دارم امثال شما در مسجد بنشیند و فتوی بدهند پس اینکه عده ای در محافل مختلف بر علیه نظام جمهوری اسلامی تبلیغ می کنند که ولایت فقیه در منابع مطرح نبوده است حرفی است بی اساس و مخالف سیره مستمره معصومین علیهم السلام .(۲)

ص: ۴۰

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه» ج ۲، ص ۴۸۴.

۲- ۲ . علاقه مندان به کتب مربوطه از جمله «وسائل الشیعه» ج۱۸، باب ۱۱، ابواب صفات قاضی «اصول کافی» ج۱ ص۶۷، و کتب دیگری که بحمداللّه به برکت نظام مقدّس جمهوری اسلامی منتشر گردیده است و تعداد آنها هم کم نیست مراجعه نمایند.

رفتار محمّدی و شجاعت علوی

حضرت ولی عصر سلام اللّه علیه پس از قیام چه روشی را برای اداره جامعه انسانی و اسلامی در پیش خواهند گرفت؟ به طور قطع و یقین روش و سیره حضرت شیوه ای قرآنی و طبق سنّت و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که اسوه حسنه است خواهد بود. حضرت با بدعتها و نوآوریهایی که مانع رشد و تعالی انسان است، مبارزه خواهند کرد با آمدن حضرت، باطل رخت بر می بندد و حق نمایان و جلوه خواهد کرد، دولت حق به دست آن بزرگوار تشکیل خواهد شد. به سیره جد بزرگوارش عمل خواهد نمود و آن را ترویج خواهد کرد. شعار مهدی علیه السلام شعار کربلایی امام حسین علیه السلام « ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر واسیر بسیره جدّی رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم وابی علی بن ابی طالب علیه السلام » خواهد بود. امام صادق به سلیمان بن بلال گوید از پدر بزرگوارش و او از پدرش و او از حسین بن علی علیه السلام که آن حضرت فرمود: « مردی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و باو عرض کرد: ای امیرمؤمنان ما را از این مهدی علیه السلام خودآگاه کنید. پس آن حضرت فرمود: «هنگامی که رفتنی ها بروند و منقرض شوند و مؤمنان اندک شوند و آشوبگران از میان بروند همان وقت، همان وقت.» آن مرد عرض کرد: «ای امیرمؤمنان این مرد از کدام قوم است؟ «فرمود: از بنی هاشم از بلند مقامترین طوایف عرب است و از دریایی که از هر سو آبها بر آن سرازیر است، مأمنی که پناهگاه پناه جویان است و معدن زلال آن است به آن هنگام که همه تیره و ناصافی شوند، هنگامی که مرگ شبیخون زند او را ترسی در دل نباشد و چون مرگ روی نماید سستی و ناتوانی از خود نشان ندهد، و در میدان نبرد و زور آوری آنجا که دلیران پشتشان به خاک آید عقب نشینی نکند، دامن همّت بر کمر زده و پر جمعیت و پیروزمند و شیر بیشه شجاعت باشد که ریشه کن کننده

ستمگران، پشتوانه ای استوار و مردانه و شمشیری از شمشیرهای خدا باشد، سالار و پر خیری است که بزرگ شده خاندان جلالت و شرف است، و ریشه مجد و بزرگواری اش اصیل ترین ریشه ها باشد. پس تو را هیچ موجب انصرافی که به سوی هر فتنه ای شتابان بگریزد و اگر سخن بگوید بدترین سخن را بگوید و اگر خاموش نشیند خباثت و فساد در درون دارد از بیعت آن حضرت بازندارد.

و فرمود: ساحت و درگاهش از همه شما گشاده تر و دانش او از همه شما فزونتر است و خویشان و نزدیکان را بیش از همه شما سرکشی می کند و حفظ پیوستگی می نماید. پروردگارا برانگیخته شدن او (ظهور و قیام او) را مایه به در آمدن و سررسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده و با او پراکندگی امّت را جمع ساز. پس اگر خداوند برای تو خیر خواست، عزم خود استوار گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی از او به دیگری باز مگردد. هرگاه به سویش راه یافتی از او در مگذر (سپس حضرت آهی کشید) و در این حال با دست خویش به سینه خود اشاره نمود و فرمود: چه بسیار به دیدن او مشتاقم.

خواننده گرامی! این روایت تابلویی است زیبا و ساخته شده به دست امیر بیان، بلاغت و فصاحت امام علی علیه السلام درباره حضرت ولی عصر علیه السلام و چه بدیع و نو مطالب را حضرت عنوان نموده اند و خصوصیات مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلم را ترسیم کرده اند.

نکاتی را که در روایت آمده است بار دیگر مرور می کنیم:

۱ ـ به علّت طولانی شدن غیبت حضرت بسیاری از مؤمنان در حال انتظار از دنیا می روند کما اینکه بخشی از آشوبگران نیز از میان خواهند رفت؛

۲ ـ امام عصر علیه السلام از قبیله ای باشرافت و جلالت خواهند بود کما اینکه

در بسیاری از روایات آمده است که ائمّه از بنی هاشم و قریشند؛

۳ _ طلوع آن خورشید پر فروغ در زمانی خواهد بود که ستمگران برای مستضعفان پناهگاهی باقی نگذاشته باشند و همه جا را تیرگی و ناصافی گرفته باشد و زمانی جامعه ای را تیرگی می گیرد که احکام الاهی به فراموشی سپرده شود و امیال و خواهشهای نفسانی ریاست طلبان همه امور را برعهده بگیرند؛

۴ _ امام زمان علیه السلام دارای شجاعت و قدرتی هستند که از مرگ در راه خدا و مبارزه برای اجرای احکام الاهی واهمه ای به خود راه نمی دهد با این جملات نورانی و پر مغز انسان به کلمات امیرالمؤمنین در نهج البلاغه توجّه پیدا می کند که فرمود: لو تظاهرت العرب علی قتالی ما ولیت... این شجاعت علوی مخصوص خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است؛

۵ _ تربیت و رشد و نمو امام زمان در خاندان شرف و عزّت و با جلالت و شوکت ولایت و امامت است. کسی که درخت وجودش از نور، و تغذیه آن وحی الاهی و نَفَس قدسی و رحمانی باشد، باید دارای چنین خصوصیّاتی باشد. اینان تفسیر کلمه مبارکه قرآنی اند که « مثل کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت وفرعها فی السماء ».(۱) اینان فرزندان خانه ای هستند که فرمود: « فی بیوت اذن اللّه ان تُرفع و یذکر فیها اسمه »؛(۲)

۶ _ بخشی از این کلام نورانی امام علی علیه السلام به خباثت و توطئه، توطئه گران اشاره می کند آنان که با وساوس شیطانی نسبت به عقائد حقّه، و از جمله نسبت به وجود امام زمان ایجاد شک و دو دلی می نمایند، حضرت توجّه می دهد که در عصر غیبت توطئه اینان شما را از مسیر حق منحرف ننماید؛

۱- ۱ . ابراهیم، ۲۴.

۲- ۲ . نور، ۳۶.

۷ ـ بخش دیگری از این روایت به علم حضرت و به احیاء سنن نبوی توسّط امام زمان اشاره می نماید، که امام باید عالمترین مردمان عصر خود باشد، و اینکه درِ خانه امام زمان بروی همه مردم باز است مردم حوائجشان را از او می گیرند، حضرت سنّت حسنه صله رحم را که مردمان به جهالت و بی توجّهی خود از بین برده اند زنده می کند، و از موجبات تفرقه و جدائی شما را برحذر می دارد؛

۸ ـ سپس حضرت با دعا و درخواست از پروردگار فرج امام زمان علیه السلام را می خواهد و اشاره می کند که دلتنگی ها به فرج او پایان خواهد پذیرفت ان شاءاللّه.

روایات در باب سیره و روش امام عصر علیه السلام بسیار زیاد می باشد. به همین یک روایت اکتفا می نماییم. از مجموعه روایات به دست می آید که حضرت پس از قیام در درجه اوّل مردم را به امامت خویش فرا می خواند، و از مردم برای احقاق حقّش و تحقق دین اسلام کمک می طلبد، فرمان خدا را جاری می سازد و سنّت و روش پیامبر را زنده می کند، مظاهر کفر و ظلم را از بین می برد. به سر تا سر عالم نیروهای دینی و ارزشی را برای ترویج و تبلیغ دین خدا و امامت خود، گسیل می دارد. گرد و غبارنشسته بر دامن اسلام را با نفس مسیحایی خود زایل و گویی اسلام جدیدی ارائه می نماید. امام عصر علیه السلام به حق هادی و مهدی است که مردم را به آیینی که با انحراف از حق از دست داده اند دعوت می نماید. برای خدا و ابراز حق قیام می کند و بدس سان به حضرت «قائم» گویند.

با گامهای استوار حضرت کاخهای ستمگران و قصرهای بیداد پیشه گان فرو می ریزد.

امنیّت و آسایش از ارمغانهای دولت حضرتش می باشد، بهره بشر از زمین و زمان افزایش می یابد و آیه شریفه «لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ

وَالأَرضِ»(۱) تحقق می یابد.

آحاد بشر و متدینان عالم به دین اسلام که دین مورد رضای الهی است روی می آورند که فرمود: «انّ الدین عند اللّه الاسلام»(۲). امام زمان فریادگر حقیقی توحید و مفسّر قرآن است که امام صادق فرمود. «یُعَلِّمَ الناسَ القرآن علی ما انزل اللّه عزّ وجلّ» قرآن را به همان شکلی که نازل شده است به مردم تعلیم و آموزش می دهد. حکم و داوری حضرت یاد آور حکم و داوری داود پیامبر است «اللهمّ انا نرغب إلیک فی دوله کریمه تعزّ بها الاسلام وأهله وتذلّ بها النفاق وأهله»(۳).

تعیین وقت ظهور ممنوع

هر چند در روایات بسیاری برای ظهور حضرت نشانه و علائمی را ذکر فرموده اند، ولی تعیین وقت معین نه تنها صورت نگرفته بلکه از تعیین وقت نهی هم شده است. البتّه علائم نیز در کتب مفصّله مربوطه، به علام قریبه و بعیده و حتمیّه و غیر حتمیّه تقسیم شده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت به محمّد بن مسلم فرمودند: «ای محمّد هرکس به روایت از ما تعیین وقتی را بر تو خبر داد هرگز از اینکه او را تکذیب کنی هراس نداشته باش که ما برای هیچ کس زمانی را (برای ظهور قائم علیه السلام) تعیین نمی کنیم.

و یا در روایتی از آن بزرگوار نقل شده است: «وقت تعیین کنندگان دروغ می گویند. ما اهل بیت وقتی را تعیین نمی کنیم.» سپس فرمود: «خداوند نمی خواهد مگر آنکه زمانی را که تعیین کنندگان وقت معلوم

۱- ۱ . اعراف، ۹۶.

۲- ۲ . ال عمران، ۱۹.

۳- ۳ . مفاتیح الجنان

می کنند خلاف آن کند.»(۱) تادروغ گویی ایشان ظاهر شود.

علائم و شرایط

برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام علائم و شرایطی را در روایات بر شمرده اند. قبل از اشاره به علائم لازم است وجه اشتراک و یا فرق میان آنها معلوم گردد وجه اشتراکی که علائم و شرایط دارند این است که هر دو قبل از ظهور خواهد بود ولی از جهاتی هم دارای اختلاف اند.

۱- شرایط اموری واقعی هستند که ظهور به آنها منوط شده است و اگر شرایط تحقق نیابد ظهور اتفاق نخواهد افتاد، ولی علائم جنبه کاشفیّت دارند؛

۲- علائم، حوادثی پراکنده اند که در طول غیبت به صورت پراکنده انجام خواهد گرفت، ولی شرایط تا وقت ظهور به صورت متصل خواهد بود؛

۳- انسان نسبت به شرایط ظهور، تکلیف دارد، بر خلاف علائم ظهور و بلکه باید گفت ایجاد شرایط بخش مهمی از تکالیف عصر غیبت است که باید صورت پذیرد.(۲)

مسأله علائم ظهور در همه دوران هامورد توجّه عالمان و دانشمندان بزرگ اسلام بوده است. در این باره آثار گرانبهایی نیز تدوین گردیده است. در این آثار علائم و شرایط همگی یکجا مورد بحث قرار گرفته است ولی دانشمندان متأخر و معاصر تحقیق و بررسی بیشتری به خرج داده و اظهار عقیده کرده اند که حوادث و پیشامدهای مربوط به دوران غیبت همگی جزء «علائم ظهور» نیست، بلکه بیشتر آنها رویدادها و وقایعی

۱- ۱ . به کتابهای مربوطه از جمله «غیبت نعمانی»، «بحارالانوار» ج ۵۲/۲۹۱. «مهدی موعود» و... مراجعه کنید.

۲- ۲ . «موعودشناسی و...» / ۵۱۸ با مختصر تفاوت و اضافات.

است که عادتا در طول تاریخ غیبت واقع می شود. شیخ علی اصغر بروجردی صاحب کتاب «نورالانوار» می گوید: «علامات ظهور بر شش قسم است:

قسم اوّل: علائم حتمیه که البته خواه ناخواه باید واقع شود. مانند «خروج دجال» و «سفیانی» و «صحیه آسمانی». این هر سه علاماتی است که مقارن با ظهور خواهد بود؛

قسم دوّم علائم معلقه و شرطیه که این علائم، منوط و مشروط و معلق است به اراده و مشیّت خداوند عالم، که اگر اراده تعلق گرفته باشد واقع می شود؛ و اگر خدا نخواهد واقع نخواهد شد. چه بسا می شود که به جهت حکمت و مصلحت و مقتضیات و موانعی که خداوند عالمیان می داند واقع نشود و یا بر اثر طاعات و دعاهای مردم رفع گردد و یا تغییر داده شود؛

قسم سوم: علاماتی است که قبلاً و در زمانهای گذشته تاکنون واقع شده و زمان آنها گذشته است آنها را علامات واقعه می گویند؛

قسم چهارم: علاماتی است که تا هنوز واقع نشده و امید می رود که (بعدها) واقع شود. اینها را علامات غیرواقعه می گویند؛

قسم پنجم: علاماتی است خاصه که خاص و مختص به وجود پربرکت خود حضرت صاحب الامر علیه السلام است و کسی در این علامات با آن حضرت شریک نیست و حضرتش به این وسیله می داند که خداوند او را اذن و اجازه ظهور داده است، زیرا علم ظهور حضرت را به جز خدا کسی نمی داند؛

قسم ششم: علاماتی است عامه که برای عامه عوام و خاصّه خواص ظاهر خواهد شد و دانستن آن اختصاص به حضرت ندارد، بلکه برای همه مردم است. هر کس از عوام و خواص، آنها را (کم و بیش در طول

مدت عمر خود اگر چه خیلی کوتاه) خواهد دید.(۱)

فهرست علائم عامّه

مرحوم شیخ مفید رضوان اللّه علیه در ذکر علامتهای زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام در کتاب ارشاد چنین فرموده است:

بدان که روایاتی که در ذکر نشانه های زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام رسیده، و آن نشانه ها و علامات و حوادث باید پیش از ظهور مبارک آن بزرگوار واقع شود فراوان است از جمله آنها این چند علامت است:

۱- خروج سفیانی؛

۲- کشته شدن سیّد حسنی؛

۳- اختلاف بنی عباس بر سر سلطنت دنیوی؛

۴- گرفتن خورشید در نیمه ماه مبارک رمضان؛

۵- گرفتن قرص ماه در آخر ماه مبارک بر خلاف عادت؛

۶- فرو رفتن زمین «بیداء» که سرزمینی است میان مکّه و مدینه؛

۷- فرو رفتن زمین یا جمعیّتی در مشرق؛

۸- فرو رفتن زمین یا جمعیّتی در مغرب؛

۹- توقف خورشید از اوّل ظهر تا وسط عصر؛

۱۰- طلوع خورشید از مغرب؛

۱۱- کشته شدن نفس زکیّه که سیّدی است هاشمی در پشت کوفه، یعنی: نجف، با هفتاد نفر از صلحاء؛

۱۲- بریدن سر مردی هاشمی یعنی سیّد در میان رکن و مقام؛

۱۳- خراب شدن دیوار مسجد کوفه؛

۱- ۱ . «زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی ۲۴ - ۲۵ به نقل از نورالانوار، نور هشتم.

۱۴- نمایان شدن پرچم های سیاه از طرف خراسان؛

۱۵- خروج یمانی، از طرف یمن؛

۱۶- ظهور مغربی، در مصر و حکومت بر شامات؛

۱۷- فرود آمدن ترکان در جزیره، که ظاهرا شرقی ها و غربی ها هستند، در جزیره العرب؛

۱۸- ورود رومیان در رمله؛

۱۹- طلوع ستاره درخشانی در مشرق که مانند ماه بدرخشد و سپس دو طرف آن خم گردد، به طوری که نزدیک باشد دو طرف آن به هم برسد. البته این ستاره غیر از ستاره دنباله داری است که در بعضی از روایات به قیام شخصی در آخرالزّمان پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد؛

۲۰- پیدا شدن سرخی شدیدی در آسمان که در اطرف آن پراکنده شود؛

۲۱- پیدایش آتشی در طول مشرق که تا سه روز یا هفت روز در هوا بماند؛

۲۲- عرب ها استقلال پیدا کنند و کشورگشایی نمایند و از زیر بار و نفوذ دیگران بیرون روند؛

۲۳- اهل مصر فرمانروای خود را بکشند؛

۲۴- پرچم های قیس و عرب به کشور مصر وارد شود؛

۲۵- شام خراب شود و سه پرچم مختلف در آنجا پدیدار گردد؛

۲۶- پرچم های (کِنده) در خراسان کوبیده شود؛

۲۷- سوارانی از طرف مغرب بیایند تا در کنار (حیره) حدود نجف، منزل گزینند و پرچم هایی سیاه از طرف مشرق به سوی آنها روی آورند؛

۲۸- شطّ فرات طغیان کند یا شکافته شود؛ به حدی که آب در کوچه های کوفه داخل شود؛

۲۹- دوازده نفر از نژاد ابوطالب خروج نمایند که هر کدام از آنها دعوی امامت نمایند؛

۳۰- شصت نفر دروغگو ظاهر شوند که همگی به دروغ ادّعای پیغمبری کنند؛

۳۱- مرد بزرگ و با شخصیّتی از پیروان بنی عباس را میان (جلولا) و (خانقین) بسوزانند؛

۳۲- پلی در بغداد در کنار محلّه (کرخ) ساخته شود؛

۳۳- باد سیاهی در اوّل روز در بغداد بلند شود، و زلزله ای در آنجا روی دهد؛ به حدی که بسیاری از شهر فرو رفته و خراب گردد؛

۳۴- ترسی عمومی و مرگی سریع و همگانی همه اهل عراق و مردم بغداد را فرا گیرد که قرار و آرام، یا راه فرار نداشته باشند؛

۳۵- نقصانی در مال و جان و محصول مردم پیدا شود؛

۳۶- ملخی در فصل خود، و ملخی بی موقع پیدا شود که زراعت و غلاّت را نابود کند، و مردم از آنچه که می کارند نفعی نبرند؛

۳۷- اختلاف و دودستگی در میان دو صنف «عجم» پیدا شود بطوری که خونریزی بسیاری در بین آنان پدیدار گردد؛

۳۸- بردگان در برابر اربابان خود سرکشی کنند و از زیر فرمان آنها بیرون روند و آقایان خود را به قتل رسانند؛

۳۹- گروهی از بدعت گزاران به شکل میمون و خوک، مسخ گردند؛

۴۰- بندگان بر شهرهای اربابان خود غلبه پیدا کنند؛

۴۱- ندایی از آسمان بلند شود که همه مردم روی زمین هر کس به زبان خود آن را بشنوند؛

۴۲- صورت و سینه ای در چشمه خورشید (در روایت دیگری صورت و کف دستی در برابر خورشید) ظاهر شود؛

۴۳- مردگانی زنده شوند واز قبرها بیرون بیایند و به دنیا باز گردند. و با یکدیگر آشنا شوند و از یکدیگر دید و بازدید نمایند؛

۴۴- این جریانات که البته در تحقّق وقوع آنها ترتیب شرط نیست، با بیست و چهار باران پی درپی پایان پذیرد که زمین با آن باران ها زنده گردد، و برکاتش آشکار شود. پس از آن هرگونه آفت و بیماری از شیعیان حضرت مهدی علیه السلام و معتقدین به حق دور گردد. آنگاه بدانند که آن جناب در مکه ظهور نموده و برای یاری آن حضرت بدان سو رهسپار شوند. چنانکه اخبار در این زمینه روایت شده است...(۱)

انتظار و وظیفه منتظران

انتظار به معنی چشم به راه کسی بودن است. اینکه انسان تأمّل کند به امید پیشامد کردن امر خاص، در اصطلاح ما و فرهنگ مسلمانان به ویژه شیعیان چشم به راه امام زمان علیه السلام بودن است، یعنی ما به واسطه تعلیمات عالیه دینی و اسلامی منتظر دولت حق هستیم که به دست مبارک حضرت صاحب الامر والزمان صلوات اللّه علیه و روحی له الفداء تشکیل می شود. در روایات بسیاری علاوه بر آیاتی که مفسّران عظیم الشأن نیز پیرامون آن آیات بحث های مفصّل تفسیری ارائه نموده اند، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمّه معصومین علیهم السلام وارد شده است که انتظار امام زمان از اصول اساسی دینداری است و برای منتظران پاداش بسیاری نیز بیان فرموده اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «افضل اعمال امّتی انتظار الفرج(۲)». امام

۱- ۱ . «زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) ص ۳۲ به نقل از ارشاد مفید ص ۳۵۶ - ۳۵۸ چاپ بیروت.

۲- ۲ . «کمال الدین و تمام النعمه» ۶۴۴، حدیث ۳.

باقر علیه السلام می فرماید: از نشانه های دین مورد قبول خدای متعال انتظار قائم ما (آل محمّد علیهم السلام) می باشد. (۱) مسأله انتظار مسأله ای است مهم و چون همه آموزه های دینی مورد تفاسیر گوناگونی نیز قرار گرفته است کما اینکه درباره مسائلی چون توکل، عبادت، زهد، قناعت و دیگر واژه های دینی و قرآنی تفسیرهای مختلفی رسیده است که بعضی از تفاسیر نه تنها موجب پویایی و تحرک و قرب به خدای متعال نیست، بلکه موجب عقب گرد، توسری خوردن و حتی موجب وهن مذهب و دین است. متأسّفانه به علل گوناگون که ما در صدد بیان آن علل نیستیم، مسأله انتظار نیز با تفسیرهای منفی روبه رو شده است.

انتظار مثبت و عاشورایی

اشاره

آنان که در مکتب قرآن و عترت و علمای ربانی آموزش دیده اند می گویند انتظار باید به همراه انجام اعمال و اوامر خواسته شده از طرف خدای متعال باشد. منتظر واقعی کسی است که به وظایف شرعی و دینی توجه دارد و فضایل اخلاقی را فراموش نمی کند. انتظار با نگرش مثبت یعنی اینکه احکام اسلامی و دینی تعطیل بردار نیست و منتظر در هر زمانی آمادگی درک محضر بقیه اللّه الاعظم را دارد که او اقامه کننده حق در سرتاسر عالم هست. البته تعجّب از کسانی است که می گویند احکام الهی باید در دوره انتظار مورد بی مهری قرار بگیرد و اگر دامن کسی هم به گناه آلوده شد او به نزدیک شدن فرج کمک کرده است! حال آنکه جای سؤال بسیار هست اگر کسی گناهی را مرتکب شد و با این گناه حدی بر او لازم شد، آیا اولین کسی که به اجرای امر خدا مبادرت می کند پیامبر و ائمّه

ص: ۵۲

۱- ۱ . (می توانید روایت های مربوط به انتظار را در «بحارالانوار» ج۵۲ ص ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۱ و... ملاحظه فرمائید)

هدی علیهم السـلام نیسـتند؟ آیا امام زمان علیه السلام راضی می شود العیاذ باللّه به اینکه حدود الاهی اجرا نگردد؟ به هر حال بزرگان و علما در زمینه وظایف مردم در عصـر غیبت کتابهائی را نوشـته انـد و بیان داشـته انـد که از وظایف اولیه منتظران این است که با فراگیری معارف اسـلامی در به کار بستن آنها نیز همّت گمارند. در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید: «من دین الائمّه الورع والعفّه والصلاح... وانتظار الفرج بالصبر(۱)» انتظار فرج در کنار آموزه هایی چون ورع، عفّت و پاک دامنی و صلاح و خیر اندیشی آمده است.

یـا در روایتی امـام صادق علیه السـلام منزلت منتظر امام زمان علیه السـلام را چنین بیان می فرماینـد: کسـی که منتظر امام زمان علیه السـلام است ماننـد شخصـی است که شمشـیر کشـیده است و در رکـاب پیـامبر اکرم در میـدان جنگ جنگیـده است و از شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دفاع کرده است.

این فضـیلت ها برای کدام منتظر هست؟ منتظری که العیاذ باللّه به تعطیل احکام اسـلامی راضـی است کسی که به فساد و رواج آن معتقد است؟ ــ اعاذنا اللّه، من شرور انفسنا ــ خدا ما را از شر وسوسه شیاطین حفظ نماید.

از روایت شـریف فوق و دهها چون این روایت اسـتفاده می شود که منتظران در دوره غیبت به مسـئولیتهای مهمی که به عهـده ایشان است عمل می کنند که به منزله شـخص مدافع پیامبر قلمداد می شوند. والّا شخصـی که به احکام دین خود عمل نکند و دیگران را نیز امر به معروف ننماید و بلکه راضـی به فساد و ترویج بی بند و باری باشد چه سـنخیّتی با حافظان جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دارد؟ که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با آن عظمت و شخصیت مروج احکام دین و اسلام است.

۱- ۱ . «میزان الحکمه، ج۱ ص۱۸۲.

برای تـذکر و تـوجّه همه منتظران بخشـی از اهم تکـالیف دوره غیبت را ذکر می نمـائیم. بـا ذکر این نکته که هیـچ گروهی در انجام این مسئولیتها مستثنی نیستند.

۱ _ کسب معرفت وشناخت

اولین وظیفه بندگان خدای متعال در دوره غیبت کسب معرفت و شـناخت نسبت به حضـرت مهدی است و کسی را که خدای متعال اطاعتش را واجب نموده است و او را واسـطه بین بندگان و خودش قرار داده است صـفاتش و خصوصیّاتش باید شناخته شود. در روایات وارد شده است که اگر کسـی امام خودش را بشناسد (در مقام امامت او معرفت پیدا کند) چون کسی خواهد بود که در خیمه امام منتظر باشد. باید توجّه داشت که شخصـیّت امام علیه السـلام میزان می باشد. اگر انسان به ایشان شـناخت پیدا کند باعث می شود از شـبهه ها و گمراهی ها نجات یابد. مهمتر از همه شـناختها، شـناخت ویژگیها و صـفات برجسـته امام علیـه السـلام و امـامت او هسـت. علاـوه بر شـناخت نـام و نسب و آبـاء و اجـداد او، و از امتیـازات ویژه امـام علیه السـلام علم، عصـمت، ورع، شـجاعت، ایثار، و دهها چون این صـفات می باشـد. در روایت آمـده است که کمترین درجه شـناخت امام این است که او را همتـای پیغمـبر صـلی الله علیه و آله وسـلم بـدانیم به جز در درجه نبوّت، و بـدانیم که امـام وارث پیغمـبر است و اطاعت امام اطاعت خداوند و اطاعت رسولخدا صلی الله علیه و آله وسلم است.

مرحوم شیخ کلینی به سند خود از ابوبصیر نقل کرده که امام باقر علیه السلام به من فرمود:

«هل عرفت امامک؟ قال قلت: ای واللّه قبل ان اخرج من الکوفه. فقال حسـبک اذا؛(۱) آیا امامت را شناخته ای؟» عرض نمودم: «آری به

ص: ۵۴

۱- ۱ . «اصول کافی» ج ۱، ۱۸۵، ح ۱۲.

خدا سوگند قبل از آنکه از کوفه خارج شوم.» فرمود: «بس است تو را در این هنگام.»

۲ _ رعایت ادب نسبت به یاد و نام امام زمان علیه السلام

یکی از جلوه های ادب اسلامی و الاهی این است که انسان یاد نکند امام زمان علیه السلام را مگر با القاب شریف و مبارکش، مانند حجت، صاحب الزمان، بقیه اللّه الاعظم، مهدی....

البتّه لازم به ذکر است در بحث نام مبارک امام زمان علیه السلام بین علمای بزرگوار شیعه کثر اللّه امثالهم اختلاف وجود دارد. عده ای تصریح به نام شریف حضرت را، جایز شمرده اند جز در حال تقیّه. مانند مرحوم شیخ حر عاملی صاحب وسائل الشیعه(۱). در مورد نام بردن اسم شریف حضرت بیش از صد روایت وجود دارد که به چهار دسته قابل تقسیم است.

۱- روایاتی که به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی از ذکر نام حضرت نهی کرده است؛(۲)

۲- روایاتی که از ذکر نام شریفش تا زمان ظهور نهی نموده؛(۳)

۳- روایاتی که علت نهی از نام حضرتش را خوف و تقیه دانسته؛(۴)

۴- احادیثی که در آنها به اسم شریف حضرت از سوی امام یا راوی حدیث تصریح شده است.(۵)

از بعض بزرگان چون شیخ مفید رحمه الله و مرحوم طبرسی قدس سره منع از تصریح

۱- ۱ . «وسائل» ج ۱۱، کتاب الجهاد والامر بالمعروف ص۴۸۷ باب ۳۳ ذیل حدیث ۷ و۸.

۲- ۲ . «اصول کافی» ج ۱، ۳۳۲.

۳- ۳ . «کمال الدین و تمام النعمه» ج ۲، ۲۱۴.

۴- ۴ . «بحارالانوار»، ج ۵۱، ۳۱.

۵- ۵ . «همان»، ۵۰.

به نام مبارک حضرت تا زمان ظهور نقل شده است.(۱) به هر حال برای اینکه هم جانب احتیاط را رعایت کرده باشیم و هم ادب را رعایت کنیم بجاست که حضرت را با القاب شریفش یاد نماییم که سیره مستمره علمای بزرگوار می باشد و از احترام و تعظیم نیز برخوردار می باشد.

۳ _ محبّت به حضرت به طور ویژه

ذکر نعمتهای خدا باعث محبّت و دوستی نسبت به پروردگار عالم می شود، و واسطه این همه نعمت الهی بر بندگان وجود مقدّس حجت حق و امام زمان علیه السلام می باشد. باید توجّه داشت که این همه برکت و احسان از سوی خدا امروز به واسطه حضرت حجت علیه السلام است. پس عقل حکم می کند به محبّت ویژه نسبت به حضرت.

دیگر اینکه در نقل های بسیار وارد شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمّه هدی علیهم السلام نسبت به دوست داشتن امام زمان علیه السلام دستور داده اند. از جمله در روایتی آمده است که پیامبر اکرم فرمود: در شب معراج خدای متعال به من فرمود: «ای محمّد صلی الله علیه و آله وسلم او را (امام زمان علیه السلام) را دوست بدار که من او را و دوست دارنده او را دوست دارم».

علاوه بر آنچه گذشت نکته ای که باید به آن توجّه عمیق داشت اینکه به دست مبارک حضرت و در دولت حقّه ایشان دین به طور کامل غالب خواهد شد و حضرت زحمات طاقت فرسایی را متحمّل خواهند شد برای غالب شدن دین خدا و پیروزی حق بر باطل. این همه می طلبد که نسبت به حضرت محبّت و عشق ویژه بورزیم. همه می دانیم عشق و محبّت به ائمّه هدی علیهم السلام به ویژه به امام زمان علیه السلام به طور خاص محبّت و دوست داشتن خدای متعال می باشد.

۱- ۱ . علاقه مندان بحث مبسوط به کتب مربوطه از جمله «مکیال المکارم» ج۲ از ص ۱۷۲ _ ۱۹۹ مراجعه فرمائید.

۴ _ محبوب نمودن حضرت در میان توده های مردم

انسان بایـد بـا زبـان دین که همـان زبان محبت و مهربانی است، زیبایی های سیره و روش عملی، کلام و زنـدگی ائمّه علیهم السـلام را بدون کم و کاست برای توده های مردم نقل نماید و محبّت مردم را نسبت به ائمّه هدی بویژه امام زمان علیه السلام بیشتر کند.

۵ _ انتظار دولت حق و فرج آل محمّد علیهم السلام

در قرآن کریم خدای متعال می فرماید: «پس انتظار بکشید که من با شما منتظرانم(۱).»

در روایات بسیاری برای منتظران اجر و مقام والا ذکر نموده اند از جمله در دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام به منتظران درود فرستاده است. در روایتی امام صادق علیه السـلام می فرمایـد: «منتظری که در حال انتظار بمیرد مانند کسـی است که در خیمه قـائم علیه السـلام بوده باشـد.» یا فرمودنـد: «خوشا به حال شـیعیان قائم ما؛ کسانی که منتظر او در عصـر غیبت او هسـتند.(۲) از مجموع روایات این باب به دست می آید که انتظار دولت حق بدین معناست که انسان باید مشتاق باشد تا در رکاب حضرت، او را یاری نمایـد و به آنچه خواست خـدا و امام زمان علیه السـلام هست گردن نهـد، نه اینکه بخواهـد به خواسـتهای دورنی و پست خود برسد. انتظار دولت حق با تمام انتظارها متفاوت است؛ چون منتَظَر در این انتظار، مولایمان امام زمان علیه السلام می باشد که او حجت حق و واسطه فیض و هدایت کننده جامعه است. بی تردید این انتظار از شدیدترین، حساس ترین و مهمترین انتظارهـاست که فقـط مخلصـان به آن نائـل می شونـد و بـدون پرهیزکـاری و عمل به دسـتورهای دینی امکان پـذیرنیست. در روایات بسیاری که به بعض از آنها

۱- ۱ . انعام، ۷۱.

۲- ۲ . «کمال الدین و تمام النعمه»، ۳۵۷، حدیث ۵۴.

نیز اشاره شد انتظار فرج را عبادت می داند.(۱) بدین لحاظ بسیاری از علمای بزرگوار ما بحث از قصد قربت و یا عدم قصد قربت در انتظار را مطرح کرده اند. چون قصد ما اختصار است، به همین مقدار بسنده می کنیم.

آری در هر صبح و شام باید انتظار فرج را کشید و برای یاری دولت حق آماده بود. این آمادگی باید دائمی و مستمر باشد. شاید یکی از حکمتهای مخفی بودن ظهور همین باشد که مؤمنان در تمام اوقات در حال آماده باش به سر ببرند وآمادگی خود را در حد عالی حفظ نمایند.

۶ _ اظهار علاقه و اشتیاق به دیدار حضرت

یکی از نشانه های دوستی و محبّت نسبت به دیگران اظهار علاقه برای دیدار با ایشان است. امام زمان که محبوب همه اولیاء و انبیاء علیهم السلام می باشد و در مواقع مختلفی نیز اظهار علاقه برای دیدن حضرت از سوی ایشان صورت گرفته است. امیر المؤمنین علیه السلام طبق حدیثی که نقل آن گذشت پس از وصف حضرت ولی عصر علیه السلام اظهار علاقه و اشتیاق به دیدار حضرت می کند. دوستداران امام مهدی علیه السلام و منتظران با اعمال و رفتار خود باید نسبت به دیدار با حضرت اظهار اشتیاق نمایند.

۷ _ ذکر فضائل و مناقب آن جناب

ذکر فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام مصداق بارز یاد خدای متعال می باشد. این وظیفه همه مؤمنان و منتظران است که در مجالس و محافل درباره فضیلت پیامبر و آل پیامبر علیهم السلام به صحبت بنشینند. ذکر فضائل اهلبیت علیهم السلام و مکارم اخلاق ایشان در جامعه در حقیقت تعظیم شعائر الهی و امر به معروف است.

۱- ۱ . «بحارالانوار» ج ۵۲، ۱۲۲ و ۱۲۵.

۸ _ غمگین از فراق

در روایات بسیاری آمده است که نشانه فرد شیعه، اندوهگین بودن او در غم و اندوه امامان علیهم السلام می باشد. تردیدی نیست که غیبت حضرت و آنچه از غم ها و غصه ها بر آن حضرت و بر شیعیان وارد می گردد، از مهمترین عوامل حزن ائمّه هدی علیهم السلام می باشد. و در روایات بسیاری داشتن حالت اندوه و غم در فراق حضرت بسیار مورد تأکید واقع شده است.

۹ و ۱۰ _ سرودن و خواندن اشعار در فضائل

در روایت آمده است: «هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید خداوند برای او خانه ای در بهشت خواهد ساخت.»(۱)

روایات دیگری نیز ثوابهای عظیمی با تفاوت برای شاعران و مدیحه سرایان برشمرده شده است و این تفاوت ثواب نیز شاید گویای تفاوت درجه معرفت و یا اثرگذاری اشعار و سروده ها باشد مقام شعرایی چون کمیت اسدی، سید حمیری، دعبل خزاعی به خاطر همان معرفت و شناخت صحیح ایشان از مقام ائمّه علیهم السلام و نشر و ترویج فضائل ایشان به واسطه هنر ناب اسلامی است.

۱۱ _ قیام هنگام شنیدن «قائم» و ادای احترام

حاجی نوری صاحب «نجم الثاقب» آورده است

در حدیثی آمده است در مجلسی که امام صادق علیه السلام حضور داشتند از امام زمان علیه السلام یاد شد. امام صادق علیه السلام به احترام اسم آن حضرت به پا ایستاد.(۲)

این شیوه سیره مستمرّه میان مسلمانان می باشد و علمای بزرگوار

۱- ۱ . «وسائل الشیعه»، ج ۱۰، ص۴۶۷».

۲- ۲ . «نجم الثاقب» ۴۴۴ ونک «منتخب الاثر» ۵۰۵.

شیعه نیز در کتب مربوطه نه تنها این کار را مستحب شمرده اند بلکه بعضی از بزرگان گفته اند در صورتی که در مجلسی نام حضرت برده شود و عدّه ای بایستند و بعض اهل مجلس برنخیزند بدون عذر و این توهین و هتک محسوب شود این کار حرام خواهد بود.

۱۲ _ اشک شوق در فراق امام زمان علیه السلام

فضیلت این گریه این است که گریه کننده برای سختیهای وارده بر حضرت می گرید. دلش در فراق یوسف فاطمه در جوشش و اشکش جاری است. می بیند سالیانی است از غیبت می گذرد و عدّه ای درباره حضرت سخنهای ناروایی چون: مرده، کشته شده، هلاک گردیده بر زبان جاری می نمایند و شیعه و مؤمن که علم و آگاهی دارد و نسبت به مقام امامت معرفت پیدا کرده است پس از دیدن این مناظر و شنیدن سخنان ناروا اشک فراق از چشمش جاری می گردد.

دل ز شوق دیدنت سوزد چو عود از فراقت دیده بارد همچو رود

غرقه در سیلاب اشک و دل کباب کس غریق شعله ور کی دیده بود

آتش عشق تو چون در سر فتاد تاب از دل خواب از چشمم ربود

۱۳ _ درخواست شناخت امام زمان علیه السلام از خدا

شناخت انوار مقدّسه وجود ائمّه هدی علیهم السلام بدون عنایت و هدایت الهی مسیر نیست. خدای متعال باید در دل انسان این هدایت را قرار بدهد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «حکمتی که خدای متعال به بندگان عنایت می کند همان طاعت خداوند و معرفت امام علیه السلام است.(۱)»

در روایات بسیاری آمده است که از واجب ترین امور بعد از شناخت خدا و رسول خدا شناختن امام زمان و ولی امر است. تا جایی که در

۱- ۱ . «اصول کافی» ج۱، ص۱۸۵ باب معرفت امام، حدیث ۱۱.

حدیث آمده است نشناختن امام علیه السلام یعنی ماندن در گرداب جاهلیت و جهل، چون جاهلیت قبل از اسلام.

بایـد توجّه داشت که معرفت و شـناخت، سـاخته پروردگـار متعـال است. او نیز برای این معرفت اسـباب و عللی را مقرر فرموده است، از جمله این اسـباب دقت در سـیره ائمّه هـدی و معجزات ایشـان، و بررسـی اخلاـق و کلمـات ایشـان است، لکن بـا همه زحمات و بررسـی های صورت گرفته باید توفیق شـناخت دقیق از خدای متعال در خواست گردد و خداوند نیز مژده و بشارت یاری و هدایت را به کسانی داده است که: «وَالَّذِینَ جاهَ_دُوا فِ_ینا لَنَهْدِیَ_نَّهُمْ سُبُلَنا»(۱).

دعایی را مرحوم کلینی و شـیخ طوسـی و صاحب غیبت نعمانی نقل نموده اند از زراره که از امام صادق علیه السلام نقل نموده است حضـرت فرمود: برای آن جوان (امام زمان علیه السـلام) پیش از قیامش، غیبتی خواهـد بود... . ای زراره اگر آن زمان را درک کردی این دعـا را بخوان: «اللهمّ عرّفنی نفسک فانّک ان لم تعرّفنی نفسک لم اعرف نبیّک، اللهمّ عرّفنی رسولک فانّک ان لم تعرّفنی رسولـک لم اعرف حجّتک، اللهمّ عرّفنی حجّتک فانّک ان لم تعرّفنی حجّتک ضـللت عن دینی(۲) بار خدایا، تو مرا به حق خودت عـارف قرار بـده، که اگر خودت را به من نشـناسانی و من تو را نشـناسم پیغمـبرت را نخواهم شـناخت، بـار خـدایا تـو رسـولت را به من بشـناسان که اگر رسـول خـود را به من نشـناسانی حجّتت را نخـواهم شـناخت، پروردگـارا حجّت خـودت را بـه من بشـناسان که اگر حجّتت را به من نشـناسانی از دین خـود گمراه خـواهم شـد. «بحث دعـا در زمـان غیبت در کتابهای مختلفی چون مصباح کفعمی، جمال الاسبوع، اقبال الاعمال، مصباح المتهجد و... مفاتیح الجنان آمده

۱- ۱ . عنکبوت، ۶۹.

۲- ۲ . «کمال و تمام النعمه» ج ۲، مترجم / ۲۸۷.

است علاقه مندان مراجعه فرمایند.

۱۴ _ شناخت علامتهای ظهور حضرت

از جمله وظایف مؤمنان و منتظران، شناخت علائم ظهور حضرت می باشد. ناگفته نماند که علائم ظهور به انواع مختلف تقسیم شـده است از جمله حتمیه و غیر حتمیه، قریبه و بعیـده. شـناخت علائـم بـدین خاطر است که مردم پس از آشـکار شـدن علائم حتمیه و وعده داده شده روی به سوی آن حضرت خواهند آورد.

این علائم از سوی ائمّه طاهرین علیهم السلام عنوان گردیده است. اگر مؤمنان علائم را از طریق عترت بشناسند دیگر دنبال رو عدّه ای مدّعی علم و آگاهی نخواهند رفت.

به دو روایت ذیل توجّه کنید.

۱ _ از محمّد بن الصامت نقل است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم:

«آیـا علامتی پیش از این امر (ظهور) نیست؟» فرمود «چرا،» عرض کردم: «آن چیست؟» فرمود: «به هلاکت رسیدن عبّاسـی، و خروج سفیانی، و کشـته شدن نفس زکیّه، و فرو رفتگی در بیداءِ،(۱) و صدایی از آسـمان.» گفتم: «فدایت شوم، می ترسم که این امر طول بکشد.» فرمود: نه البتّه آن به سان دانه های منظّم تسبیح پی در پی خواهد شد».(۲)

۲ _ حمران بن اعین از حضـرت امام محمّد باقر علیه السلام نقل می کند در تفسیر آیه شریفه: «فقضی أجَلًا واجلٌ مسمّی عنده؛ پس اجلی قرار داده و اجل معیّنی نزد او ثبت است.»

فرمود: «البتّه دو اجل هست: یک اجل حتمی و اجل دیگر موقوف.»

۱- ۱ . منطقه ای بین مکّه و مدینه.

۲- ۲ . «غیبت نعمانی»، علامات ظهور ص۱۳۹).

پس حمران عرضه داشت: «حتمی چیست؟» فرمود: «آن است که خداونـد مشـیّتش به آن تعلّق گرفته باشد.» حمران گفت: «من امیـدوارم اجـل سـفیانی از گونه موقوف باشـد.» حضـرت ابوجعفر امام باقر علیه السـلام فرمود: «نه به خـدا سوگنـد آن از گونه حتمی است»(۱).

۱۵ _ تسلیم بودن و تعیین وقت ننمودن برای ظهور

در روایات بسیاری وارد شـده است که شـما تسـلیم امر خدا باشـید و عجله ننمائید که در صورت عجله هلاک می گردید. در احادیث بسیاری وارد شده است که این امر (یعنی غیبت حضرت) دارای نهایت و پایانی است که باید به آن برسد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که فرمود: «محاضـیر هلاک شدند.» راوی گوید: پرسیدم: «محاضیر چیست؟» فرمود: «شتابزدگان.» پس فرمود: «نزدیک شمارندگان نجات یافتند، و قلعه بر روی پایه های محکم خود ثابت ماند.»(۲)

از علـل مـذموم بـودن عجله به خـاطر این است که عجله کننـدگان ممکن است صـبر و تحمّـل از کـف بدهنـد و از شـخص یا اشـخاص گمراه پیروی نماینـد که ادعـای امامت می نماینـد. یا اینکه این عجله باعث می شود که از وقوع این امر عظیم (ظهور حضـرت) مـأیوس شونـد و این یأس یعنی تکـذیب همه ائمّه هـدی و پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم . شـخص عجول و شتـابزده ممکن است بر اثر شـک و تردیـد خود، دیگران را نیز به شک وا دارد و یا از بعض اعمال و تکالیف عصـر غیبت شانه خالی نماید مانند ترک دعا برای تعجیل فرج حضرت و یا ترک صدقه برای سلامتی آن وجود نازنین

---

۱ - ۱ . «همـان»، سـفیانی من المحتـوم، ص۱۶۱). دربـاره سـفیانی علاـوه بر کتب مفصـله چـون مهـدی موعود ترجمه جلـد ۱۳ «بحارالانوار» چاپ قدیم و ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳ از چاپ جدید به کاوش و تحقیق قابل تقدیر «سـفیانی از ظهور تا افول» نصرت اللّه آیتی مراجعه فرمائید.

۲- ۲ . «همان»، باب ما اُمِرَ به الشیعه، ص ۱۹۹.

واعمال مهم دیگر.

۱۶ _ صدقه به نیابت از حضرت

در دستورهای دین مبین اسلام آمده است که مؤمنین به نیابت از یکدیگر اعمال نیک انجام دهند چون نماز خواندن، زیارت نمودن و یا صدقه دادن و این نشانه محبّت و علاقه نسبت به دیگران می باشد. امام زمان علیه السلام که رهبر مؤمنین می باشد و دارای شأن و مقام امامت امّت و حجت الاهی است اگر عملی به نیابت از ایشان صورت گیرد، دارای ارزش والاتری است.

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است که حضرت در جواب شخصی که سؤال نمود «آیا حج به جای آورم و نماز بگزارم و از سوی زندگانی و مردگانی از خویشان و دوستانم صدقه بدهم؟ فرمود: «بله، از سوی او صدقه بده، و نماز بگزار و به سبب صله و پیوندت نسبت به او پاداش دیگری برایت خواهد بود(۱).»

هر چند انسان معمولاً کارهای نیک را از طرف بستگان و اشخاصی که ارتباط و خویشی دارد انجام می دهد، ولی کما اینکه در این روایت آمده است سؤال از انجام اعمال به نیابت از زندگان و مردگان خویشان و دوستان از مؤمنین می باشد. امام علیه السلام هم در جواب سائل را تشویق و ترغیب به این کار نموده اند.

نکته درخور توجّه اینکه هیچ ارتباطی مستحکمتر از ارتباط بین امام و مؤمنین وجود ندارد که امام علیه السلام مجرای فیض الاهی است و واسطه بین زمین و آسمان «این السبب المتّصل بین الارض والسماء»(۲) از اعمال دیگری که توصیه شده است صدقه دادن به قصد سلامتی امام زمان علیه السلام

۱- ۱ . «وسائل الشیعه»، ج۵، ص۳۶۷، حدیث ۶).

۲- ۲ . «مفاتیح الجنان» دعای ندبه.

می باشد. چه مسافری عزیزتر و گرامی تر از حضرت ولی عصر علیه السلام که پیامبر اکرم فرمود: «هیچ بنده ای ایمان نیاورد تا اینکه من نزد او از خودش محبوبتر باشم و خاندانم از خاندان خودش نزد او محبوبتر باشند، و عترت من نزد او از عترت خودش محبوبتر باشند و ذات من از ذات خودش نزد او محبوبتر باشد.(۱)

علاوه بر صدقه دادن انجام حج، زیارت اماکن مقدّسه و مشاهد مشرّفه توسّط خود اشخاص یا گرفتن نایب برای انجام اعمال ذکر شده به نیابت از حضرت نیز از کارهای توصیه شده و مستحب در عصر غیبت است باید توجّه داشت هر عملی را که ما به نیابت از حضرت ولی عصر علیه السلام و خاندان بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم انجام دهیم علاوه بر اینکه نشانه مودّت و دوستی نسبت به این خاندان است بزرگترین فایده آن که رحمت و برکات آسمانی است شامل حال خود ما خواهد شد؛ زیرا اخلاق این بزرگواران «عادتکم الاحسان وسجیّتکم الکرم»(۲) است، و اینان مفسّران و عاملان به دستور خدا و قرآن می باشند و ایشان مظهر لطف الاهی و اخلاق و رحمت رحمانی اند که قرآن می فرماید: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها»(۳) اگر انسان یک قدم بسوی خدا بردارد توفیق ده قدم دیگر به او داده می شود. لذا صدقه دادن در حد یکصد ریال مثلاً برای سلامتی امام زمان علیه السلام برابر هزار ریال برکت و توجّه از سوی حضرت را در پی دارد. چه سعادتی که انسان توفیق این اعمال را پیدا نماید اللهمّ ارزقنا توفیق الطاعه.

۱۷ _ سعی در خدمت نمودن به حضرت و یاری آن جناب

۱- ۱ . «مجالس صدوق»، ص۲۰۱.

۲- ۲ . «مفاتیح الجنان» زیارت جامعه کبیره.

۳- ۳ . انعام/ ۱۶۰.

ائمّه هـدی علیهم السـلام دارای جایگاه ویژه و برجسـته ای می باشـند و در میان ائمّه، امام زمان علیه السـلام حتّی درنظر ایشان دارای خصوصیّات ممتازی می باشد؛ تا جایی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: و اگر دوران او را دریابم تمامِ مدّت زندگانی ام او را خدمت خواهم کرد.

سخن فوق را نباید ساده و سـهل گرفت. سخنی است بزرگ از امام صادق علیه السلام و این نهایت احترام و تعظیم است نسبت به وجود شـریف حضـرت ولی عصر علیه السلام . امام صادق علیه السلام که در مدّت عمر خویش بندگی خدا و ترویج و نشر معـارف الاـهی کار مسـتمرّش بوده است، چنین سـخنی را می فرمایـد. باری خانـدانی که فرشـتگان آسـمان مفتخر به دربانی و خادمی ایشان هسـتند بایـد دارای این مقام و عظمت باشـند و در این صورت که مفتخر به خدمت ایشان باشـیم فرشـته خو شده ایم.

قرآن کریم از قول حضـرت عیسـی علیه السـلام نقـل می کنـد که فرمود: «من انصـاری الی اللّه قـال الحواریّون نحن انصار اللّه» یـاری اولیای خـدا و انبیای عظام یاری خـدای متعال و دین خـداست. باز در قرآن کریم می فرمایـد «ان تنصـروا اللّه ینصـرکم» وتوجّه داریم که خدای متعال آن ذات مقدّس و قادر متعال به یاری ما بندگان نیازی ندارد و این ما هم هستیم که اگر یک آن و لحظه عنایت او از ما برداشـته شود نیست و نابود می شویم. پس یاری خـدا یعنی یاری اولیای خـدا و یاری دین خدا و پیغمبر اکرم و ائمّه علیهم السلام .

نصـرت و یاری پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم و ائمّه هدی علیهم السلام یعنی اقدام کردن و عمل نمودن به دستورهای ایشـان و این در زمانهـای مختلف متفـاوت است. گاهی نظامی است، چون جهاد و مبارزه. گاهی دعا و صـدقه، گاهی تشـکیل مجلس و ذکر فضـیلت و مبارزه فرهنگی... همه باید عزم و تصمیم داشته باشیم که آن حضرت را در هر شرایطی یاری نمائیم و بدانیم قصد و

نیّت یاری حضرت بسیار مهم است. در روایت آمده است که «نیّه المؤمن خیرٌ من عمله».

در بیانی امام صادق علیه السـلام می فرماید: من خودم را از شهدای کربلا بیرون نمی دانم و ثوابم را کمتر از آنان نمی شمارم، زیرا که در نیّت من یاری (دین حق و کمک به امام حسین علیه السلام است...)(۱).

۱۸ _ تجدید بیعت هر روز و پس از هر فریضه و در هر جمعه

در خطبه غدیریه پیامبر اکرم حاضران و غایبان را به بیعت با ائمّه فراخوانده است، و مؤمنین باید این بیعت و عهد را با امام زمان در هر زمان تجدید نمایند. بیعت با نمایندگان حق یعنی بیعت با خدای متعال «إِنَّ الَّذِینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ اللّهَ» اصل بیعت لازم و واجب است و تجدید آن سـخت مورد تأکید. و در این باره روایات بسـیاری آمده است و برای اوقات مختلف ادعیه ای نیز صـادر گردیـده است که از جمله ادعیه مورد توجّه «دعای عهـد» است که از امام صادق علیه السـلام نقل شـده است و یک دوره درس معرفت و شناخت و درس امام شناسی است و دارای مضامینی پر معنا و باید گفت از مادر ادعیه به حساب می آید.

در منابع روایی آمده است که فرشـتگان هر جمعه در بیت المعمور اجتماع نموده و عهد ولایت امامان معصوم علیهم السـلام را تجدیـد می نماینـد. بـا عنایت به مطلب فوق و اینکه روز جمعه اختصاص بیشتری به حضـرت دارد شایسـته است در روز جمعه نسبت به امر بیعت با حضرت و تجدید آن اهتمام بیشتری شود.

۱۹ _ توجه به شیعیان و دوستان آن حضرت

۱- ۱ . «اصول کافی، کتاب الروضه» ج ۸؛ ۸۰ حدیث ۳۷.

از اعمال مستحب مورد تأکید در عصر غیبت امام زمان علیه السلام اختصاص دادن بخشی از اموال به حضرت هست و در روایات آمده است که: هیچ چیز نزد خداوند محبوبتر از اختصاص دادن دراهم به امام علیه السلام نیست و به درستی که خداوند درهم را برای او (پرداخت کننده) در بهشت همچون کوه اُحد قرار دهد.

این صله باید با این تفکّر باشد که امام علیه السلام نیازی به آنچه در دست مردم هست ندارد، بلکه مردم نیازمند این هستند که امام علیه السلام از ایشان (اموالشان) را بپذیرد برای پاک شدن خود مردم. در بعض منابع روایی آمده است که اگر نتوانستید نسبت به ما صله نمائید و اگر نتوانستید به زیارت ما نائل شوید، به دوستان ما (شیعیان صله نمائید و از دوستان صالح ما کسانی را زیارت کنید).(۱)

۲۰ _ فرستادن درود بر آن حضرت و هدیه نماز

درود فرستادن به پیامبر و آل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در آیات و روایات مورد تأکید و توجّه فراوان است. این مطلب در روایات آنچنان مورد توجّه قرار گرفته است که کمتر موضوعی را با این عنایت و حسّاسیّت می توان یافت. در این بین درود و سلام بر حضرت ولی عصر سلام اللّه علیه نیز در بسیاری از دعاهای وارده از ائمّه هدی علیهم السلام رسیده است. البتّه در کتب ادعیه صلوات بر ائمّه هدی علیهم السلام به طور خاص برای هر کدام جداگانه آمده است از جمله ادعیه ای که صلوات و درود بر حضرت ولی عصر علیه السلام را در بردارد دعایی است که مرحوم سیّد بن طاووس قدس سره در جمال الاسبوع، ص۴۹۳ نقل نموده است. دعا با این کلام شروع می شود. «اللهمّ صل علی ولیّک وابن اولیائک الّذین فرضت طاعتهم...».

ص: ۶۸

۱- ۱ . «کامل الزیارات»، ص۳۱۹، باب ۱۰۵.

در کتب مربوطه هم بخشی اختصاص دارد به موضوع هدیه نماز به ائمّه هدی علیهم السلام و در مدرک سابق نیز آمده است که مستحبّ است انسان نماز بخواند و هدیه نماید به حضرت ولی عصر علیه السلام با این بیان که روز جمعه آغاز نماید با هشت رکعت نماز و هدیه نمودن چهار رکعت به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و چهار رکعت به حضرت زهرا علیهاالسلام و روز شنبه تا آخر هفته (یعنی پنج شنبه) هر روزی را به یکی از ائمّه و جمعه را باز هشت رکعت نماز بخواهد و به نحوی که ذکر شد هدیه نماید به حضرت رسول اکرم و حضرت زهراء علیهاالسلام و باز شنبه را اختصاص دهد به ائمّه (حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام) و چهار رکعت نماز بخواند تا پنج شنبه که چهار رکعت نماز بخواند و هدیه نماید به حضرت ولی عصر سلام اللّه علیه و بین هر دو رکعت از این نمازها بخواند دعای (اللهم أنت السلام) را و به جای فلان بن فلان نام آن معصوم علیه السلام را که نماز به ایشان هدیه می شود آورده شود.

۲۱ _ دعوت مردم به حضرت

از وظایف مهم و همگانی امر به معروف و نهی از منکر است و دعوت به امام حق از عظیم ترین معروف ها به شمار می آید. در روایت آمده است که تمام نیکی ها و خوبی ها در امام حق جمع است کما اینکه تمام منکرات وبدی ها در امام باطل جمع است. همچنین آمده است: «و همانا عالمی که به مردم معارف دینشان را بیاموزد و آنان را به امامشان دعوت کند از هفتاد هزار عابد بهتر است».

این وظیفه مهم بیشتر از همه متوجّه علمای قوم می باشد که مردم را باید هدایت و دلالت کنند به خانه وحی و امامت. دفاع کنند از دین خدا. بهترین راه دعوت به حق نیز دعوت عملی است؛ طوری که مردم ببینند که چگونه نسبت به احکام خدا و حقوق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمّه هدی و

امام زمان علیه السلام توجّه و رعایت صورت می گیرد. هر چند دعوت با زبان و گفتار، تشکیل مجالس و محافل نیز در جای خود دارای تأثیر زیادی می باشد.

۲۲ _ خشوع دل و سفارش به صبر

یادآوری مقام و عظمت امامت و زحمات و تلاش حضرت و حقوق و مصائب آن بزرگوار در راه دین خدا باعث نرم شدن دل می شود. هر چند دوران غیبت حضرت طولانی شود در این زمان است که باید صبر نمود و دیگران را نیز به صبر کردن سفارش کرد. در این دوره، پر مخاطره غیبت کبری باید به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، ائمّه هدی و همه انبیای عظام تأسّی جست که چگونه در راه خدا با همه مصائب و مشکلات؛ صبر کردند. یعنی اگر دوران غیبت طولانی شد و سختیها و مشکلات به انسان روی آورد و از دشمنان آزار و جفا دید صبر نماید و مطمئن باشد که صبح صادق خواهد رسید. پس از این همه مصیبت و درد و رنج بالاخره ظفر و پیروزی که وعده خداوند است محقّق خواهد شد «إِنَّ اللّهَ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ».(۱)

۲۳ _ جبران کاستیها برای پیوستن به لشگر آن بزرگوار

هرکس می خواهد جزء یاران و یاوران حضرت محسوب شود باید بین خود و حضرت و یاران راستین آن بزرگوار سنخیّت ایجاد نماید. امام علیه السلام معلم، هادی و تربیت کننده ایشان هست و نمی شود کسی بدون گذر از این مراحل و تهذیب نفس بخواهد در اِعداد اصحاب حضرت و منتظران آن بزرگوار قرار بگیرد.

دامن های آلوده و دستان ناپاک در محضر ائمّه هدی جایگاهی ندارند.

۱- ۱ . ال عمران، ۹.

اگر کسی در زندگی دچار این نقایص شده است، باید توبه کند که «وجوده لطف و تصرّفه لطف آخر و غیبته منّا» باید توجّه داشت که از مهمترین اسباب غیبت حضرت معصیتهائی است که از ما صادر می شود. این موضوع بسیار برای آن بزرگوار نیز سخت و ناراحت کننده است که در توقیع شریف فرمود: «پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می دارد همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود»(۱) این جملات که از ناحیه مقدّسه به ما رسیده است، نهایت لطف و عنایت حضرت نسبت به شیعیان را می رساند که ایشان چه مقدار مراقب حال شیعیان هستند و از اعمالشان باخبر و به اعمال نیکشان خوشحال و با معاصی و نافرمانی شان ناراحت و غمگین می شوند. پس ای خواهر و برادر مسلمان و دوستدار اهل بیت! بیایید همه یک دل و یک صدا عرضه بداریم:

اِنْ غِبْتَ لِذَنْبِنا فَتُبْنا تُبْنا اَو خِفْتَ مِنْ العَدی فَما لِلأحْبابِ

(ای امام زمان) اگر به خاطر گناهان ما غیبت نموده ای ما توبه می کنیم و پشیمانیم؛ و اگر از دشمنان خدا و دین خدا (بر جان مبارکت) ترسناکی مگر ما دوستانت را چه شده است، ما جانمان را فدای تو می کنیم.

۲۴ _ یاد آن جناب و مقدّم داشتن خواسته آن بزرگوار

پیامبران خدا و ائمّه هدی میزانهای الاهی هستند برای سنجش اعمال پیروان. هر قدر خواسته های انسانها به خواسته پیامبران و هادیان امت نزدیک باشد به همان مقدار تقرّب ایشان به درگاه خداوند متعال بیشتر است؛ چون خواسته و فرمان ایشان از روی هوی و هوس نیست. آنان مجریان فرمان حقّند و از خود هیچ ندارند و نمی گویند. در حدیثی از

۱- ۱ . غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۶

امام صادق علیه السلام نقل شده است که در جواب شخصی که پرسید: ای آقای من چه بسیار از شما یاد سلمان فارسی را می شنوم، فرمود: «نگو سلمان فارسی، بلکه بگو سلمان محمّدی صلی الله علیه و آله وسلم . آیا نمی دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟ عرض کردم: «نه.» فرمود: برای سه صفت:

یکی، مقدّم داشتن خواسته امیرمؤمنان علیه السلام بر خواسته خودش؛

دوّم، دوست داشتن فقرا و برگزیدن آنها بر اهل ثروت و مکنت؛

سوم، دوست داشتن علم و علما، همانا سلمان بنده صالح، درستکار و مسلمان بود و از مشرکین نبود.(۱)

عمل به این حدیث شریف یعنی رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و مگر بشر جز سعادت و نیک بختی و آسایش و آرامش طالب چیز دیگری هست؟

۲۵ _ احترام به منسوبین و بزرگداشت اماکن متبرّکه

احترام به سادات علوی و یا اشخاصی که به نحوی با حضرت مرتبط هستند از جمله وظایف عصر غیبت است. تجلیل از فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام باعث خوشحالی حضرت خواهد بود. همچنین احترام به کسانی که در کسوت سربازی امام زمان درآمده اند. علمای ربانی و برادران ایمانی که سعی ایشان ترویج معارف دینی و معرّفی آن چهره درخشان آسمان امامت و ولایت هست. همچنین باید نسبت به اماکن مقدّسه که به قدوم آن حضرت زینت پیدا کرده اند احترام قائل شد مانند مسجد سهله، مسجد اعظم کوفه، سرداب مبارک، مسجد جمکران و...

این بزرگداشت و تعظیم شعائر الاهی هم به اعمال مختلف ممکن است صورت پذیرد، چون نماز و دعا و برقراری مجالس ذکر ایشان نظافت و زینت و پاک نگه داشتن این اماکن و جلوگیری از تخریب این

۱- ۱ . «بحارالانوار»، ج۲۲، ص۳۲۷، حدیث ۳۳.

مکانها.

۲۶ _ روی گردانی از تعیین کنندگان وقت ظهور

به خاطر امور مختلفی که بر ما پوشیده است زمان ظهور معین نشده است. این جزء اسرار است و ما مأموریم صبر پیشه نمائیم و در عین انجام اعمال مقرّره منتظر اذن پروردگار متعال باشیم. علم ساعت ظهور نزد پروردگار عالم است که فرمود «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السّاعَهِ أَيّانَ مُرْساها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبِّی».(۱)

در حدیثی آمده است که امام صادق علیه السلام به محمّد بن مسلم فرمود: «ای محمّد هر کس تعیین وقتی را از ما به تو خبر دهد بدون تردید او را تکذیب کن، زیرا که البتّه ما برای هیچ کس وقتی را تعیین نمی کنیم».(۲) همچنین در روایتی دیگر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: (همانا ما برای این امر (ظهور) وقتی تعیین نکنیم(۳).»

در احادیث فراوان وارد شده است که تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ می گویند و شما نیز ایشان را تکذیب نمائید و یا فرموده اند. ظهور و فرج به دست خدای عزّ وجل است و وقت گذاران دروغ می گویند.(۴)

۲۷ _ تکذیب مدّعیان نیابت خاصّه

در زمان غیبت کبری به عقیده ما شیعیان با رحلت نایب چهارم حضرت یعنی علی بن محمّد سمری رضی الله عنه نیابت خاصّه ختم گردید. همان گونه که در توقیع حضرت به نایب چهارم آمده است که «بعد از شش روز از دنیا خواهی رفت و غیبت کبری آغاز خواهد گردید و برای

۱- ۱ . نازعات، ۴۲.

۲- ۲ . «غیبت نعمانی»، ص۱۵۵.

۳- ۳ . «همان».

۴- ۴ . روایات این باب را در «غیبت شیخ طوسی» ملاحظه فرمائید.

خودت جانشین تعیین مکن.»

در زمان غیبت کبری این علمای ربّانی هستند که ملجأ و مرجع مردم و شیعیان هستند و این نیابت عامّه هست، و اگر کسی در این زمان ادّعای نیابت خاصّه نماید مردود است.

از مجموع روایات این باب بر می آید که در زمان غیبت کبری اگر کسی ادعای بابیّت و نیابت خاصّه نماید باید تکذیب شود و هرگز مورد پیروی قرار نگیرد. با انبوه روایات وارده و توقیعات صادره درباره وظیفه مردم در زمان غیبت کبری و اینکه نیابت خاصّه پایان یافته است رسوایی مدّعیان بابیّت و قطبیت مشخص می شود. اگر کسی مقداری در این روایات و بیانات صادره تأمّل نماید هرگز فریفته این سوداگران دورانهای مختلف نخواهد شد و هرگز خود را اسیر خواسته های پست یک عدّه انسان پر ادّعا و بدون علم و فضل نخواهد کرد.

۲۸ _ درخواست دیدار در سلامت دین

در ادعیه مربوط به وجود نازنین حضرت ولی عصر علیه السلام وارد شده است که: «خدایا آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به ما بنمایان و ما را به زیارت او نائل کن...»(۱)

در بعضی موارد آمده است که: «خدایا در حالی ولیّ امرت را به من بنمایان که فرمانش نافذ باشد (من نیز به دستور او گردن بنهم). جمله اوّل بخشی از دعای شریف عهد می باشد که امام صادق علیه السلام فرموده اند و این نشانگر این است که ظهور امام زمان علیه السلام یکی از آرزوهای ائمّه هدی بوده است. این نشانه انتظار وشدّت اشتیاق ایشان به حضرت می باشد. دیگر اینکه این دیدار زمانی باشد که انسان مطیع امام زمان علیه السلام باشد.

۱- ۱ . «بحارالانوار»، ج۱۰۲، ص۱۱۱.

والاـ اگر انسان تسـلیم امر امام مُنتظَر نباشـد قطعا لقای آن حضـرت هم برای این شـخص خیری در بر نخواهـد داشت؛ زیرا امام زمان علیه السـلام برای مردمان نافرمان و ظالم و تعـدّی کننـده از فرمان الاهی نعمت نخواهـد بود بلکه برای ظالمان و متمردان نقمت است.(۱)

ممکن است عدّه ای بگویند دعا و مسألت از خدای متعال برای دیدار با حضرت چه تأثیری دارد

در جواب بایـد گفت همان گونه که در بحثهای قبلی نیز اشاره شـد خدای متعال به بندگانش به اجابت رسـیدن ادعیه ایشان را بشارت داده است و اگر دعائی با شـرایط بیان شده در دین مبین اسـلام صورت گیرد اسـتجابت آن تضمین شده است الا اینکه بر اساس حکمت زمان آن ممکن است طولانی باشد. نکته دیگر اینکه دعا کننده ای که آرزوی دیدار حضـرت را داشته است حتّی اگر از دنیا برود خـدای متعال در زمان ظهور حضـرت او زنـده گردانیده به لقای حضـرتش خواهند رساند و نایل شدن به دیدار حضـرت در زمان ظهور و غیبت و حتی خواب از جمله خواسـته های شیفتگان حضرت و علمای ربانی می باشد. چه زیبا فرموده است علامه طباطبائی مشهور به بحر العلوم:

ورؤیه الامام فی المنام لترک ماتُقْصِدُ من مرام

و از خواسـته های من این است که دیدن امام علیه السـلام را در خواب قسـمت من نمائی برای آنچه از مقاصد خواسـته و طلب می گردد.

مطلب دیگر اینکه دعا کننده همیشه آمادگی خود را برای دیدار با حضرت و بودن در رکاب آن بزرگوار حفظ می نماید.

نکته پایانی اینکه دعا در قرآن کریم و بیان ائمّه هدی علیهماالسلام یکی از

۱- ۱ . «روضه کافی»، ج۸، ص۲۳۳.

مهمترین عبادتها شمرده شده است.

۲۹ _ اقتدا به حضرت در اعمال و اخلاق

قرآن کریم دو پیامبر بزرگ خود حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را در قرآن کریم به عنوان اسوه و الگو برای پیروان ایشان معرّفی می نماید، درباره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ»(۱)؛ بدرستی که برای شما در (اخلاق، روش و منش) پیامبر الگو و نمونه نیکویی است برای پیروی و درسی آموزی در جائی دیگر می فرماید: «وَما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»(۲)؛ آنچه پیامبر برای شما آورده است اخذ کنید و آنچه را که شما را از آن نهی نموده است پرهیز کنید.

پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ائمّه علیهم السلام الگو و اسوه هستند. کمال ایمان و یقین این است که انسان از ایشان که الگوهای آسمانی اند پیروی نماید. و در روایات بسیاری نیز وارد شده است که شما نیز مردم را با اعمال خوب و رفتار صحیح به دین مبین اسلام دعوت کنید و حقّا نیز چنین است که اقتدا به اولیای الاهی در اعمال و اخلاق باعث راهیابی دیگران به سوی امامان می شود.

در حدیث آمده است که: ما کسی را مؤمن نمی شماریم تا اینکه نسبت به تمام امر ما (امامت و رهبری) پیروی علاقه مند .... و مطیع دستورهای ما که فرمان خداست باشد.

اقتدا به امام علیه السلام نتیجه اش تحقق اهداف عالی آن بزرگوار است که ترویج دین خدا و حصول طاعت الاهی است. اگر کسی در این مسیر قرار گرفت در حقیقت حجّت خدا را در مقصدش یاری کرده است. پس

۱- ۱ . احزاب، ۲۱.

۲- ۲ . حشر، ۷.

منتظران در عصر غیبت باید دقّت کنند خواسته امام زمان علیه السلام اجرای احکام خدا است آن بزرگوار از مشتاقان خود می خواهد که این آیه شریفه را مورد توجّه قرار دهند که «أَصْلِحْ وَلا تَتَّبِعْ سَبِیلَ الْمُفْسِدِینَ». آیه ای که حضرت موسی سلام اللّه علیه این کلام را هنگام جدایی موقت و رفتن به میقات به برادرش هارون فرمود.

۳۰ _ گریه بر حضرت سید الشهدا علیه السلام و زیارت مرقد شریف حضرت

از جمله حوادث سخت و غم انگیز، واقعه کربلای ابا عبد اللّه الحسین علیه السلام می باشد. در احادیث بسیاری وارد شده است که گریه بر امام حسین علیه السلام (گریه از روی معرفت و شناخت) یعنی صله نسبت به حضرت زهرا علیهاالسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ادای حق ائمّه هدی علیهم السلام . هر بنده ای (روز قیامت) با دیدگان گریان محشور می شود مگر گریه کنندگان بر امام حسین علیه السلام .(۱)

کلماتی که منسوب به امام زمان علیه السلام است آمده است که: ای جد بزرگوارم (امام حسین علیه السلام) من برای مصیبت تو شب و روز گریه می کنم و به جای اشک از چشمانم خون جاری است.

توجّه به این واقعه عظیم و تأثیر گذار و حمایت همه جانبه از این قیام الاهی یعنی حرکت در راستای اداء دین نسبت به ائمّه هدی علیهم السلام و در حقیقت ادای دین به امامت و امام زمان علیه السلام ، شیعیان و منتظران با پیوستن به خیل گریه کنندگان به سالار شهیدان نه تنها با امام زمان همنوا می شوند بلکه باعث تسلّی خاطر آن امام بزرگوار خواهند بود.

در روایت آمده است که زیارت قبر امام حسین علیه السلام از محبوب ترین

۱- ۱ . أحادیث پیرامون فضیلت گریه بر امام حسین(ع) را در «کامل الزیارات» ملاحظه فرمائید.

اعمال نزد خدای متعال است. ای عزیز و عاشق امام زمان علیه السلام ! آیا امام محبوب ترین اعمال نزد خدا را ترک می نماید؟ «اللهمّ ارزقنا زیارتهم فی الدنیا وزیارتهم مع شفاعتهم فی الاخره.

۳۱_ مهیّابودن برای یاری حضرت

امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید: «هر یک از شما برای خروج حضرت قائم (سلاحی) مهیّا کند هر چند که یک تیر باشد، که خدای متعال هرگاه بداند که کسی چنین نیّتی دارد امیدوارم عمرش را طولانی کند».(۱) آمادگی برای نصرت و یاری دین حق از دستورهای مهم اسلامی است؛ تا جایی که قرآن کریم می فرماید: در زمان صلح نیز شما از آمادگی مناسب برای حمایت از دین خدا برخوردار باشید.

چون امام زمان علیه السلام برای اقامه عدل و داد ظهور خواهند کرد قطعا عدّه ای در مقابل آن امام عظیم الشأن قد علم خواهند نمود. حضرت نیز با ایشان کنار نخواهد آمد و اگر کارهای تبلیغی و تبشیری مؤثّر واقع نشود این شمشیر ذوالفقار نشان حضرت است که پاسخ همه یاوه گوئیهای ظالمین را خواهد داد و حضرت در این زمان به یارانی چون پاره های آهن و به استواری کوههای سربه فلک کشیده دارد که چون مالک اشتر پا در رکاب نهند و برای یاری حجت حق از هیچ چیز بیم و هراسی به خود راه ندهند. منتظران خورشید عدالت توجّه دارند که آمادگی نظامی زمانی مؤثّر و مفید است که آمادگی های لازم دیگر نیز صورت گیرد. مکتب حیات بخش اسلام به آموخته است وسایل نظامی زمانی نتیجه خواهد داد که یک عقیده صحیح و درست آن را هدایت و حمایت نماید. آری شب زنده داران اهل عبادت و بندگی شیران روز در رکاب امام

۱- ۱ . «غیبت نعمانی»، ص۱۷۳

عشقند.

جمع بندی مختصر از مباحث گذشته

تکالیف ذکر شده برای منتظران در عصر غیبت دارای بخش های مختلف و در حقیقت با مسائل گوناگونی همراه هست. آنچه از همه این بحثها به دست می آید این است که در این عصر غیبت، امام زمان علیه السلام در پرده غیبت هستند و ظهور نکرده اند. نه اینکه حضور ندارند بلکه حضرت حضور دارند و وظیفه امامت و هدایت را نیز بر عهده دارند.

نهایت اینکه دین چه در عصر حضور و چه در عصر غیبت تعطیل بردار نیست و اقشار مختلف باید در مسئولیتهای خود به ایفای مسئولیت خویش بپردازند، جهت جمع بندی بحث دعای «اللهمّ ارزقنا توفیق الطاعه» را با مدارک مختلف آن ذکر می نماییم که منتظران حضرت توجّه نمایند هر کس در هر رده و پست و مقامی که باشد دارای مسؤولیتی بس سنگین می باشد که باید ادا نماید. این از خواست های امام زمان علیه السلام می باشد. از بحث های صورت گرفته و مضمون و محتوی دعای شریف ذیل بر می آید که تفسیر انتظار به اینکه باید نشست و منتظر بود تا امام ظهور نماید یک تفکّر کاملاً غیر الاهی و غیر دینی و حتّی غیر عقلانی می باشد وقتی منتَظَر خود مصلح هست و برای اقامه حدود و اجرای احکام اسلام در نهایت جان مبارک خویش را در این راه خواهد نهاد چگونه راضی می شود در عصر غیبت به نام انتظار او فساد و گناه ترویج پیدا کند؟ و مدّعیان اصلاح نیز نظاره گر باشند؟

دعای اللهم ارزقنا و بعضی مدارک آن

دعای اللهم ارزقنا و بعضی مدارک آن(۱)

ص: ۷۹

---

۱ - ۱ . مصباح المتهجّد، ص۲۸۴؛ صحیفه مهدیّه، ص۳۲۱ به نقل از البلد الامین، ص ۴۸۰؛ مصباح کفعمی، ص۳۷۴. طبع بیروت، نام اصلی آن «جَنّه الامان الواقیه وجُنَّه الایمان الباقیه است.

دعای «اللهمّ ارزقنا...» بنابر مدارکی که آن را آورده است این دعا از وجود مقدّس و نازنین امام زمان علیه السلام می باشد. علاوه بر اسناد و مدارک دعا که ما به بعض آن اشاره نمودیم این دعای شریف دارای مضامین بسیار بلندی است که جز از کوهسار وجود علم نبوی و علوی قابل جاری شدن نیست.

اللهمّ ارزقنا توفیق الطاعه وبعد المعصیه وصدق النیّه وعرفان الحرمه واکرمنا بالهدی والاستقامه.

خدایا ما را توفیق طاعت و بندگی و دوری از گناه و پاک بودن نیّت و اخلاص و شناخت و معرفت نسبت به آنچه حرام است روزی فرما. خدایا کرامت فرما بر ما هدایت خویش را و استقامت در راه توحید را.

وسدّد السنتنا بالصواب والحکمه واملأ قلوبنا بالعلم والمعرفه وطهّر بطوننا من الحرام والشبهه.

(خدایا) واستوار و محکم گردان زبان ما را به صدق و راستی و سخن حکیمانه، و پر کن و مالا مال گردان دلهای ما را به علم و معرفت، و پاک گردان درون ما را از حرام و لقمه های شبهه ناک.

واکفف ایدینا عن الظلم والسرقه واغضُض ابصارنا عن الفجور والخیانه.

و نگه دار دست های ما را از ظلم (به خود و دیگران) و از سرقت و دزدی و تجاوز به حقوق دیگران، و ببند (نگه دار) چشمان ما را از کارهای ناشایست و خیانت.

واسدُد اسماعنا عن اللغو والغیبه وتَفَضَّلْ علی علمائنا بالزّهد

ص: ۸۰

والنَّصحَهِ.

و ببند و مسدود گردان گوشهای ما را از شنیدن سخنان بیهود و غیبت دیگران، و تفضّل نمابر علمای ما به وسیله زهد و حسن عمل و خیر خواهی.

و علی المُتَعَلِّمینَ بالجُهْدِ والرّغبه وعلی المُستَمعین بالاِتّباع والموعظهِ.

و تفضل نما بر دانش پژوهان ما به جدّیت و شوق و رغبت برای تحصیل و تفضّل فرما بر مستمعین به پیروی و پند شنیدن و پذیرش موعظه.

و علی مرضی المسلمین بالشفاء والرّاحه وعلی مَوتاهم بالرَّأفَهِ وَالرَّحْمَهِ.

و تفضل نما بر بیماران ما به شفا و آسایش و راحتی و عنایت فرما بر اموات ما به رأفت و رحمت و غفران.

و علی مشایخنا بالوقار والسکینه وعلی الشباب بالانابه والتّوبه.

و تفضّل نما بر پیران ما (زنان و مردان) وقار و متانت و بر جوانان ما تفضّل فرما توفیق توبه و پشیمانی از گناه و بدی.

وعلی النساء بالحیاء والعفّه وعلی الاغنیاء بالتّواضُع والسّعه.

و تفضّل نما بر زنان ما به حیا و عفّت و پاکدامنی، و بر ثروتمندان به تواضع و علوّ همّت و گشایش بیشتر در زندگی.

وعلی الفقراء بالصبر والقناعه وعلی الغزاه بالنّصر والغَلَبَهِ.

و تفضّل نما بر فقرا به بردباری و قناعت، و بر سپاهیان به فتح و پیروزی و غلبه بر دشمن.

و علی الاسراء بالاخلاص والرّاحه وعلی الامرآء بالعدل والشفقه.

و بر اسیران (در دست دشمن) خلاصی و راحتی عنایت فرما، و بر

امیران و سردمداران اسلام رفتار عادلانه همراه با مهروزی عنایت فرما.

وعلی الرعیّه بالانصاف وحسن السیره وبارک للحجّاج والزوّار فی الزّاد والنفقه.

و تفضّل نما بر رعیّت به انصاف و خوشرفتاری با دیگران و برکت بده برای حجّاج و زائران در زاد و توشه ایشان.

وَاقض ما اوجبت علیهم من الحَجِّ والعُمرهِ بفضلک ورحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و به انجام برسان برای ایشان آنچه واجب کردی در حج و عمره (کمک کن تا بتوانند اعمال را به خوبی به انجام برسانند) به فضل و رحمت خودت ای (خدایی که) رحم کننده ترین رحم کنندگان هستی.

این دعای شریف در حقیقت پاسخ مستدلی است در مقابل ترویج کنندگان انتظار منفی و تخدیری که به نوعی باید گفت ویرانگر و اسارت بخش است. انتظار منفی یعنی همان توطئه همیشگی دشمنان اسلامیت و انسانیت که دنبال اباحیگری هستند .

این دعا دفاع جانانه ای است از تفسیر انتظار مثبت و مسؤلیت آور و تحرک بخش و اینکه منتظر مصلح بزرگ نمی تواند خودش اهل فساد وترویج باطل باشد و در جبهه باطل انتظار امام حق را بکشد . در این کلام شریف در دو بخش وظایفی برای منتظران بازگو می شود. هر چند به زبان دعا و درخواست از خدای متعال است، ولی در واقع خواست امام از گروههای مختلف بازگو شده در فراز اول آمده است. که خدایا در عالم هستی تنها قدرت و فرمان تو نافذ است و هر چیزی در این عالم تحت سیطره حکومت توست و از کسی کاری بر نمی آید مگر لطف و عنایت تو بر او سایه افکن باشد که فرموده اند : هیچ موثری در عالم نیست مگر خدای متعال . پس به ما توفیق بندگی عنایت کن. در بخش اوّل به

ص: ۸۲

وظایفی نیز اشاره می شود و باید گفت وظایفی است کلی و فراگیر. در این بخش همه گروه ها و اشخاص و اصناف شریکند . در واقع در بخش اول دعا، گو اینکه خودسازی فردی و شخصـی مدّ نظر ، است . بندگی ، دوری از گناه ، پاکی نیت، شناخت محرمات و پرهیز از لغو وبدگویی از دیگران از وظایف مهم و اساسـی است و شـخص گرفتار در هر یک از این گناهان وظیفه اش بر گشت به دستور خدا و توبه به سوی او است .

در بخش دوم وظـایف اصـناف و گروههـای مختلف تأثیر گـذار در جـامعه مطرح شـده است که بیشترین کارآیی را در جامعه دارنـد و در صورت صـدمه دیـدن این بخش از مسؤلیتها نه تنها فرد بلکه کل جامعه ضـرر می بیند و اجرای احکام الاهی دچار مشـکل می گردد . برای اختصار به وظیفه یک گروه اشاره می نماییم با این امیـد که خواننـدگان گرامی در مضامین دعا بیشتر بیندیشـند. در جامعه اسـلامی بعـد از امامان معصوم علیهم السـلام علما هسـتند که رهبری، هـدایت و تربیت جامعه را به عهـده دارنـد و مسـئولیت ایشـان مرزبـانی از انـدیشه نـاب اسـلامی است. امام کاظم علیه السـلام فرمود: «لان المؤمنین الفقهاء حصون الاسلام کحصن سور المدینه لها(۱)» و هر مقدار که ایشان اهل تزکیه و تربیت و زهد باشند جامعه نیز به همان مقدار تأثیرپذیر خواهـد بود . اصـلاح این بخش از جـامعه آن انـدازه مهم و سـرنوشت ساز است که پیامبر اکرم می فرمایـد : « إذا صـلح العالم صلـح العـالم... » ، اگر عـالم اهـل اصـلاح باشـد و به وظیفه خطیر خود عمـل نمایـد یـک عالمی و دنیایی را می توانـد اصـلاح نماید(۲). آری مهمترین مسؤلیت و وظیفه در اجتماع برعهده عالمان و دانشمندان آن جامعه

ص: ۸۳

۱- ۱ . «اصول کافی» ج ۱، ص۳۸، و همچنین نک، «همان ص ۳۲ به بعد و «بحارالانوار» ج ۲/۱۴۵؛ ج ۷۵/۳۴۶؛ ج ۱/ ۱۸۳.
۲- ۲ . « خصال»، ۳۶ .

است .

علما هستند که در مقابل ظلم و فساد ظالمان و فاسدان در جامعه اهل سکوت نیستند. ایشان هستند که در مقابل بدعتها باید علم خویش را ظاهر سازند . علمایند که باید در مقابل تعطیلی احکام فریاد برآورند ، و بلکه در جهت تشکیل حکومت اسلامی نیز تلاش نمایند. امام علی علیه السلام در خطبه سوم نهج البلاغه می فرماید :

«ما اخذ اللّه العلماء یقارّوا علی کظّهِ ظالم ولاسَـغب مظلوم لالقیت حبلها علی غاربها و لقیت آخرها بکاس اوّلها؛ خدای متعال از علما تعهد گرفته است که بر گرسنگی مظلوم و گرسنگان و ظلم ظالمان صبر نکنند بلکه به این وظیفه دینی و اسلامی و انسانی خود عمل نمایند (۱)».

«مطالب فراوانی از این کلام نورانی استظهار می شود که اولاً مدار گفتار آن حضرت، جریان حکومت است نه صرف امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد جاهل و تنبیه غافل و مانند آن. ثانیا مسؤول تشکیل چنین حکومتی، عالمان دین می باشند و اختصاص به معصومین علیهماالسلام ندارد گر چه آنان، مطاع و متبوع اند.»(۲)

علمای دین هستند که باید در مقابل سلاطین جور و ظلم دیوارهای سکوت را بشکنند و به وظیفه مهم و اساسی امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایند . وظیفه علما وظیفه ای عاشورایی است و عاشوراییان جانشان سپر بلا قرار داده شده برای دفاع از اسلام و دین و احکام حیات بخش آن .

در باب انتظار نیز این علمای ربانی هستند که باید بر کرسی تعلیم و تربیت بنشینند و فرهنگ و فکر جامعه را راهنمائی و اصلاح نمایند ، آشنا

۱- ۱ . «نهج البلاغه» خطبه سوم بند ۱۶.

۲- ۲ . «ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت / ۲۰۱ - ۲۰۲.

کردن مردم بـا دین یـک وظیفه مهم و رسـالت است که از سوی خـدا به آنـان سـپرده شـده است و دفـاع از آن و جواب دادن شبهات مطرح شده وظیفه ای مهمتر و خطیرتر می باشد .

نکته مهم دیگر اینکه علما مروجان اسلام با عمل هستند هر چند گفتار و نوشتار مؤثر و مفید است، لکن فریادی به بلندی فریاد عمل ایشان نیست. کار علمای اسلام تأثیر در قلبهاست که ظهور آن را در اعمال تک آحاد جامعه می بینیم .

به راستی ایشان باید چنین باشند اهل زهد، خیرخواهی و نصیحت برای جامعه و افراد آن .

زحمات علما و دانشمندان درد آشنا و ربانی زمانی به ثمر خواهد نشست که قلبها در تسخیر دین، ایمان و محبت قرآن و عترت باشد و به حمداللّه سابقه دانشـمندان تشیع این را برای ما روشن می سازد که چگونه ایشان با رفتار اسـلامی و مجاهدت و ایثار در کنار مردم بوده انـد. هر چنـد در دوره های مختلف در ممالک اسـلامی سـلاطین بوده انـد ولی فرمانی که برای مردم مطاع بوده و به آن عمل می شده است دستور مراجع عظام و پیشوایان دین در عصر غیبت بوده است که نمونه های بسیاری در تاریخ بر آن دلالت دارد . فتوای اسـتکبار شـکن و اسـتعمار برانداز مرحوم میرزای شـیرازی در تحریم توتون و تنباکو تنها نمونه ای از هزاران است.

در بـاره هر یـک از فرازهـای این دعای شـریف که آموزش عقیـده، ایمان و اخلاق است می توان مطالب بسـیاری مطرح کرد، ولی چون در این پیش گفتار قصد اطاله سخن نداریم به همین اندازه بسنده می نماییم و با یک پرسش و پاسخ به آن گفتار را به پایان می بریم .

آیا قیام قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام جایز است یا خیر ؟

ص: ۸۵

در مقابل این سؤال جوابهای متعددی ارائه شده است و می شود جواب را نیز با این پرسش آغاز نمود که چرا قیام برای حق و اجرای احکام الاهی جایز نباشد که باید مخالفان پاسخ قانع کننده ای ارائه نمایند تا ببینیم دلایل ایشان از مطرح کردن سؤال فوق چیست ؟

در این باره علمای دو مذهب بزرگ اسلامی دو نظر کاملاً متفاوت داده اند .

تعدادی از علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت قائلند که قیام قبل از ظهور جایز نیست؛ چون ما مأمور به این کار نیستیم . امام زمان خودش مأمور است از طرف خدا و قیام خواهد نمود و بساط ستم و ستمگران را بر هم خواهد زد .

دلیل مخالفت اهل سنت با قیام قبل از ظهور

ایشان می گویند اگر جامعه سر و سامانی گرفت و عده ای حکومت را هر چند به زور و ظلم به تصرف درآورند اگر به عدالت هم رفتار ننمایند اهل ستم و یا احیاناً شارب الخمر هم باشند مردم حق ندارند بر علیه ایشان شورش کرده نظم موجود را برهم زنند. ایشان استدلال نموده اند به روایتهایی که در منابع روایی خودشان آمده است که در بعضی از این روایت ها آمده است که اگر کسی به زور و مکر و غلبه بر جامعه اسلامی مسلط شد، بر فرد فرد جامعه لازم است از او اطاعت کنند .

آنان سخنان و روایتهای دیگری نیز نقل و نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز داده اند .

در جواب این عقیده باید گفت : اثبات این که روایتها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم صادر شده است مسأله ای است که باید حل شود . در ثانی احکام اسلامی و معارفی که قرآن شریف وعترت پاک پیامبر به ما تعلیم

داده اند قیام بر علیه ستمگر را نه تنها منع ننموده است، بلکه آن را کاری لازم و واجب می داند .

اگر آیات الاهی مورد بررسی قرار گیرد و نیز سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با دید باز و منصفانه نگریسته شود آنچه به دست می آید، لزوم مبارزه با هرگونه مظهر گناه و پلیدی است تا چه رسد به بزرگترین گناه که غصب جایگاه «امامت» و «ولایت» است . عده ای در تاریخ چون گرفتار بعض معاصی شدند و حق اهل بیت علیهم السلام را رعایت نکردند برای اینکه جامعه را برای پذیرش این کار آماده و متقاعد نمایند، دست به جعل احادیث زدند و با نسبت دادن آن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دست و دهان مردم را بستند و آنچه خود خواستند انجام دادند .

ناقلین این روایات جعلی بدون توجه به تاریخ زندگانی پیامبر اکرم و سخنانی که کاملاً با این روایات مخالف است حکم صادر نموده اند که قیام بر علیه یزید و امثال یزید جایز نیست نکته قابل دقت این است که آنان از آن غافل بوده اند اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وعترت طاهرینش فرموده اند: روایات ما را با قرآن بسنجید در صورت موافقت بپذیرید و الا آن سخنان از ما نیست . معصومین علیهاالسلام خود زنگ خطر را در عصر خویش به صدا درآورده اند که عده ای خواهند آمد و در سخنان و روایات ما دست خواهند برد.

و آن بزرگواران در عصر و زمان خویش ابوهریره ها و سمره بن جندب ها و هزاران انسان دین به دنیا فروش را برای مردم معرفی نموده اند .

مخالفت بعضی علمای شیعه با قیام قبل از ظهور

ایشان قائلند که در زمان غیبت توانایی لازم از نظر اینکه کسی به جای

امام بنشیند و حکم صادر نماید که مردم قیام نمایند و جان و مالشان را بدهند وجود ندارد . فقها هم در عصر غیبت توانشان بدین اندازه نیست. فقها تنها به تعلیم احکام و اموری نظیر سرپرست ایتام به اصطلاح غُیّب و قصر باید بپردازند .

نکته دیگر اینکه روایتهای زیادی وارد شده است که هر عَلَمی که قبل از قیام امام مهدی موعود علیه السلام بلند شود طاغوت و محکوم به شکست است .(۱) در پاسخ اینان باید گفت این گونه روایات به تشکیل حکومتی که محور آن عدالت و حق باشد اصلاً ربطی ندارد. امام خمینی رحمه الله در جواب بیان کنندگان این روایت می فرماید: «در این روایت دو احتمال است. یکی آنکه راجع به خبرهای ظهور ولی عصر علیه السلام می باشد و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهد بگوید عَلَمهایی که به عنوان «امامت» قبل از قیام قائم علیه السلام برپا می شود، باطل است. چنانچه در ضمن همین روایات علامتهای ظهور هم ذکر شده است. احتمال دیگر آنکه از قبیل پیشگویی باشد از این حکومتهایی که در جهان تشکیل می شود تا زمان ظهور که هیچ کدام به وظیفه خود عمل نمی کنند و همین طور هم تاکنون بوده، شما چه حکومتی در جهان بعداز حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام سراغ دارید که حکومت عادلانه باشد و سلطانش طاغی و بر خلاف حق نباشد؟ (۲) علاوه بر آنچه گذشت در جواب این فکر نیز باید گفت در روایات بسیاری وارد شده است . که خود ائمه به فقهای عادل وکالت و ولایت داده اند و آن جنبه از ولایت که بسیار مهم است همان تشکیل حکومت و رسیدگی به مشکلات جامعه است، نه تنها رسیدگی به ایتام و

۱- ۱ . «بحارالانوار» ج ۲۵/ ۱۱۴؛ «کتاب الامامه» باب عقاب من ادعی الامامه بغیر حق، حدیث ۱۷.

۲- ۲ . «کشف الاسرار»، ۲۲۵ - ۲۲۶.

امور جزیی. این بحث در کتب مفصله فقهی آمده است .(۱)

مطلب دیگر اینکه اگر فرموده اند هر پرچمی که قبل از قیام افراشته شود نشانه و پرچم طاغوت است و خروج از اطاعت صاحب آن لازم به خاطر این است که مسأله مهدویت و ظهور امام زمان علیه السلام نیز مانند صدها مسأله دیگر دینی مورد سوء استفاده عده ای قرار گرفت و عده ای به عنوان مهدی موعود قیام کردند و ادعا نمودند که مهدی موعود ما هستیم و لذا امام صادق علیه السلام فرمود: هر پرچمی که قبل از ظهور افراشته شود باطل است» نه برای اجرای احکام و مبارزه با ستم، بلکه به عنوان امام زمان علیه السلام . این قیامها مورد نکوهش قرار گرفته است. یعنی عده ای چون مهدی عباسی ها ظهور کردند و از مردم برای خود بیعت گرفتند. امام صادق فرمود: «در منزل بنشینند وایشان را همراهی نکنید .» ناگفته نماند در ضمن بعضی از این قیامهای صورت گرفته برای احقاق حق، نه به نام امام زمان علیه السلام نه تنها مورد نکوهش قرار نگرفت؛ بلکه قیام کنندگان اگر نگوییم مورد ستایش بودند ائمّه در راهنمایی برای حفظ کشور اسلامی در ارائه کمکهای فکری و عملی آنها کوتاهی نمی کردند.

بر خلاف آنچه مخالفان قیام می اندیشند در منابع دینی ما دلایل بسیاری برای قیام و مبارزه بر علیه ستم، ظلم و بی عدالتی وجود دارد .

الف : از احکام مهم و مورد تأکید اسلام امر به معروف و نهی از منکر(۲) است که شرایط و مراتب آن در کتب مربوطه آمده است که بالاترین امر به معروف دعوت به حق و حقیقت و امامت ائمه هدی علیهم السلام است. کما اینکه بزرگترین منکر غصب حق ایشان است که باید به آن معروف امر و

۱- ۱ . «جواهر الکلام) ج ۱ / ۳۹۷.

۲- ۲ . ال عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۴؛ لقمان، ۱۷؛ نک «وسائل الشیعه»، ج ۱۱، ۵۵۹، کتاب «الامر بالمعروف» باب وجوب الاهتمام باموراالمسلمین»، حدیث ۱.

از این منکر نهی صورت گیرد .

این وظیفه همگانی است و اختصاص به یک گروه نـدارد. هر چند در مراتب آن با هم تفاوت داشته باشـند. شدیدترین مرحله امر به معروف و نهی از منکر دست به قبضه شمشیر بردن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : همه خیرات در سایه شمشیر است.(۱)

در احادیث بسـیاری وارد شده است که آنچه باعث می شود انسان در مسـیر حق و صـراط مسـتقیم قرار بگیرد امر به معروف و نهی از منکر است.امر به معروف و نهی از منکر به چهار مرتبه در کتب فقهی تقسـیم شده است: مرتبه انکار قلبی ، مرتبه لسانی و زبانی ، مرتبه شدیـدتر درگیر شدن با تبهکار . مرتبه چهارم که از مرتبه سوم شدیدتر است جایی است که حتّی ممکن اسـت منجر بـه جنـگ و قتـل نیز شـود. البته مرتبه سـوم و چهـارم بایـد از سـوی تشـکیلات و سازمانهـای مقتـدر صـورت گیرد. یعنی مسلمانان باید سازمان و نهادهایی را سامان دهی نمایند برای اجرای این فریضه مهم. استدلال ما این است که وظیفه مردم است که با حضور خود به تشکیل حکومت اسلامی مبادرت نمایند نه اینکه صحنه را برای ستمگران و ناصالحان خالی بگذارند .

ب : هدایت و رهبری در بینش اسـلامی و شـیعی با همه بینشـها ونگرشـها متفاوت است. در این اندیشه، رهبری را یک منصـب عـادی و سیاسـی و اجتمـاعی صـرف نمی دانیم . مـا معتقـد به امامت و ولایت کسانی هستیم که برای هـدایت و تزکیه مردم از طرف خداونـد منصوب می شونـد و دارای مقام علم و عصـمت هسـتند. این مقام یک امانت الاهی است و خـدای سـبحان این امانت و عهد خود را در اختیار کسانی قرار می دهد که

۱- ۱ . توبه، ۳۶؛ بقره ، ۱۹۰-۱۹۱؛ نک « وسائل الشیعه»، ج ۱۱، ص ۵ - ۱۱، کتاب الجهاد باب ۱.

دامن ایشان از هرگونه آلودگی عقیدتی، علمی و عملی پاک باشد .(1) انسانهای اهل ظلم و ستم هرگز شایستگی این را ندارند که مردم در تحت لوای ایشان زندگی کنند . مردمی که رهبری ایشان را ظالمان بر عهده گیرند هرگز روی سعادت و آرامش را نخواهد دید . خدای متعال می فرماید: « وَلاَ تَعَاوَنُوا عَلَی الْاءِثْمِ وَالْعُدْوَانِ »(2) در جای دیگر می فرماید: « وَلاَ تَرْکَنُوا إِلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّکُمْ النَّارُ »(3) یعنی یاری نکنید عده ای را در انجام گناه و دشمنی؛ (و اعتماد نکنید به ستمگران و اهل ظلم که شما نیز در آتش اعمال ایشان خواهید سوخت) .

مردم علاوه بر اینکه باید از ایشان پرهیز نمایند حتی در راه تقویت اینان نیز نباید قدمی بردارند(4) قرآن کریم مردم را همان گونه که به ایمان دعوت و امر نموده است که باید به خدا ایمان آورند باید به طاغوت و مظاهر آن نیز کفر ورزند. طاغوت که مظهر تعدی و ظلم است نمی تواند راهنمای مردم به سوی حق و حقیقت باشد در حالی که طواغیت اشغالگران مناصب اولیای الاهی هستند. چه زیبا فرمود امام صادق علیه السلام که « اگر کسی به محاکم ایشان (طاغوت و ستمگران) برود برای تظلم و دادخواهی به حق یا باطل ، و به حق خویش نیز برسد این حرام است زیرا راه او نادرست و نامشروع بوده است .»

با عنایت به آنچه گذشت وظیفه مردم مراجعه به حاکمان عادل و

۱- ۱ . بقره، ۱۲۴.
۲- ۲ . یاری نکنید (عده ای را) در انجام گناه و دشمنی.
۳- ۳ . و اعتماد نکنید به ستمگران و اهل ظلم که شما نیز در آتش اعمال ایشان خواهید سوخت.
۴- ۴ . امام موسی بن جعفر علیهماالسلام به صفوان جمال می فرماید: «... هر کس بقای آنها [ظالمان و غاصبان حق اهلبیت] را بخواهد از آنان شمرده می شود و هر کس از آنان باشد به آتش وارد می شود. «وسائل الشیعه» / ج ۱۲/ ۱۳۱.

عـالم و پرهیز از حکومت جائران است. مبارزه برای تحقّق حکومت اسـلامی بر همگان یک وظیفه است بویژه بر عقلا وعلمای هر قومی لازم است که در راه تحقّق اهداف عالی مجاهدت به خرج دهند و در این راه هرگز آرام نگیرند .(۱)

از مباحث ارائه شده که سعی شده است به صورت اختصار بیان گردد، نه تنها قیام و مبارزه برای اجرای احکام الاهی و اسلامی و تشـکیل حکومت در عصـر غیبت مـذموم و مردود نیست، بلکه یک وظیفه است. بالعکس کسانی که در مقابل مظاهر فساد و تعطیل احکام دین سـکوت می نماینـد باید پاسـخگو باشـند . ائمه هدی علیهم السـلام در روایات بسـیاری که از ایشان رسـیده است علاوه بر تأئید قیامهای «للّه» و انجام شده «فی سبیل اللّه» در عصـر غیبت از رهبران این قیامها تجلیل نموده اند. دیگر اینکه ایشان بشارت ظهور و بروز قیامهایی را داده انـد که این قیامها و انقلابها برای زمینه سازی ظهور حضـرت ولی عصـر سـلام اللّه علیه خواهد بود .

به یـک روایت در این بـاره توجه فرماییـد . « قومی از مشـرق زمین قیام می کننـد و زمینه انقلاب و ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام را مهیا می سازنـد. این روایت هویت انقلابهای صورت گرفته در عصـر غیبت را چنین بیان می کنـد که باید زمینه ساز حکومت عدل اسـلامی و الاهی حضـرت ولی عصر سلام اللّه علیه باشد . یعنی جنبه دینی و اسلامی آن مهمترین بخش انقلاب به حساب آیـد. هر چند انقلابهای بزرگ و کوچک بسـیاری در عصـر غیبت از سوی آزاد اندیشان و مصـلحان دینی و عدالت خواهان تا به امروز صورت گرفته است ، لکن به نظر می رسد انقلاب اسـلامی ایران به رهبری حضـرت امام خمینی قدس سره یکی از مصادیق این حدیث شریف و

۱- ۱ . علاقه مندان برای اطلاع بیشتر به کتب مربوطه و اختصاصاً به خطبه سوم «نهج البلاغه» مراجعه فرمایند .

جوابی است برای آنان که هنوز در اندیشه عزلت گزینی غوطه ورند .

در این انقلاب عظیم که بحمد اللّه در این عصر به یک الگوی مناسب برای ملتهای مسلمان و همه ملل آزادی خواه و استقلال طلب بدل شده است امتیازات و برجستگی هایی وجود دارد که در دیگر انقلابها یا وجود ندارد و یا کمتر مورد توجّه بوده است. جایگاه رهبر دینی و فقهی و شخصیت برجسته امام خمینی و از همه مهمتر تفکر اسلام ناب محمّدی و مهدویت و اعتقاد به امام حیّ از خصوصیات و امتیازات این انقلاب اسلامی است . این مجموعه باعث شد که انقلاب اسلامی در پیدایش و پیشرفت و پیروزی از همه جنبش ها و انقلابها جدا شود . امید است که با سکان داری فقاهت و عدالت و عمل به احکام نورانی اسلام روز بروز زمینه ظهور حضرت ولی عصر مهیاتر شود ان شاءاللّه .

سعی شد مطالب مقدمه به اختصار باشد لکن ادب اقتضاء می کرد هر چند با بضاعت کم عرض ارادتی به محضر ولی نعمت و مولا وسرورم امام زمان روحی وارواح العالمین لنواب مقدمه الفداء صورت گیرد .

آنانکه خاک را به نظر کیمیا کنند آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند

در تنظیم و تهیه مقدمه از آثاری که به برخی از آنها در پاورقی ها اشاره شد و همچنین از کتاب «مکیال المکارم» استفاده فراوان نمودم. امیدوارم خداوند مؤلفان و مترجمین این گونه آثار را جزای خیر عنایت فرماید.

کتاب حاضر

این کتاب از جمله آثار مفید و ارزنده ای می باشد که در باره وجود مقدس و نازنین امام زمان علیه السلام نوشته شده است . هر چند بعضی فهرست نگاران و نویسندگان نتوانسته اند مؤلف کتاب را شناسایی نمایند از جمله در کتابخانه فیضیه بدین صورت معرفی گردیده است « روایح

المسک والعَنْبَر فی أوصاف الامام المنتظر علیه السلام مؤلف ناشناخته » (۱).

نسخه ای از کتاب که نزد اینجانب بود دارای نام مؤلف نبود. سعی و تلاش زیادی شد که مؤلف شناسایی شود . با توجّه به اینکه بحث کتاب مهم بود و نشان دهنده این نکته که نویسنده ای توانا و گوینده ای زبردست خالق آن بوده است یافتن نام و نشانی از مؤلف اهمیت بیشتری می یافت. با مراجعه به کتابخانه های مختلف از جمله فهرست نسخ کتابخانه بزرگ «آیه اللّه مرعشی نجفی» و همچنین مراجعه به بانک اطلاعات دفتر تبلیغات اسلامی و کتابخانه مسجد اعظم قم و کتابخانه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام اللّه علیها و چندین کتاب و فهرست نسخ خطی و چاپ سنگی موفق نشدم . تا اینکه با خبر شدم که مسؤلان محترم مسجد مقدس جمکران کتابخانه ای تخصصی درباره امام زمان علیه السلام دایر نموده اند که دارای کتب فراوانی است. لذا به آن کتابخانه نیز مراجعه نمودم و خوشبختانه در دو کتاب از کتابنامه های مهدوی این اثر نفیس معرفی شده بود که به نظر میرسد مرجع هر دو نویسنده یکی بوده است

یکی در کتابنامه حضرت مهدی، نوشته علی اکبر مهدی پور ، چاپ مؤسسه الهادی ، ج ۱ ، ص ۴۱۳ . که اثر فوق را چنین معرفی کرده است: « روایح المسک والغبر فی اوصاف القائم المنتظر عجل اللّه فارسی ، مؤلف فاضل همدانی ، چاپ شده در سال ۱۳۳۹ سنگی ، مطبعه علمی تهران ، در ۱۶۰ صفحه، شامل اوصاف و شمایل حضرت مهدی و نقد بر فرقه ضاله (۲)»

دوّم کتابنامه امام زمان علیه السلام چاپ انجمن حجّتیه چاپ دوم که در سال

۱- ۱ . لازم به ذکر است این کتاب در «کتابخانه فیضیه» قفسه ۷۱ با شماره ۱۲۷۸ معرفی گردیده است .
۲- ۲ . (منظور فرقه ضاله بابیه می باشد) .

۱۳۹۸ هجری قمری چاپ شـده آورده است . (روایـح المسـک والعَنْبَرفی اوصاف القائم المنتظر عجل اللّه، فارسـی ، چاپ در تهران در مطبعه علمی در سال ۱۳۳۹ چاپ سنگی انداز (۱۴×۲۲) ۱۶۰ صفحه ، موضوع بحث تطبیقی از نشانه های قائم عجل اللّه و باب شیرازی .

کتـاب حاضـر در عین حـال که دارای حجم زیـادی نمی باشـد، ولکن در نـوع خود کم نظیر و یـا بی نظیر است . بهره خوب و عالمـانه مؤلف از روایـات معتبره نشـان دهنـده مقـام علمی مؤلف آن است. مؤلف بـا توجه به دانش و بینش فراوانی که داشـته است با نوشـتن این کتاب پاسخ بسیاری از شبهات آن روز و بلکه هر روز دشمنان را داده است . همان طور که در کتاب آمده است از مسائل جدی و شـبهه های مطرح آن روز مسأله بابیّت بوده است که در این کتاب با علم و درایت جواب طرفداران این فکر و عقیده داده شده است .

کتـاب در سال ۱۳۳۹ چـاپ سـنگی شـده است و دارای دو عنـوان کلی و دو بخش می باشـد که در ابتـدا نـام کتـاب را به این صورت آورده است (هذه المجموعه المسـماه بروایح المسک والعَنْبَر فی اوصاف الامام القائم المنتظر سـلام اللّه علیه) و سپس وارد بحث شده است تا صفحه ۹۶ [چاپ سنگی] که در پایان بحث می گوید (تم فی شهر جمادی الاولی ۱۳۳۸) .

و می فرمایـد : (مخفی نمانـد که آنچه را در این مختصر رسـاله ذکر نموده صـد یـک آنچه وارد شـده از ائمه طـاهرین علیهم السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در شؤونات امام قائم روحی له الفداء وعجل اللّه تعالی فرجه نمی شود) .

بخش دوم کتاب یا رساله که از صـفحه ۹۸ آغاز می گردد، عنوانش چنین است: سؤال بعضـی خوانین عظام از حـدیث «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل» و جواب آن است پس از این عنوان نسبتاً طولانی وارد جواب از این سؤال شده است و جواب عالمانه و دقیقی را درباره ولایت

و رهبری فقهای عادل در عصر غیبت ارائه نموده است .

در حقیقت مؤلف گرانقدر در این جواب هم به شأن و مقام علما اشاره دارد هم به سیر تدوین کتب مهم و منابع حدیثی روایی، فقهی، و کلامی شیعه ، و از همه مهمتر به مسأله ولایت فقهای عظام بر مردم پرداخته است که در عصر غیبت ایشان نائبان عام امام عصر روحی له الفدا هستند و مردم باید به ایشان کمک نمایند تا بتوانند احکام الاهی را اجرا نمایند . بعضی از مناصب فقهای عظام در عصر غیبت را شمرده و اهمیت و جایگاه ولایت فقهاء عادل را به خوبی ترسیم کرده است . مؤلف اثر حاضر را باید از علمای معتقد به ولایت فقیه به همان معنای «ولایت مطلقه فقیه» نامید که ایشان با این ولایت و منصب باید تشکیل حکومت بدهد و به اجرای احکام الاهی و اسلامی بپردازند . نکات قابل ذکر درباره این نوشته پر محتوی بسیار است. لکن برای اینکه خوانندگان گرامی بیشتر از این منتظر نمانند و خود با قدم نهادن در بوستان سر سبز مؤلف نامی این اثر گرانبها بهره وافر نصیبشان بشود . ایشان را در مسیر بادها و نفحات خوش شبانگاهان همراه با مشک، عنبر و نسیم با طراوت یادیار در این اثر نفیس تنها می گذارم ، که نام و نشانی زیباتر از نام اهل بیت و عطری خوشبوتر و با طراوت تر از عطر ولایت نیست (۱).

شرح حال مؤلف

قبل از ورود به بحث کتاب لازم است مقداری پیرامون زندگی و دوره حیات مؤلف بدانیم.

همان گونه که گذشت کتابی که نزد این حقیر بود ناقص بود. چون نام و

۱- ۱ . سعی شده در این عبارت نام کتاب (روایح المسک و العَنْبَر...) توضیح داده شود.

خصوصیات مؤلف محترم ایشان را نیاورده بود ولکن با پیگیری های صورت گرفته و با مراجعه به کتابخانه های مختلف و کتب تراجم به دست آمد که مؤلف این کتاب وزین و دارای مطالب عمیق، عالم کامل دانشمند ارجمند جناب سید یحیی معروف به فاضل همدانی می باشد. بنا بر نقل کتاب « بزرگان و سخن سرایان همدان» اصل وی از سادات قا ضی دزفول بوده است .

باید گفت شرح حال مؤلف در کتب تراجم کمتر مورد بحث قرار گرفته است . هر چند بنا بر نقل صاحب « بزرگان و سخن سرایان همدان » وی در نجف اشرف دیده به جهان گشوده است، ولی به خاطر سکونت طولانی در همدان به همدانی نیز معروف گردیده است .

ایشان از شاگردان برجسته آیه اللّه حاج میرزا حسن شیرازی بوده است و در میان شاگردان ایشان از نخبگان به حساب می آمده است. این عالم فاضل محضر شیخ اعظم انصاری اعلی اللّه مقامه را نیز درک کرده اند .

از تاریخ زندگی این عالم برجسته و روشن ضمیر برمی آید که مورد عنایت و توجه خاص مرحوم میرزای شیرازی قدس سره بوده اند و لذا در هجرت تاریخی مرحوم میرزای شیرازی از نجف به سوی سامرا از جمله یاران و همراهان میرزا بوده است. این دانشمند گرانمایه پس از کسب فیض بسیار از خرمن دانش برجستگانی چون میرزای شیرازی و دیگر اساتید قصد اقامت در همدان می کند و در آن شهر مقیم می گردد. در این زمان هست که غائله های شیخیه در همدان ظهور پیدا کرده است و قتل و غارت که از جمله کارهای این فرقه بوده است رواج یافته است. سعی و تلاش مرحوم فاضل همدانی صرف این می شود که آتش فتنه را خاموش کرده و از قتل و غارت جلوگیری نمایند. لکن با سعایت مخالفان و معاندان و آتش بیاران معرکه که در حقیقت دشمنان روحانیت اصیل بودند از جمله

مسببان فتنه معرفی می گردد و بدین خاطر مظفر الدین شاه ایشان را به تهران احضار می نمایند. فاضل همدانی بدون توجه به احضار مظفرالدین شاه به سوی کرمانشاه رهسپار می شوند و قریب شش سال در آن شهر اقامت داشته سپس به همدان مراجعت می نمایند و تا پایان عمر در همدان به ارشاد مردم و ترویج احکام مبادرت می نمایند .

در کتاب تاریخ بروجرد ، دانشمندان بروجرد(۱) در شرح حال سید محمد دزفولی مقیم بروجرد که پدر بزرگوار مؤلف دانشمند می باشد می نویسد . « مرحوم سید محمّد در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در نجف اشرف وفات کرد و فرزندی به یادگار گذاشت به نام سید فاضل هاشمی که از علمای نامی همدان به شمار رفته و در فقه، تقوی و فضیلت مشهور بود . وی ذخایر علمی خود را از سید محمّد حسن شیرازی قدس سره فرا گرفت و از آثار علمی او کتابی است در رد بر صوفیه به نام (رد اهل البدع). چنانکه شاگردش آیه اللّه سید شهاب الدین مرعشی نیز ذکر نموده و هم چنین رساله ای ست در رد بر مسیحیت به فارسی و رساله دیگر ایشان در حرمت خمر است که به چاپ رسیده .

سید فاضل در سال ۱۳۴۶ هجری قمری درگذشت و فرزندی به نام سید عبدالحسین به یادگار گذاشت که او نیز از علماء و از شاگردان مرحوم سید مجدّد شیرازی بوده و در حیات استادش به همدان رفت و در آنجا به خدمات شرعیه اشتغال داشت و از آثار علمی او کتاب «الشهاب الثاقب فی تفضیح الکاذب» در رد بابیه است...

لازم به توضیح است که مرحوم آقا بزرگ تهرانی قدس سره کتاب فوق را در « الذریعه »(۲) چنین معرف نموده است: « الشهاب الثاقب فی فضح

ص: ۹۸

۱- ۱ . «تاریخ بروجرد، دانشمندان بروجرد»، ص ۴۸۵ – ۴۸۶.

۲- ۲ . «الذریعه»، ج ۱۴، ۲۵۱.

الکاذب ، للسید عبدالحسین الهاشمی ابن السید فاضل نزیل همدان وعالما أَلَّفَهُ سنه ، ۱۳۳۱ ، وقد طبع بهمدان سنه /۱۳۳۳ ، شروح اکاذیب البابیه بالفارسیه »

نویسنده آن سید عبدالحسین هاشمی است که مراد فرزند سید فاضل مقیم همدان و عالم آنجاست و در سال ۱۳۳۱ نوشته شده است و در همدان سال ۱۳۳۳ به چاپ رسیده است و در آن کتاب شرح دروغ های بابیه به زبان فارسی آمده است .

از تاریخ زندگانی پدر بزرگوار مؤلف روایح المسک والعنبر و خود او و فرزند ارشد ایشان عبدالحسین برمی آید که این خاندان علاوه بر افتخار سیادت دارای کمالات علمی و معنوی بسیاری بوده اند. نکته دیگر اینکه ایشان از مسائل مطرح در عصر خویش غافل نبوده و نسبت به آن حساسیت فوق العاده نشان داده اند. از جمله اینکه در باره تفکر الحادی بابیّت زحمات فراوانی را متحمل و مشکلاتش نیز را به جان خریده اند .

در کتاب « معجم رجال الفکر فی النجف »(۱) آمده است. « عبدالحسین ابن السید فاضل البروجردی الهمدانی المتوفی... فقیه نقی من اجلاء العلماء له : الشهاب الثاقب فی تفضیح الکاذب...) باید گفت اینان نمونه های بارز هجرت در راه نشر معارف الهیه هستند که مکان خاصی را نمی شناسند هر کجا سنگری خالی ببینند لباس رزم بر تن نموده در خط مقدم به مبارزه می پردازند .

تاریخ وفات مؤلف

همان گونه که از تاریخ بروجرد آوردیم مرحوم سید فاضل در سال

۱- ۱ . «معجم رجال الفکر فی النجف»، ص ۴۶۱.

۱۳۴۶ هجری قمری برابر بـا ۱۳۰۶ هجری شمسـی در همدان وفات یافته است. حشـره اللّه مع الائمه المعصومین علیهم السـلام . وجنازه اش به نجف اشرف حمل و در وادی السلام آن دفن شده است .

تألیفات مؤلف

از این عالم فرزانه آثار گرانبهایی به جای مانده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ _ رساله ای در موضوع خراج ؛

۲ _ رساله ای در بحث قبله در خرمشهر ؛

۳ _ رساله ای پیرامون وقف برای صوم و صلاه ؛

۴ _ رساله ای در لقطه (اشیاء گمشده) ؛

۵ _ رساله ای درباره نقل جنازه اموات به مشاهده مشرفه ؛

۶ _ کتابی درباره نماز عیدین ؛

۷ _ رساله ای درباره رضاع (شیر دادن) ؛

۸ _ رساله ای درباره خمر ، مشهور به (رساله خمریه) ؛

۹ _ رساله ای درباره حج ؛

۱۰ _ کتابی در رد صوفیه موسوم به توحید الهدات للنجات من المهلکات ؛

۱۱ _ کتـابی در رد بر بـابیه و اوصـاف امام زمان علیه السـلام موسوم به «روایـح المسک والعنبر فی اوصاف الامام المنتظر علیه السلام » (کتاب حاضر) ؛

۱۲ _ هدایه الانام الی محکمات قوانین الاسلام در جواب کتاب ینابیع الاسلام ، مرحوم آقا بزرگ تهرانی در « الذریعه »(۱) در معرفی این کتاب

۱- ۱ . «الذریعه»، ج ۲۵، ص ۱۷۳.

می فرمایـد : « فارسـی فی الرد علی ینـابیع الاسـلام » اول النسـخه الموجوده عنـد محمّـد علی الروضاتی باصـفهان . کتاب ینابیع الاسلام عبدالمسیح نصرانی که در مدارس همدان خوانده می شود... کلماتی بر رد او نوشته شد؛

۱۳ ــ رد بر تصوف و رد کتـاب طریق النجـات، مرحوم آقـا بزرگ تهرانی قـدس سـره در « الـذریعه »(۱) این کتـاب را معرفی نموده است. فارسی مختصر للسید فاضل بن السید قاضی الهاشمی الدزفولی البروجردی الهمدانی المتوفی... ؛

۱۴ ــ رسـاله حجـابیّه؛ مؤلف کتـاب « بزرگان و سـخن سـرایان همـدان» می گویـد مرحوم سـید فاضل همـدانی دارای تألیفات دیگری نیز می باشد .

فرزندان دانشمند

سه نفر از فرزنـدان این عالم ربانی جزء علمای عصـر خویش بوده و دارای خـدمات و آثار علمی نیز می باشـند. از جمله ایشان مرحوم سید عبدالحسین می باشد که نام ایشان در بخش زندگانی پدر بزرگوارش آمد .

او از شاگردان برجسـته مرحوم سید محمّد کاظم یزدی (صاحب عروه الوثقی) قدس سره بوده اند و در اعلام الشیعه ،(۲) سید عبدالحسـین را بالقب الهاشـمی معرفی می نماید . این عالم ربانی مؤلف کتاب « الشـهاب الثاقب » می باشد که ذکری از آن به میان آمد .

و بالاخره سـتاره پر فروغ عمر این عالم ربانی فقیه همـدانی در سال ۱۳۱۰ شمسـی در همدان غروب کرد و دوستداران خود را عزدار نمود و جنازه اش به نجف اشرف جهت تدفین حمل گردید. روحش قرین

۱- ۱ . «الذریعه»، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

۲- ۲ . «اعلام الشیعه» ج ۳/۱، ۱۰۶۸.

رحمت حق .

فرزنـد دیگر ایشـان سـید علی متخلص به « محروم » است که دارای طبع شـعر و شـاعری نیز بوده و در تاریـخ ۱۲۲۰ شمسی در همدان از دنیا رفته است .

فرزند سوم ایشان که اهل علم و دانش بوده است سـید اسـماعیل مشـهور به فاضل زاده می باشد که در سال ۱۲۸۵ قمری متولد شده است.مؤلف «بزرگان و سـخن سرایان همدان» می گوید: « او دارای ذوق سرشار و اهل مطالعه است و از سالها پیش اشعار و آثار غالب شعرا را فراهم آوده است و با شیوه ای پسندیده در سه جلد تدوین نموده است .»

ناگفته نمانـد در این اثر اشاره ای به این نکته نشده است که آیا این مجموعه اشـعار به چاپ نیز رسـیده است یا نه و یا اینکه او تألیفات دیگری نیز دارد یا خیر ؟ آنچه گذشت تنها بخشـی از زندگی، آثار و خدمات مرحوم سیدیحیی فاضل همدانی بود که در آثار مختلف یافت شد. امید است خوانندگان محترم به ویژه دوستان اهل قلم و پژوهشگران عزیز در صورت یافتن اطلاعات بیشتر اینجانب را از طریق ناشر محترم رهین منت خویش سازند.

قم مقدسه - صفر فلاحی

ص: ۱۰۲

هذه المجموعه مسمّاه

بروایح المسک والعنبر فی

اوصاف الامام القائم المنتظر علیه السلام

ص: ۱۰۳

اصناف مردم در هر عصر

قـال اللّه تبـارک و تعالی فی سوره الفاطر « إِنَّمَا یَخْشَی اللّه َ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ »(۱) و فی سوره الزُّمَر« هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لاَ یَعْلَمُونَ »(۲) و فی البحار روی عن اکمال الّدین للصدوق علیه الرّحمه بسنده والی کمیل بن زیاد النّخعی انّه قال اخذ امیرالمؤمنین علیه السـلام بیَدِی فـاخرجنی الی ظهرالکوفه فلما اصحر تنفّس فقال یا کمیل اِنَّ هـذه القُلوب اَوعیه فخیرها اوعاها احفـظ عنی ما اقول لک اِنَّ النّاسَ ثلثَهٌ عالِمٌ رَبّانی وَ متعَلّمٌ اِلی سبَیل النجاه و همـج رعاع اتباع کلّ نا عق یمَیلوُنَ مّع کلّ ریـح لم یستضـیئوا بنُور العِلْمِ مجتهدوا وَ لم یلجَاوا الی رُکْنٍ وثیق فینجوا یا کمیل العِلِمُ خیرٌ من المال العلمُ یحرسکَ و انت تحرس المالَ الَمال تنقصُه النفقه و العلم یزکوُ علَیَ الانفال وصـنیع المال یزول بزواله یا کمیل معرفه العلم دین یُد ان به یکسب الانسان الطاعه فی حیاته و جمیل الاحدُوثه بعد وفاته الی آخر الحدیث(۳) .

کمیـل بن زیاد می گویـد: دست مرا امیرالمؤمنین علیه السـلام گرفت و مرا بُرد در خارج کوفه وقتی که به صـحرا رفتیم نفسـی کشید و آهی کشید و فرمود: «ای کمیل این دلهای بنی آدم ظرفند و بهترین آنها بیدارترین آنهاست و

ص: ۱۰۵

۱- ۱ . فاطر، ۲۸ . « از میان بندگان تنها مردمان عالم و دانا خداترس می باشند » .

۲- ۲ . زمر، ۹ . « آیا آنانکه اهل علم و دانشمند هستند با مردم نادان یکسانند » .

۳- ۳ . «أمالی» ص ۲۰، حدیث ۲۳ ؛ «کمال الدین و تمام النعمه» ج۱ ، ص۲۹۰ ؛ «بحارالانوار» ج۱ ص۹ و ۱۸۸ ، ج۷۸ ص۷۶ ، ج۲۳ ص۴۸ و ۴۷ ، ۴۵ ؛ نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۱۴۷ .

تعقل دارترین آنهاست. حفظ کن آنچه را به تو می گویم .»

مردم سه صنف اند: یک صنف عالم ربّانی و یک صنف متعلم و گوش دهنده بآن عالم ربّانی و صنف سوم که غیر اینها باشد همج رعاع اند. همج در لغت عرب به معنی پشّه می باشد که به هر جامی می نشیند و بدون ملاحظه و عقب هر چه به نظر او شیرین بیاید می پرد و می نشیند و رعاع در لغت عرب به معنی مردم پست است. تابع هر صدا کننده می شوند به عقب هر بادی میل می کنند و می روند و به روشنایی نور علم راه نمی روند تا هدایت بشوند و پناه نمی برند به رکن وثیق و محکمی تا نجات بیابند. ای کمیل علم بهتر است از مال. مال را تو باید حراست کنی و علم تو را حراست می کند و مال خرج کردن آن را کم می کند و علم زیاد می شود بِانفاق آن و یاد دادن و گفتگو کردن درباره آن پرورده شدن به مال و بزرگی به وسیله دارایی با از بین رفتن آن از بین می رود ای کمیل معرفت علم دین است که باید به او تدیّن کرد و به آن علم آدمی کسب می کند طاعت خالق را تا زمانی که زنده است و به دست می آورد به وسیله آن علم نام نیک را برای بعد از فوت او تا آخر حدیث که حضرت علیه السلام فرمودند. و در کافی(۱) روایت می کند از حضرت صادق علیه السلام که فرمود (اَلّناس ثلاثهٌ عالِمٌ و متعَلِمٌ و غثاءٌ) یعنی مردم سه قسمند عالِم و متعلّم و غثاء و معنی غثاء آن پَر و پوش و آشغالی است که بر روی سیلاب می رود. و باز در کافی(۲) روایت می کند از حضرت صادق علیه السلام که فرموده در تفسیر آیه شریفه « إِنَّمَا یَخْشَی اللّه َ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ »قصد کرده است

ص: ۱۰۶

۱- ۱ . «اصول کافی»، ج ۱ کتاب فضل العلم، باب « اصناف الناس »، حدیث ۴. ادامه حدیث چنین است : فنحن العلماء ، و شیعتنا المتعلمون و سائر الناس غثاء .

۲- ۲ . «همان»، ج ۱ ، کتاب فضل العلم، باب « صفه العلماء » حدیث ۲ ، عن ابی عبداللّه علیه السلام فی قول: اللّه عزّوجل « إِنَّمَا یَخْشَی اللّه َ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ » قال : یعنی بالعلماء من صدّق فِعْلُهُ قولَهُ و مَن لم یّصَّدق فعلُهُ قولَه فلیس بعالمٍ .

خداوند به علما آن کسی را که فعل او مصدّق قول او بشود و آنکه فعل او مصدق قول او نشود آن شخص عالم نیست . و باز در کافی(۱) روایت می کند از ابی حمزه ثمالی از سیّد السّاجدین علیه السلام که فرموده: اگر مردم بدانند که قدر علم نزد خداوند چه قدر است هر آینه او را طلب می کردند، ولو به اینکه جان خود را در معرض تلف ببینند، ولو به اینکه در دریاها فرو روند. و خداوند تعالی وحی فرستاد به دانیال پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به درستی که مبغوض ترین بندگان نزد من جاهلی است که استخفاف می کند به حق اهل علم و ترک می کند اقتداء به او را [آنها را] تا آخر حدیث. و در فقیه(۲) روایت می کند در جمله وصایای جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: یا علی خواب عالِم نزد خداوند افضل است از عبادت عابد. یا علی دو رکعت نماز که عالِم می خواند. نزد خداوند افضل است از هزار رکعت که عابد می خواند و در کافی(۳) روایت می کند از حضرت صادق علیه السلام که در جمله حدیثی می فرماید: انسان عالِم اجر او نزد خداوند عظیمتر است از انسان همیشه روزه دار و همیشه شب زنده دارو سر پا ایستاده و شمشیر به گردن در راه خدا جهاد کننده. و باز در کافی(۴) روایت می کند از حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام که فرمود: جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نظرش به کسی افتاد که مردم دور او را گرفته بودند. پس فرمود: «این چیست و این کیست؟» عرض کردند: «شخصی است علاّمه.» فرمود علاّمه چیست ؟ عرض کردند عالم است بانساب عرب و

ص: ۱۰۷

۱- ۱ . «همان»، ج ۱ ، کتاب فضل العلم ، باب « ثواب العالم و المتعلم » حدیث ۵ .

۲- ۲ . «من لا یحضره الفقیه» ج ۴، فی النوادر ص ۶ و ۲۶۵ ، نک «بحارالانوار» ج ۷۷ ص ۵۷ و ج ۲ ص ۲۲ ، و ج ۲ ص ۲۵ .

۳- ۳ . «همان» ج ۱، کتاب أفضل العلم، باب « حق العالم » حدیث ۱ ، نک «بحارالانوار» ج ۲، ص ۴۳ ، ج ۲، ص ۱۷ .

۴- ۴ . «همان»، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب « صفه العلم و فضله و فضل العلماء »، حدیث ۱ .

واقعه هائی که از برای عرب اتفاق افتاده و ایام جاهلیّت و اشعار عرب را می داند.» حضرت فرمود: «این علمی است که ضرر نمی زند به کسی که نداند آن را و نفع ندارد دانستن او.» بعد از آن فرمود علم سه چیز است آیه محُکَمه او فریضه عادله او سنه قائمه غیر از این سه تا فضل است نه علم و در بحار(۱) از اکمال الدین صدوق علیه الرحمه روایت کرده به سند خود از حضرت صادق علیه السلام که فرمود:

«اِنَّ الاَرْضَ لا تَخْلُو مِنْ اَنْ یَکُونَ فیها حُجَّهٌ عالِمٌ وَ اِنَّ الأرْضَ لا یُصلِحها الاّ ذلِك وَ لا یُصلِحُ النّاسَ الاّ ذلِكَ؛ به درستیکه زمین خالی نمی ماند از اینکه امام و حجت خدا در آن باشد و عالم باشد به همه چیز و صلاحیت نمی یابد زمین الاّ به این و صلاحیّت نمی یابند خلق الاّ به این ».

میراث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وحجت الاهی

و باز از اکمال الدّین(۲) نقل کرده به سند خود از حارث بن مغیره که گفت «سمعت ابا عبداللّه علیه السلام یقول اِنّ اَلاَرضَ لا تَتْرِك الاّ وَ عالم یَعلَم الحلاَلَ وَ الحرامَ وَ مایحتاج النّاس الیهِ و لا یحتاجُ اِلَی النّاس قلتُ جعلتُ فداك عِلم ماذا فقال وراثه مِن رسول اللّه و علی علیهماالسلام ؛ خداوند عالم زمین را نمی گذارد که در

۱- ۱ . «اصول کافی»، ج ۱ ، کتاب الحجَّه، باب « ان الأرض لا تخلو من حجّهٍ » ؛ ۱۷۸ و ۱۷۹ «کمال الدین» ، الباب الحادی و العشرون، ص ۲۰۳، حدیث ۷ . مرحوم کلینی به مسند صحیح نقل می کند که به امام صادق علیه السلام گفته شد: آیا زمین ممکن است بدون امام باشد؟ حضرت فرمود: هرگز.» «اصول کافی»، ج ۱، ۱۷۸.

۲- ۲ . «کمال الدین و تمام النعمه»، الباب الثانی و العشرون، ص ۲۲۳، حدیث ۱۵ . همچنین در اصول «اصول کافی»، ج ۱، کتاب الحجه، باب « انّ الارض لا تخلو من حجّه » آمده است . عن ابی عبداللّه علیه السلام ، قال : ما زالت الارضُ الا وللّه فیها الحجّه ، یُعرِّف الحلال و الحرام و یدعو الناس الی سبیل اللّه .

او عـالمی نباشـد که حلال و حرام را بدانـد و بدانـد علم هر چیزی را که خلق به او محتاجنـد و او احتیـاج به علم خلق نداشـته باشد.» راوی عرض کرد: «فدایت شوم آن چه علمی است.» «امام علیه السـلام فرمود: «همان علم است که میراث مانده از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله وسـلم و امیرالمؤمنین علیه السـلام .» و از عیوُن اخبارالّرضا علیه السـلام (۱) نقل کرده صدوق به سـند خود از فضیل بن یسار که می گوید: شنیدم هم از حضرت باقر هم از حضرت صادق علیهماالسلام که فرمودند:

انّ العِلَم الّذی اهبطَ آدَم لم یرفع العلم یتوارث و کـلّ شـی ء من العلم و آثـار الّرسـل و الانبیاء لم یکنُ مِن اهل هـذا البیت فهوَ باطـلٌ و انِّ علیّاً عالمُ هـذِهِ الامهِ و انه لن یموتَ منّا عالمٌ الاّ خلف من بعـده و مَن یعلم مثل علمه وَ ما شاء اللّه . باز روایت کرده صدوق در اکمال به نقل بحار(۲) به سند خود از ابان ابن تغلب از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: الحجه قبل الخلق و مَعَ الخلق و بعدَ الخلق و باز در بحار(۳) نقل کرده از اکمال الدین صدوق که به سند خود روایت کرده از زُراره از حضرت صادق علیه السـلام در جمله حـدیثی که در آخر آن می فرمایـد «و لولاـ من علَی الاـرض مِنْ حجـج لنَفَضَتِ الارضُ ما فیها وَ اَلْقَتْ ما علیها اِنِّ الارضَ لا تخلوُ ساعهً من حجَّهٍ؛ اگر نباشـند حجّتهای خداوند بروی زمین هر آینه زمین تکان می دهد آنچه را بر روی او هست و

ص: ۱۰۹

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، الباب الثانی و العشرون، ص ۲۲۳، حدیث ۱۴ .

۲- ۲ . «همان»، الباب الثانی و العشرون، ص ۲۲۱، حدیث ۵ . این روایت در «اصول کافی»، ج ۱، ۱۷۷. کتاب الحجه، باب (إنّ الحجه لا تقوم للّه علی خلقه الا بامام)ص ۱۷۷، حدیث ۴ آمده است .

۳- ۳ . «همان»، الباب الحادی و العشـرون ص ۲۰۲ حدیث ۴ . نـک ، «اصول کافی»، ج ۱، کتـاب الحجّه ، باب (ان الارض لا تخلو من حجَّه) .امام صادق علیه السـلام در سخنی فرمودند: «اگر در روی زمین جز دو نفر کسی نباشد هر آینه یکی از آن دو امام (رهبر) خواهد بود.» «اصول کافی» ج ۱، ۱۷۹.

می اندازد آنچه را بر بالای آن قرار گرفته و بدرستیکه زمین خالی نمی ماند از امام و حجت خداوند یک ساعت واحده.»

و باز در بحار(۱) روایت از اکمال می کند که به سند خود از احمد بن عمر روایت کرده که می گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که روایت [به ما [رسیده از حضرت صادق علیه السلام که فرموده اند: «زمین خالی نمی ماند. از امام.» آیا مستقر می ماند زمینی که امامی در او باقی نباشد؟ فرمود: معاذاللّه لا تبقی ساعةً اذا لساخت معنی آن این است که یک ساعت واحده زمین اگر خالی بماند از امام و حجّت خدا، هر آینه زمین فرو می رود و باقی نمی ماند. و باز در بحار(۲) روایت کرده از اکمال الدین که او به سند خود روایت می کند از ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: به درستی که خداوند تبارک و تعالی زمین را نمی گذارد بدون عالمی که در آن باشد؛ و اگر چنین نباشد، شناخته نمی شود حقّ از باطل. و باز در بحار(۳) روایت کرده از اکمال الدین که او به سند خود روایت کرده از عمر بن ثابت از پدرش از حضرت باقر علیه السلام که فرمود: هرگاه زمین خالی بماند از امامی از ما یک روز هر آینه اهلش را فرو می برد به درون خود و هر آینه

---

۱ – ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، الباب الحادی و العشرون، ص ۲۰۲، ادامه حدیث ۲ (در حدیث ۲ معاذاللّه ندارد در حدیث ۵ معاذاللّه آمده است) نک «اصول کافی»، ج ۱، کتاب الحجّه، باب (ان الارض لا تخلو من حجّه) حدیث ۱۱ .

۲ – ۲ . «همان » الباب الحادی و العشرون ص ۲۰۳ حدیث ۱۲ . نک «اصول کافی»، ج ۱، کتاب الحجه ، باب (ان الارض لا تخلو من حجّه) حدیث ۵ در «اصول کافی» آمده است عن ابی بصیر عن احدهما علیهماالسلام یعنی یکی از دو امام بزرگوار امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام .

۳ – ۳ . «همان» ، الباب الحادی و العشرون ص ۲۰۴ حدیث ۱۴ . ادامه حدیث « ان اللّه تبارک و تعالی جعلنا حجّه فی ارضه و امانا فی الارض لا هل الارض ، لم یزالوا فی امان من ان تسیخ بهم الارض ما دمنا بین اظهرهم ، فاذا اراد اللّه ان یهلکهم ثم لا یمهلهم و لا ینظرهم ذهب بنا من بینهم و رفعنا الیه ، ثم یفعل اللّه ما شاء و احبَّ » .

خداوند عذاب می کند مردم را بِه اَشَدِّ عذاب... تا آخر حدیث .

جاهلی که ادعای علم دارد

نمی دانم این فرقه که تازه در همدان امام خود را می گویند سید علیمحمد باب بوده و آنها را بابیّه(۱) می گویند آن سیّد علی محمد اهل

۱- ۱ . فرقه بابیه به دست میرزا علی محمّد شیرازی ملقب به باب تأسیس شد. وی فرزند سیّدرضای بزاز و اهل شیراز است. وی تحصیلات ابتدایی اش را در زادگاهش شیراز آغاز کرد و در نوجوانی به بوشهر رفت و نزد شخصی به نام شیخ محمّد که به شیخ عابد شهرت داشت به تحصیل پرداخت. شیخ عابد از شاگردان شیخ احمد احسایی و سیدکاظم رشتی بود. سیدعلی محمّد تحصیلات زیادی نداشت. در هفده سالگی همراه دایی خویش، میرزا سیدعلی تاجر، شغل پدر [بزازی] را پیشه خویش ساخت. پس از پنج سال توقف در بوشهر به شیراز بازگشت و به مکه رفت و از آنجا به قصد زیارت امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد. در آنجا به سیدکاظم رشتی گرایش پیدا کرد. وی دو یا سه سال نزد سیدکاظم رشتی شاگردی کردو با مسائل عرفانی و تفسیر و تأویل آیات قرآن و احادیث و مسائل فقهی به روش شیخیه آشنا شد. سیدعلی محمّد پس از چندی به شیراز بازگشت... از همان سنین نوجوانی علامات عدم تعادل روحی در او آشکار بود. به کارهای غیر متعارف دست می زد و طبیعتا خرافه گرا بود. به «اوراد» و «طلسمات» سخت علاقه مند بود. ادعای بابیت زمانی آغاز شد که سیدکاظم رشتی از دنیا رفت و سیدعلی محمّد شیرازی جانشین وی شد. پس از وفات سیدکاظم رشتی ابتدا معلوم نبود چه کسی جانشین وی خواهد بود. اغلب شاگردان وی مانند ملاحسین بشرویه، ملاعلی بسطامی و... چهل روز در کوفه به سر بردند و در صدد برآمدند که یک وجود فوق العاده را بیابند. ملاحسین بشرویه که مجذوب لباس زهد و پرهیزکاری (ظاهری) سیدعلی محمّد شیرازی شده بود قرار گذاشت که نام او را بلند کند. ملاحسین بشیرویه ادعا کرد برایم مکاشفه رخ داد و دریافتم که جانشین به حق سیدکاظم سیدعلی محمد است سیدعلی محمد پس از دریافت لقب باب ابتدا ادعای «ذکریت» کرد، سپس ادعای «مهدویت» و بعد ادعای «نبوت» در سرش افتاد. آری بدین سان بود که انحراف کوچک «بابیت» به انحرافی بزرگ چون ادعای «رسالت» منجر شد به طوری که او خود را از همه انبیاء برتر می انگاشت زمانی که هنوز ادعای «بابیت» داشت. به خاطر اعتراض علما و مردم متدین به دستور والی فارس ۱۲۶۱ ق دستگیر و به شیراز فرستاده شد. نزد امام جمعه شیراز اظهار ندامت کرد. به فراز منبر رفت و در حضور مردم گفت: لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غائب بداند. لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند. پس از شش ماه تحت نظر بودن در شیراز به اصفهان قلعه ماکو تبعید شد. دولت محمدشاه قاجار برای آنکه پیوند او را با مریدانش قطع کند در صفر ۱۲۶۴ ق وی را از قلعه ی «ماکو» به قلعه ی «چهریق» در نزدیکی ارومیه منتقل کرد به دستور میرزا آغاسی وزیر محمد شاه او را به تبریز بردند پس از عجز او در اثبات ادعای خود، وی را چوب زدند و تنبیه کردند و او اظهار پشیمانی کرد و توبه نامه ای نوشت. پس از مرگ محمدشاه قاجار و بالاـ گرفتن فتنه ی بابیه، میرزا تقی خان امیرکبیر (صدراعظم ناصرالدین شاه) مسامحه در کار سیدعلی محمدباب را روا ندید و تصمیم گرفت او را در ملاء عام به قتل برساند و از این راه آتش شورش ها را فرو نشاند و برای این کار از برخی علما فتوا خواست. [بالاـخره] سیدعلی محمدباب به همراه یکی ا ز

پیروانش در بیست و هفتم شعبان ۱۲۶۶ ق در تبریز تیرباران شد. جزوه، فرقه شناسی، عزالدین رضا نژاد بخش یکم از ص ۱۴۳ به بعد.

شیراز بوده. پسر میرزا رضای بزّاز بود و در زمان ما جمله از مردم دیدیم از اهل شیراز که می گفتند ما خود و پدر او را دیده و شناخته و همسایه بودیم که خانه های ما و آنها در یک کوچه بود و می گفتند این سیّد علی محمد رفت در عتبات و گفتند در نزد حاجی سیّد کاظم رشتی که رئیس شیخیه بود و در کربلای معلّی ساکن بود درس می خواند به شیراز آمد . اول، کار او این بود که بعض عوام که در عقب سر او نماز می خواندند وادار کرد که در اذان و اقامه زیاد کنند اَشهدُ انّ علی محمدا بابُ اللّه.

پس همهمه در شیراز پیچیده. حاکم شیراز او را طلبید. بعد از مکالمه و دستگیر شدن اینکه هیچ چیز در چنته ندارد سوای ادّعا و حُبّ ریاست [حاکم] حکم کرد فرّاش چوب و فلک حاضر کرده چوب بسیاری به او زدند و تمام اهل شیراز به تماشا آمده می دیدند تا آنکه به آن حاکم گفتند: بس است. او را داری می کُشی. این بیچاره را گفت تا نگوید. غلط کردم رها نمی کنم او را مردم حالی کرده [فهماندند] او هم زیر چوب و فلک فریاد کرد: «غلط کردم». تا آنکه او را رها کردند او هم رفت اصفهان بعد از آن از طهران او را طلبیده فرستادند به تبریز نزد ناصرالدین شاه مرحوم و او ولیعهد بود در تبریز در مجالس متعدّده با او گفتگو کردند. دیدند نه اهل

سواد است و نه اهـل علم و کمـال و نه اهـل کرامت و معجره و نه اهـل عبـادت و دیـانت امّـا ریاست را بسـیار طالب و عزّت را راغب . در آنجا هم حکم شد پاهای او را در فلک گذاشـته چوب بسیاری به او زدند. بعد از آن او را مدتی حبس کردند. بعد از آن در مشق سربازی(۱) حکم شـد او را تیرباران کردنـد بعد از کشـته شدن، حکم شد که جَسَد او را دفن نکنند تا جَسَد او را جانوران از قبیل کلاغ و سگ و حیوانات درنـده خوردنـد. بعد از کشـته شدن او دو نفر از اهل مازنداران که برادر بودند میرزا یحیی و میرزا حسـینعلی در بغـداد آمـده این روش را به دست گرفته و الآن ریاست این فرقه را اولاد آنها دارنـد. نمی دانم این حدیث شریف(۲) که می فرمایـد: اگر امـامی از مـا یک روز در زمین نباشـد زمین اهلش را فرو می برد و هر آینه اهل زمین را خداوند عذاب می کند به اَشدّ عذاب، اولاد میرزا حسینعلی مازندرانی که از سلسله ائمّه نیستند. و سیّد هم نیستند اگر اینها امام روی زمین باشـند، پس بایـد الان به مقتضای نصّ روایت خلق روی زمین نابود شونـد و اگر بگوینـد که سـیّد علی محمـد امام بوده به تنهایی! و این اشخاص داعیان او بوده و هستند باز هم هکذا. به جهت اینکه او را کشتند و روی زمین از وجود او خالی مانـد [بایـد به اینهـا گفت] حیف است انسـانی که خداونـد عقل و شعور به او داده اینها را به کار نبرد و سـخنی بگویـد که به هیچوجه درست نیاید !

نشانه ها و اوصاف امام زمان علیه السلام

پیغمبر خدا صـلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمّه تا امام حسن عسکری علیهم السلام در روایاتی(۳) که از حدّ تواتر گذشته اوصاف امام عصر علیه السلام را

۱- ۱ . ظاهرا منظور آموزشگاه سربازان است.

۲- ۲ . نک: «اصول کافی» ج ۱، ۱۷۹، ح ۱۰.

۳- ۳ . نک: «ارشاد مفید»، ۳۲۶، «بحارالانوار» ج ۵۲ ، ۲۴۰ «فرائد السمطین» ج ۲، ۱۹.

که امام دوازدهم و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است و فرزند امام حسن عسکری است و نام او نام پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم یعنی محمد است و کنیه او ابوالقاسم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است و اینکه او الآن زنده است و امام حیّ راه رَونده و باقی در روی زمین و اوست کسی که ظهور خواهد کرد هر وقت که مشیّت خداوند تعلّق بگیرد و اذن بدهد به او بیرون می آید و سیصد و نه سال در روی زمین سلطنت می کند (۱). و جمیع ادیان و ملل(۲) را از روی زمین بر

۱- ۱ . در اینکه مدت حکومت سراسر عدل و جهانی حضرت مهدی علیه السلام چه مقدار است روایات زیادی چه از طریق شیعه و چه از طریق اهل سنّت رسیده است. در برخی از این روایات پنج سال، در برخی هفت سال و در بعضی از آنها مدت حکومت امام مهدی علیه السلام بیست سال ذکر گردیده است. در حدیثی مدت چهل سال برای حکومت حضرت نقل شده است. در خطبه البیان امام علی علیه السلام مدت هشتاد سال آمده است. ابی جارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که حضرت قائم علیه السلام مدت ۳۰۹ سال حکومت می کند چنان که اصحاب کهف مدت ۳۰۹ سال در غارشان ماندند. زمین را پر از عدالت می کند آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد. خداوند شرق و غرب جهان را برای او فتح می نماید». (غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۳) و... هر چند بسیاری از این روایات قابل جمع هستند و یا برخی از آنها بر دیگر روایات ترجیح دارند، ولی باید گفت حکومت امام مهدی علیه السلام را پیامبر و امامان معصوم علیهماالسلام بشارت داده اند و در این حکومت است که شرق و غرب عالم را توحید و خداپرستی فرا خواهد گرفت و همه مردم روی زمین موحد شده و زمین آباد خواهد شد. طبق این بشارت عظیم مدت حکومت آن بزرگوار به اراده الهی چون غیبت حضرتش آنچنان خواهد بود که این اهداف عالی تحقق یابد و انسان به تکامل برسد. حسن ختام این بحث حدیثی است از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خدای متعال شب معراج درباره آخرین وصیّ فرمود: «به یقین او را با سپاهیان خود یاری می کنم و فرشتگانم را به یاری او می فرستم تا دعوت مرا آشکار نماید و همه بندگان مرا بر توحید گرد آورده آن گاه سلطنتش را جاوید می سازم و روزگار را تا روز قیامت در دست دوستانم قرار می دهم. (بحارالانوار ج ۵۲، ۳۱۲)

۲- ۲ . وعده خداوند در قرآن این است که «دین حق» بر تمام ادیان پیروز خواهد گردید، اگر چه مشرکان ناخشنود از این کار باشند. تاکنون این وعده تحقق نیافته است؛ زیرا ادیان آسمانی تحریف شده و ادیان مجعول و باطل در روی زمین هنوز هم وجود دارد و از سوی دیگر وعده الهی هم تخلف ناپذیر است (انَّ اللّه لا یخلِف المیعاد) از روایات فراوان و معتبر اسلامی بر می آید که ظهور و غلبه کامل دین اسلام بر همه ادیان در عصر امام زمان علیه السلام خواهد بود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: لایبقی علی ظهر الارض بیت مَدَرٍ و ولا وَ بَرالا ادخله اللّه کلمه الاسلام امّا بعزٍ عزیز و امّا بذلٍ ذلیل امّا یُعزّهم فیجعَلَهُم من اهلها فَیعزوا به، و امّا یُذلُّهُم فَیدَینُون له، در روی زمین خانه ای باقی نمی ماند مگر اینکه خداوند آئین اسلام را در آن وارد می کندیا با عزّت و سربلندی یا با ذلت و خواری، یا این که اسلام را می پذیرند و خداوند آنها را سربلند می گرداند یا اینکه به ناچار در برابر اسلام سر تعظیم فرود می آورند». (تفسیر مجمع البیان ج ۵/۳۸)

می دارد الاّـ ملّت اسلام را و همه را یا مسلمان می کند یا می کُشد [در صورت عناد و مبارزه با حق] و تمام این اوصاف که ذکر شده و می شود در این امام ما نحن فیه [علی محمّد باب] بضّد و نقیض می بینیم مجلسی علیه الرحمه در بحار(۱) نقل می کند از شیخ صدوق که او روایت کرده در امالی خود و اکمال الدین و عیون از ابوحمزه ثمالی از امام سجّاد از پدرش از جدّش از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که فرموده یا علی علیه السلام ائمّه بعد از من دوازده نفر می باشند اوّلشان تو هستی و آخرشان قائم است که خداوند بر دست او فتح می کند مشرق و مغرب زمین را .

انوار الهی چهارده معصوم علیهم السلام

و در بحار(۲) نقل کرده از عیون و اکمال الّدین صدوق به سند متّصل

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، الباب الرابع و العشرون، ص ۲۸۲، حدیث ۳۵ . «منتخب الاثر»، ص ۵۸، الباب الرابع، حدیث دوم به نقل از کمال الدین.

۲- ۲ . «همان»، الباب الثالث و العشرون، ص ۲۵۲، حدیث ۲ . از جمله احادیث مسلم و صحیح نزد شیعیان و اهل سنّت احادیث دوازده خلیفه است که پیامبر صلی الله علیه و آله امامان بعد از خودش را یکی یکی نام برده و تعیین می کند جابربن سمره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «لایزال الاسلام عزیزا الی اثنی عشر خلیفه ثم قال کلمةً لم افهمها. قلت لابی ما قال؟ فقال: کلهم من قریش، اسلام همیشه عزیز است تا اینکه دوازده، خلیفه بر آنها حاکم گردد، آن گاه کلمه ای گفت که من نفهمیدم به پدرم گفتم پیامبر چه فرمود: گفت: همه آنها از قریش هستند. «موعودشناسی» ص ۳۱۵، به نقل از «صحیح مسلم»، ج ۶/۳.

به مفضّل بن عُمر از حضرت صادق علیه السلام از پدران خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود: وقتی که به معراج رفتم وحی از خداوند جلّ جلاله به من شد به اموری تا اینکه می گوید: سر بلند کردم دیدم انواری را نور علی علیهاالسلام نور فاطمه (س) نور حسن علیه السلام نور حسین علیه السلام نور علی بن الحسین علیه السلام نور محمدبن علی علیه السلام نور جعفر بن محمد علیهماالسلام نور موسی بن جعفر علیهماالسلام نور علی بن موسی علیهماالسلام نور محمد بن علی علیهماالسلام نور علی بن محمد علیه السلام نور حسن علیه السلام بن علی علیهماالسلام نور حجّه بن الحسن علیهماالسلام القائم و نور قائم در وَسَطِ آن انوار بود، مانند ستاره درخشنده. عرض کردم: «خداوندا اینها کیستند؟» فرمود اینها ائمّه هستند و این قائم کسی است که حلال می کند حلال مرا و حرام می کند حرام مرا و به او انتقام می کشم از اعداء خود و او راحت اولیاء من است و او کسی است که شفا می دهد قلوب شیعه تو را از آنچه ظالمین و جاحدین و کافرین کردند و از آنها تلافی می کند و لات و عُزّی را یعنی اوّلی و دوّمی را بیرون می آورد از قبر با بدن تر و تازه. پس می سوزاند آنها را و فتنه مردم در آن روز از این دو نفر شدیدتر است از فتنه گوساله و سامری که گوساله ساخت برای بنی اسرائیل.»

فتح مشرق و مغرب

باز در بحار(۱) روایت می کند به سند متصّل به ابن عبّاس که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نُهمی آنها بعد از علی علیه السلام و حسنین علیه السلام قائم اهل بیت من است و مهدی امّت من شبیه ترین مردم است به من. در شمائل و اقوال و افعال و

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه» ، الباب الرابع و العشرون، ص ۲۵۷، حدیث ۲ . نک «منتخب الاثر» ص ۸۱، الباب السابع ، حدیث ۱، به نقل از «کمال الدین» .

او ظاهر می شود بعد از غیبت طولانی و تحیّر مردم در گمراهی. پس بلند می کند امر خدا را و ظاهر می کند دین خدا را و مؤیّد است به نصرت خدایی و به ملائکه. خداوند او را نصرت می دهد. پس پُر می کند زمین را از عدالت و قِسْط بعد از آنکه زمین پر شده باشد از جور و ظلم. این اوصافی که در این روایت ذکر شده و فتح می کند مشرق و مغرب زمین را و حلال می کند حلال را و حرام می کند حرام مرا و اوّلی و دوّمی را از قبر بیرون می آورد با بدَنَ تر و تازه. بعد آنها را می سوزاند. ظاهر می کند دین خدا را و بلند می کند امر خدا را و به ملائکه خداوند او را یاری می دهد و زمین را پر از عدالت می کند. این شخصی که یک دفعه حاکم شیراز او را فلک کرده اینقدر زدند که زیر فلک فریاد کرد: «غلط کردم.» همان است که ملائکه به امر خداوند او را باید لشکر باشند و او را یاری کنند. بعد از آن او را در تبریز دفعه دیگر فلک کردند و چوب زدند و او را کشتند و جسد او را دفن نکرده و به خورد جانوران دادند. پس کو مشرق و مغرب زمین را گرفتن و دین خدا را بالا بردن! و تمام خلق را به دین اسلام داخل کردن و روی زمین را از عدالت پُر کردن؟ پناه می بریم به خدا از کوری دل که آدمی به چنین پایه برسد که محسوسات را انکار کند.

عصای موسی و خاتم سلیمان

در بحار(1) نقل کرده از کمال الدین صدوق علیه الرحمه به سند خود از

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، الباب الخامس و العشرون، ص ۳۷۶، حدیث ۷ . «منتخب الاثر»، الباب السابع عشر، ص ۲۲۱ ، حدیث ۲ به نقل از «کمال الدین» . حسین بن خالد می گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: و من القائم منکم اهل البیت؟ قال: الرابع من ولدی ابن سیده الاماّ، یطهراللّه به الارض من کل جور، و یقدسها من کل ظلم، و هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبه قبل خروجه»؛ [سؤال شد] قائم از شما اهلبیت کیست؟ حضرت فرمود: چهارمین از فرزندانم، فرزند بهترین زنان، خداوند به وسیله اوزمین را از هرگونه ظلم و جور پاک و مقدس خواهد کرد و او همان است که مردم در ولادتش شک کنند واو قبل از خروجش غیبت خواهد داشت... «بحارالانوار» ج ۵۲، ۳۲۱، و «فرائد السمطین» ج ۲، ۳۳۷.

ریّان بن الصّلت می گوید: عرض کردم به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام : «توئی صاحب این امر؟» فرمود: منم صاحب این امر، ولکن من نیستم آن کسی که زمین را پر از عدل می کند بعد از آنکه از جور پر شده. و چگونه آن کس باشم و حال آنکه ضعف بدن مرا می بینی و قائم آن کسی است که زمانی که خروج بکند می باشد در سنّ شیوخ و پیرمردها(۱) و منظر او دیده می شود مثل منظر جوانان . قوّتی است در بدن او. حتّی اینکه هر گاه دست خود را دراز کند به سوی درختی که از او بزرگتر و عظیمتر در روی زمین نباشد او را به دست خود از ریشه قلع می کند و هر گاه صدا کند در کوهها هر آینه سنگهای او ریخته می شوند و پاشیده می شوند . با اوست عصای موسی و خاتم سلیمان و آن چهارمین از اولاد من است. غایب می کند خداوند او را در ستر خود و پرده خود آن مقدار که مشیّت او تعلّق گرفته. بعد از آن ظاهر می کند او را. پس پر می کند زمین را از عدل و قسط، همچنان که پر شده باشد از ظلم و جور . و باز در بحار(۲) نقل کرده از اکمال

۱- ۱ . طبق روایات امام مهدی علیه السلام در حالی ظهور و قیام می کند که دارای ظاهر و منظر جوان است و سن مبارک حضرت چهل سال را نشان می دهد. رسولخدا صلی الله علیه و آله فرمود: (مهدی از اولاد من است و با سن چهل سال ظهور می کند» «الفصول المهمه» ابن صباغ مالکی / ۲۱۷) در حدیثی دیگر شیخ صدوق به سند خودش نقل می کند از اباصلت هروی که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «قائم شما هنگام خروج چه علامتی دارد؟» حضرت فرمود: «علامت او این است که او از حیث سنّ پیر، است ولی در ظاهر جوان نشان داده می شود، به حدی که هرگاه کسی به او نظر می افکند گمان می کند که او سی ساله یا کمتر است و از جمله علامات او آن است که به مرور ایام و شب ها پیر نمی شود تا آنکه مرگ او فرا رسد». (کمال الدین، ۶۵۲، حدیث ۱۲.

۲- ۲ . «کمال الدین و تمام النعمه» الباب الخامس و العشرون، ص ۳۷۰ حدیث ۵ . بحارالانوار ج ۵۲/۳۲۱ / حدیث ۲۹. «منتخب الاثر» الباب السابع عشر ، ص ۲۲۰ ، حدیث ۱، به نقل از «کفایه الاثر» .

الّدین صدوق علیه الرحمه که او روایت کرده به سند خود از حسین بن خالد که می گوید حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: دین ندارد آن کسی که ورع و پرهیزگاری از محرّمات الهی ندارد و ایمان ندارد آن کسی که تقیّه را ترک کند. بدرستی که گرامی ترین شما نزد خداوند عزّوجلّ عمل کننده ترین شماست به تقیّه پیش از خروج قائم ما. پس کسی که ترک تقیّه کند پیش از خروج قائم ما. پس او نیست از ما پس کسی عرض کرد به او: «یابن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم کیست آن کس که قائم شما اهل البیت است.» فرمود: چهارمی از اولاد من است. فرزند سیّده کنیزان. پاک می کند خداوند به وجود او زمین را از هر گونه جور، و مقدّس می کند او را از هر گونه ظلم، و او آن کسی است که مردم شک می کنند در ولادتش و اوست صاحب غیبت پیش از خروجش. پس هر گاه خروج کرد زمین از نور پروردگار روشن خواهد شد و میزان و ترازوی عدالت در میان مردم نهاده می شود. پس احدی به احدی ظلم نتواند بکند و او کسی است که زمین برای او پیچیده می شود و طی الارض را دارا می شود و از برای آن جناب سایه نیست و او آن کسی است که منادی از آسمان ندا می کند به اسم او و می شنود آن ندا را جمیع اهل زمین که تمام خلق را می خواند آن منادی که به خدمت او بروند و می گوید: اَلا انَّ حجّه اللّه ِقَد ظَهَرَ عِندَ بَیْتِ اللّه فَاتّبِعُوهُ فِانَّ الحَقَ مَعَهُ و این معنی قول خداوند تعالی است « إِن نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِم مِنَ السَّماءِ آیَهً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِینَ »(۱) ای کسی که چشمت به این احادیث بیفتد،

۱- ۱ . شعراء، ۴ . « ای پیامبر غمگین مباش » اگر ما بخواهیم از آسمان مشیّت و نشانه و آیت قهری نازل گردانیم که همه به اجبار زیر بار ایمان بروند (می توانیم لکن قصد اینست که انسانها به اختیار ایمان آورند) .

انصاف بـده و گزاف گویی را کنار بگـذار الآن در زمان ما خلقی را دیـده و می بینیم که جمعی همسایه بوده انـد با پدر سیّد علی محمد باب و جمعی خویشاوندی هم دارند با او و خبر می دهند که سیّد علی محمد پسر میرزا رضای بزّاز شیرازی نه مادر او کنیز بوده که امام علیه السلام در این روایت فرموده فرزند سیّده کنیزان است و ایضا امام رضا علیه السلام فرموده چهارمی اولاد من است.(۱) پسر میرزا رضای بزّاز که تقریبا هزار سال بعد از عصر حضرت امام رضا علیه السلام متولد شده چگونه اولاد چهارمی آن امام می شود؟ و این اوصافی که در این اخبار شریفه وارد شده کدام یک منطبق است با این سیّد علی محمد ! اوّل طی الارض دارد که در یک چشم به هم زدن از ایران به مکّه برود و از مکّه به هندوستان مانند تخت بلقیس که خداوند در قرآن مجید(۲) نقل فرموده یک چشم به هم زدن آصف بن برخیا به جهت حضرت سلیمان از یمن به شام حاضر کرد. دوّم سایه نداشتن که حضرت قائم علیه السلام در آفتاب که بایستد سایه ندارد. و سوّم قوّه بدن او که هر گاه دست دراز کند درختان بلند کُلفت را از ریشه می کَند و هر گاه صدا در کوهها بلند کند تمام سنگهای بزرگ کوهها در هم ریخته شوند و پاشیده گردند. آسمان و زمین و تمام خلقی که سیّد علی محمد باب را دیده اند شهادت می دهند که او هیچ یک از این اوصاف را نداشت و نه ادّعا کرد که دارم و اگر اینگونه فضایل و کرامات را می داشت نه حاکم شیراز را جرأت این بود که پای او را در فلک بگذارد و اینقدر چوب کف پایش

۱- ۱ . «بحارالانوار» ج ۵۲، ۳۲۱.

۲- ۲ . نحل : ۴۰ . « و آن کس که به علم الهی دانا بود (جانشین حضرت سلیمان آصف بن برخیا) واسم اعظم و علم غیب خدای متعال به او داد گفت من پیش از آنکه چشم بهم بزنی تخت بلقیس را به اینجا می آورم) .

بزند تا آنکه زیر فلک فریاد کند: «غلط کردم.» و نه حاکم تبریز را [این جرأت بود].

چهارم ترازوی عـدالت [وسـیله او] میان مردم نهاده شود و کسـی به کسـی ظلم نتوانـد بکنـد. زمین الآن پر است از ظلم ظلّام و جور حکّام به قسمی که مافوقی تصوّر ندارد و سیّد علی محمد آمد و کشته شد و ظلمها هست.

پنجم ندا از آسمان بیاید که تمام خلق روی زمین آن را بشنوند که حجّت خدا ظاهر شده در مکّه بروید و او را متابعت بکنید.

ششم اینکه فرمود با اوست عصای موسی و انگشتر سلیمان علیه السلام (۱). و در چند روایت دیگر نیز تصـریح به همین شده؛ من جمله روایتی که در بحار(۲) نقل کرده از بصائر الدّرجات به سـند خود از محّمد بن الفیض از حضرت امام محّمد باقر علیه السـلام که فرمود: عصای موسی علیه السـلام از حضـرت آدم علیه السـلام بود. به حضـرت شعیب علیه السلام رسید بعد از آن بحضـرت موسی علیه السلام رسید و آن عصا در نزد ماست. چندی قبل او را نگاه می کردم. سبز و خرم مثل آنکه الآن تازه از درخت بریده اند و هر که با او تکلّم کند او هم تکلّم می کند و او مُعّد [آماده [است از برای قائم ما علیه السلام . تا اینکه برای حضـرت قائم بکند آنچه را برای حضـرت موسی می کرد و او مُروّع است یعنی هر که او را ببیند می ترسد از او و می بلعد هر چه را دشـمن انگاشته کرده برای حرب و هر چه به آن عصا امر شود می کند و چنانست وقتی که می بلعد از برای او هست دو لب که مابین آن دو لب اژدها چهل ذراع است. هر چه را که می بلعد دهن باز می کند و با زبان خود آنها را می کشد به دهن خود و

۱- ۱ . «غیبت نعمانی»، ۲۳۸، حدیث ۲۸.

۲- ۲ . «اصول کافی» ج ۱، ۲۳۱، حدیث یک، و «کمال الدین و تمام النعمه» ج ۲، ص ۶۷۳ .

بلع می نمایـد و از آن جمله روایـتی که در کتـاب غیبت نعمـانی(۱) روایت می کنـد به سـند خود از عبـداللّه بن سـنان که می گوید: شـنیدم از حضـرت صادق آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود: عصای موسی علیه السلام از چوب آس است. از درختهای بهشت که جبرئیل آورد آن را زمانی که حضـرت موسـی بن عمران به سـمت مدین می رفت و آن عصای موسـی علیه السـلام و تابوت آدم علیه السـلام در بحیره طبریّه مخزوننـد و پوسـیده نمی شوند و تغییر بر آنها راه ندارد تا زمانی که قائم علیه السـلام آنهـا را بیرون آورد وقت خروج، و از آن جمله روایتی که بـاز در کتـاب غیبت نعمانی(۲) روایت می کند به سـند خود از ابی الجارود از حضـرت امام محّمد باقر علیه السـلام که فرمود: هرگاه ظهور کند حضرت قائم علیه السلام با اوست علم حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله وسـلم و خاتم حضـرت سـلیمان علی نبیّنا و آله و علیه السـلام و حَجَر حضـرت موسی علیه السـلام که خداوند در قرآن مجید فرموده « اضْـرِبْ بِعَصَاکَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَهَ عَیْناً قَدْ عَلِمَ کُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ کُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّه ِ »(۳) و با اوست عصای حضرت موسی علیه السلام و چون بیرون آید بجهت سفر منادی او ندا کند کسی زاد و توشه و طعام و آب بر ندارد ، همراه خود و علف از برای چهارپایان خود بر ندارد. پس اصـحاب او گویند می خواهد ما را بُکشد از گرسنگی و تشنگی و بُکشد چهارپایان ما را! پس اوّل منزلی که فرود آیند همان سنگ حضرت موسی علیه السلام را نصب کند و آن را بزند با عصا. پس از او بیرون آید طعام به جهت خوردن و آب به جهت آشامیدن و علف به جهت

۱- ۱ . «غیبت نعمانی» ص ۳۴۳، باب ۱۳، نک «بحارالانوار» ج ۱۳، ص ۶۰ .

۲- ۲ . «همان» باب ۱۳، ص ۴ و ۳۴۳ .

۳- ۳ . بقره : ۶۰ . « دستور دادیم به موسی » که عصای خود را بر سنگ بزن پس دوازده چشمه آب از آن سنگ بیرون آمد و هر سبطی از (اسباط دوازده گانه) را آبْخوری معلوم گردید و گفتیم از آنچه خدا روزی شما ساخته بخورید و بیاشامید » .

چهارپایان پس همگی می خورند و می آشامند تا اینکه وارد شوند به نجف در ظهر کوفه.

مواجهه حضرت موسی و فرعون

و از روایت عبداللّه بن سنان مستفاد می شود که بحیره طبریّه یکی از خزائن ائمّه علیهم السلام می باشد که بعض مخزونات آنها در آنجا می باشد و در بحار از علل الشّرایع صدوق(۱) روایت نقل کرده که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از جبرئیل پرسید از مکان بلاد قوم لوط. عرض کرد: محلّ آن بلاد در مکان بحیره طبریّه الیوم است در نواحی شام. و در باب عصای موسی علیه السلام روایت می کند علی بن ابراهیم قّمی علیه الرحمه در تفسیر خود(۲) در سوره شعراء از پدرش ابراهیم از حسن بن علی بن فضال از ابان ابن عثمان از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: وقتی که خداوند تعالی فرستاد حضرت موسی علیه السلام را به سوی فرعون، آمد به دَرِ عمارت او و اذن خواست. کسی اذن به او نمی داد و اعتنا نمی کرد. پس او عصا را زد به درِ اوّل. پس تمام درها که در آن عمارت بود همه خوردند به دیوار و باز شدند. پس داخل شد بر فرعون و او را خبر داد که پیغمبر رَبّ العالمین هستم به سوی تو. بعد از مکالماتی چند که در قرآن مسطورند فرعون گفت : « لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلهاً غَيْرِی لَأَجْعَلَنَّکَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ »(۳) یعنی چنانچه خدایی غیر از من بگیری و ستایش کنی تو را به زندان می کنم. موسی گفت : « أَوَلَوْ جِئْتُکَ بِشَیْءٍ مُبِينٍ »(۴) یعنی با من معجزه و بیّنه هست از خداوند تعالی فرعون

۱- ۱ . «بحارالانوار»، ج ۱۲، ص ۱۵۳، بخش پایانی حدیث .

۲- ۲ . «تفسیر علی ابن ابراهیم قمی»، ج ۲، ص ۱۱۸ .

۳- ۳ . شعراء ، ۲۹ .

۴- ۴ . همان ۳۰ ، « حضرت موسی علیه السلام با ملایمت پاسخ داد اگر حجت و معجزه ای بر صدق دعوی خود بیاوریم . (باز هم مرا زندانی می کنی) » .

گفت : « فَأْتِ بِهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ »(۱) یعنی بیاور آن را اگر تو راستگو هستی .

پس عصا را انـداخت ، یک اژدهای عظیمی شـد. پس تمام اهل مجلس فرعون، فرار کردنـد و این قدر ترس و خوف فرعون را گرفت که مالك نفس خود نبود. پس فریاد کرد: ای موسـی تو را قسم می دهم به خداونـد و به حق شـیر خوارگی که ما تو را بزرگ کردیم، این اژدها را از من دور نگاهـدار. پس حضـرت موسـی علیه السـلام او را مانع شد . پس از آن دست خود را از گریبان بیرون آورد مانند نور آفتاب. پس چون حضرت موسی علیه السلام عصار را گرفت و فرعون به حال خود آمد خواست به او ایمـان آورد و تصـدیق او کنـد. هامـان وزیر او برخـاست و گفت: «در حـالی که تو خداونـد مردم بودی و عبـادت تو می کردنـد می خواهی تبعیت کنی از برای بنـده ؟» پس مشورت کردنـد و آخر مشورت بر این شد که این موسـی شخصـی است ساحر. باید ساحرانی بیاوریم تا با او مقابله کنیم و بر او غالب شویم. پس فرستادند به اطراف و هزار ساحر جمع کردند و از آن هزار ساحر صد نفر انتخاب کردند که اسـتادتر بودند در فن سحر. و از آن صد نفر، هشتاد نفر انتخاب کردند که استادتر بودند در فن سـحر و قرار را گذاشـتند روز عیـد که تمام خلق بیکارنـد و همه مردم جمع شونـد به جهت این امر. و چون آن روز عید شد و آفتاب روز بالا آمد و فرعون تمام خلق و ساحران را جمع کرد و از برای فرعون بود در آن عمارات قبه ای که طولش در بلندی هشتاد ذارع بود و آن را از بیرون پوشانیده بود به فولاد و آهن و این قدر صیقلی به او داده بودند که چون آفتاب روز به او می زد کسی نمی توانست به او نگاه

۱- ۱ . همان ، ۳۱ .

کند از کثرت تابش آن و نوری که از آفتاب بر آن حادث می شد و فرعون و هامان هر دو در آن قبه نشسته بودند که تماشای کار سحره و کار موسی بکنند. پس ساحران انداختند بند بسیار و چوبهای بلند و کلفت بسیار و به سحر آنها همگی در آن میدان به حرکت افتادند مانند مارها که مردم می دیدند و به هیجان آمدند آن مارها که تمام مردم از دیدن آنها می ترسیدند. پس امر شد به موسی علیه السلام که: «عصا را بینداز!» پس انداخت . اول عصا مانند سرب آب شد و فرو رفت به زمین بعد از آن سر بر آورد و دهن باز کرد. اژدهای عظیمی شد که کس ندیده و نشنیده و لب بالای خود را گذاشت بر آن اعلای قبه که فرعون نشسته بود و خود یک چرخ خورد و لب پائین خود را دراز کرد و هر چه آن سحره انجام داده بودند و نشان می دادند از آن مارها همه را بیک مرتبه بلعید و فرو برد و تمام خلق از دیدن اژدها وحشت کرده فرار نمودند و هزار نفر زن و مرد و بچه به زیر دست و پای فراریان کشته شدند و فرعون و هامان را چنان ترس گرفت که خود را آلوده کردند و موی سر آنها سفید شد و غش کردند از ترس و وحشت. و در ضمن همین روایت است که می گوید فرعون بنی اسرائیل را رها کرد و موسی علیه السلام آنها را برداشت به سمت دریا روانه شد. فرعون از عقب او آمد در حالیکه اول ششصد هزار لشکری پیش فرستاد و بعد از آن خودش با هزار هزار لشکر از عقب بیرون آمد. پس مجموع لشکر او شد سه کُرور و صد هزار کس و خداوند تعالی به دریا به یک آنِ واحد آنها را هلاک کرد و از اژدهای حضرت موسی علیه السلام که عصای دست او بود همه خائف بودند و چاره او را نمی توانستند بکنند. چون که شنیده بود که پیغمبری از بنی اسرائیل ظاهر می شود و دولت او را منقرض می کند. لذا آنها را به کارهای شاقّ واداشته بود و از ترس او بود که فرعون ناچار شد بنی اسرائیل را رها کرد .

قدرتهای پوشالی قدرتها

پس ای احمق جاهلی که می نشینی و مجلس می کنی و با جمعی از امثال خود گفتگو می کنی و به خرج آنها می دهی که امام عصر علیه السلام اگر راست باشد و می آید و تمام روی زمین را از کفار پاک می کند و همه را می کُشد، چگونه این آلات حربی که الیوم سلاطین فرنگ تعبیه(۱) کرده و مهیّا دارند از بالون آسمانی و اتومبیل جنگی و توپهای شصت تیره و تفنگهای پنج تیره و ده تیره چگونه می تواند اینها را دفع کند و شکست دهد و غلبه کند برایشان(۲). پس ای بی مبالات در دین اگر امام عصر علیه السلام

۱- ۱ . تعبیه : آماده کردن ، مهیا شدن ، در باره آماده نمودن نیروهای نظامی به کار برده می شود .

۲- ۲ . مطابق احادیث حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام با غلبه بر همه حکومتها و قدرتها خواهد بود امّا اینکه این سیطره از چه راهی است و چگونه تحلیل های گوناگونی ارائه شده است عده ای قائلند این تسلط و پیروزی به قدرت و اعجاز الاهی می باشد. عده ای قائلند که امام با یاران خود بر مراکز مهم تصمیم گیری تسلط می یابند و با از کار انداختن وسایل جنگی مخرب و عظیم آنها را به تسلیم وا می دارند. تحلیل دیگر اینکه پیروزی عمده امام زمان علیه السلام و سیطره آن حضرت بر جهان از راه اقبال مردمی به سوی ایشان است و دیگر از راه ترس و رعبی است که خداوند در قلوب مخالفان و ظالمان قرار می دهد تا تمام تسلیحات خود را بر زمین گذارده یا تسلیم شوند. خصوصا آنکه در ابتدای ظهور، وقتی مقداری از معجزات حضرت را مشاهده کردند می فهمند که امر او الاهی است و نمی توان با آن مقابله کرد. دیگر اینکه از کجا معلوم که درزمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام این اسلحه خطرناک در اختیار بشر باقی مانده باشد؛ زیرا ممکن است در اثر حوادث و آشوب ها و جنگ های جهانی [و منطقه ای] که پیش از ظهور آن حضرت اتفاق می افتد این اسلحه ها نابود شود. نکته مهم دیگر اینکه جنگ ها و کشتارهای بی رحمانه، نتیجه جهل و ضلالت و بی خردی بشر است. به عبارتی دیگر دوری بشر از هدایت الاهی و حجت خدا او را به سوی کارهای بی رحمانه و ظالمان سوق می دهد. حال اگر در عصر ظهور، عقل مردم کامل شود، بر فرض هم که سلاح های خطرناک در اختیار داشته باشد [بر علیه دیگران] به کار نخواهد گرفت... (موعودشناسی ص ۵۶۸، با تغییر و اضافات)

چنان است که عصای موسی علیه السلام را دارد که هر چه را امر کند او را به بلعیدن او چه لشکریان باشند یا آلات حرب آنها هر چه هست. و هر قدر هست خواهد بلعید و قدرت او را دارا هست پس این کلمات تو همه به هدر رفت. بلکه زمین مأمور بامر آن جناب است که هر چه بگوید اطاعت کند. چنانچه سیصد هزار لشکر سفیانی را که در دو فرسخی شهر مدینه طیبه زمین بیداءِ امر می شود به فرو بردن و در آنِ واحد آنها را زمین فرو می برد اگر از آن مصدری که خبر داده اند به آمدن حضرت قائم تو اقرار داری به آن مصدر، پس نگاه کن بأخبارات آنها که آمدنِ او به این کیفیّات است و با این کیفیّات اژدهای حضرت موسی لشکریانی برای تو نمی گذارد زنده بمانند تا اینکه توپ شصت تیره برای تو رها کنند. یا بالُون آسمانی را ببرند به آسمان. و اگر منکر اصل آن مصدر هستی پس بگو من یکسره منکر اصل دین خاتم انبیاء هستم. چون که اخبار آمدن حضرت قائم و کیفیات آمدن آن حضرت از پیغمبر گرفته تا یگان یگان از این دوازده امام علیهم السلام وارد شده و منحصر به یکی و دو تا از این بزرگواران نیست. پس باید بگویی که من منکر اصل پیغمبری پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامت این دوازده امام هستم، نه خصوص اینکه امام غائب که بیاید چگونه تواند با این گروه فرنگیها نزاع و جدال کند. این یک کیفیت از کیفیّات دارایی امام قائم است که خبر داده اند با او هست. کیفیّت دوم روایات وارده در ابر صعب و ذَلُول است.

غیبت ذوالقرنین

در بحار روایت کرده از اکمال الدین صدوق علیه الرحمه(۱) که او روایت

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، الباب الثامن و الثلاثون، ص ۳۹۴ . «بحارالانوار»، ج ۱۲ ، ص ۱۹۴ ، برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون زندگانی عبد صالح خدا حضرت ذی القرنین علیه السلام به کتبی که پیرامون انبیاء الاهی نگاشته شده است مراجعه شود. بحث های روائی پیرامون زندگانی ایشان در «بحارالانوار» ج ۱۲، آورده شده است .

کرده به سند خود از جابربن عبداللّه انصاری که می گوید: شنیدم از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود: به درستی که ذوالقرنین بود بنده صالحی خداوند او را حجّت قرار داد بر بندگانش. پس خواند مردم را بتوحید خداوند و امر کرد ایشانرا به تقوی و پرهیزگاری پس او را زدند ضربتی بر شاخ سر او. پس او غایب شد از میان آنها زمانی. حتی اینکه گفته شد که او مرده یا هلاک شده و بکدام وادی و صحرا رفته و افتاده. بعد از آن برگشت به سوی آن قوم دوباره او را زدند ضربتی به شاخ دیگر سر او و در میان شما هست کسی که مانند او است و بعد از آن خداوند تعالی قوّت و مکنت داد او را در زمین و داد به او از هر چیزی سببی چنانکه خداوند تعالی در قرآن مجید فرموده :« إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَباً »(۱) یعنی او را تسلّط و تمکّن در زمین دادیم و از هر چیزی که اراده داشت برای او بشود و توجه به سوی او داشت سببی و راهی قرار داده بودیم برای او ، از علم به آن و قدرت بر آن و آلات کار آن مقصود و مراد آن که به آسانی آن امر را به دست می آورد. بعد از آن جناب سول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: پس رسید سلطنت او به مشرق و مغرب زمین به درستیکه خداوند تعالی جاری خواهد کرد سنّت او را در قائم از اولاد من و می رساند او را به مشرق و مغرب زمین تا اینکه نمی ماند مکانی از سهل و جبل دنیا که ذوالقرنین به او رسید و پا گذاشت، الا آنکه قائم علیه السلام به آنجا خواهد رفت و برسد. و ظاهر خواهد کرد خداوند تعالی برای او گنجهای زمین و معادن زمین را(۲) و نصرت می دهد او را به رعب و ترس که دلهای

۱- ۱ . کهف، ۸۴ .

۲- ۲ . از جمله امتیازات حکومت عدل گستر امام مهدی علیه السلام این است که گنجهای نهفته در درون زمین در اختیار حضرت قرار خواهد گرفت. در این باره روایات زیادی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّه هدی علیهماالسلام وارد شده است. نک: «ارشاد مفید» ۳۶۴، «بحارالانوار» ج ۵۱، ۸۰ و ج ۵۲، ۲۸۰، «منتخب الاثر» فصل ۲/ باب ۱ ص ۱۶۸ و...

دشـمنان او را پر می کند از خوف . او پر خواهد کرد زمین را از عدالت همچنان که پر شده از ظلم و جور. در بحار نقل کرده از کتاب بصائر الـدّرجات(۱) که او به سـند خود روایت کرده از ابی خالـد از سوره از جنـاب امـام محمـد باقر علیه السـلام که فرمود: «خداوند تعالی مخیّر کرد ذوالقرنین را میان دو ابر که مسخّر او باشد ابر صعب و ابر ذلول. پس اختیار کرد ابر ذلول را و ذخیره کرد خداوند ابر صـعب را از برای امام شـما. «راوی عرض کرد: «ابر صـعب کدام است ؟» فرمود: ابری است که در میان اوست رعد و برق و صاعقه. پس امام شما سوار آن می شود و می رود به اسباب آسمانهای هفتگانه و اسباب هفتگانه زمین که پنـج زمین از آنهـا معموره می باشـد و دو زمین خراب است و مقصود از اسـباب سـماوات و ارضـین طرق آنهـا و راه توصل به آنهاست.

و باز در بحار نقل کرده از اختصاص شـیخ مفیـد علیه الرحمه(۲) که او روایت کرده به سـند خـود از ابی یحیی که می گویـد: حضـرت صادق علیه السـلام فرمود: به درستی که خداوند تعالی مخیّر کرد ذوالقرنین را میان دو ابر صـعب و ذلول. پس اختیار کرد ابر ذلـول را و آن ابری ست که در او رعـد و برق نیست و اگر ذوالقرنین اختیـار می کرد ابر صـعب را، نبود از برای او که طلب کند به جهت اینکه خداوند تعالی ابر صعب را ذخیره کرده از برای حضرت قائم علیه السلام .

۱- ۱ . «بحارالانوار»، ج ۱۲، ص ۱۸۲ . «اختصاص»، ص ۱۹۴. «بصائرالدرجات»، ص ۴۰۸ .
۲- ۲ . «بحارالانوار»، ج ۱۲، ص ۱۸۳ .

با نور بر ساق عرش نوشته اند

باز صدوق علیه الرّحمه در کتاب عیون اخبار(۱) و در کتاب علل الشّرایع خود روایت کرده به سند خود از ابوالصّلت هِرَوی که می گوید حضرت رضا علیه السلام نقل فرمود از آبای کرامش از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود: وقتی که مرا به معراج بُردند ندا شدم: «یا محمد.» گفتم: لَبیکَ رَبّی وَ سَعدیکَ تَبارکتَ وَ تَعالَیْتَ پس ندا شدم: یا محمد، تو بنده من هستی و من پروردگار تو. پس مرا عبادت کن و بر من توکل کن. به درستی که تو نور منی بر بریّه(۲) من و از برای تو و از برای کسی که متابعت کند تو را خلق کرده ام بهشت خودم را و از برای کسی که مخالفت تو کند خلق کرده ام آتشم را و از برای اوصیای تو واجب کرده ام کرامت خود را و از برای شیعه آنها واجب کرده ام ثواب خود را. پس گفتم: «یا رَبّ کیستند اوصیای من ؟» پس ندا شدم: یا محمّد صلی الله علیه و آله وسلم اوصیای تو آنهایند که نوشته شده اند بر ساق عرشم. پس نگاه کردم. در حالی که در پیش روی پروردگار خود جلّ جَلاله بودم به ساق عرش. پس دیدم دوازده نور در هر نوری سطر سبزی که بر او اسم وصیّی از اوصیاء من بود. اوّل ایشان علیّ بن ابیطالب علیه السلام و آخر ایشان مهدی امت من است. پس گفتم: «یا رَبّ اینها اوصیای من اند بعد از من؟ «پس ندا شدم»: یا محمد صلی الله علیه و آله وسلم اینها اولیای من اند و اَحبّا من اند و اصفیای من اند و حجج من اند، بعد از تو بر بریّه من و اینها اوصیای تو هستند و خلفای تو هستند و بهترین خلق من اند بعد از تو. قسم به عزّت و جلال خودم هر آینه البته ظاهر می کنم دین خودم را

۱- ۱ . «عیون اخبار الرضا»، ج ۱، ص ۲۶۲ و ۱۶۴؛ «بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۱۲ .

۲- ۲ . مردم، مردمان.

بایشـان و بلنـد می کنم به ایشـان کلمه خود را و هر آینه البته پاک می کنم زمین را به آخر ایشان از دشـمنان و البته مالک می کنم او را مشـارق زمین و مغارب او را و مسـخّر می کنم از برای او بادها را و البتّه ذلیل خواهم کرد برای او ابرهای صـعب را و البته او را بالا می برم در اسـباب آسمان و زمین و البته او را یاری می کنم به لشکر خود و او را مدد می دهم به ملائکه خود. تا آنکـه آشـکار کنـد دعـوت مرا و تمـام خلـق را جمـع کنـد بر توحیـد مـن. بعـد از آن ملـک او را دائمی می کنم و ایّام مُلک [پادشاهی و سلطنت] و پادشاهی را دست به دست می دهم میان اولیای من تا روز قیامت .

سربازانی از جنس برق و باد

در این روایات بیان شده که ابر صعب مسخّر آن جناب است که بر او سوار شود به هفت آسمان و هفت زمین و اسباب و طرق آنها برود و برسـد و رعـد و برق و صاعقه و به امر آن جناب است که اگر بگوید برق بلدی را یا صـفحه ای را بسوزاند اطاعت کنـد. می گوینـد برق وقتی که می زند به دریای محیط بهمان یک لمحه(۱) که می زنـد ماهی از قعر دریاماننـد زغال بالا می آید و صاعقه عبارت از صـیحه آسـمانی است که قوم ثمود را خداوند به صاعقه هلاک کرد که به یک صیحه زهره تمام خلق آن مملکت ترکیـد و همه مُردنـد. می فرماید خداوند تعالی ذلیل خواهم کرد برای او ابرهای صـعب را معنی او همین است که هر گاه امر کنـد بلـدی یا صـفحه ای را به برق یا به صاعقه نابود بکنـد اطاعت کند و خداوند می فرماید امداد می کنم او را به ملائـکه خودم. گویـا احمق نادان خیال کرده که ملائکه با توپ و تفنگ و شمشـیر جنگ می کننـد که می گویـد با این آلات حرب الیوم فرنگیها چگونه می تواند بجنگند. جنگ ملائکه این

۱- ۱ . یک چشم هم زدن.

است که جبرئیل می گوید چهار شهر قوم لوط که هر شهری چهار صد هزار مرد جنگی در آنها بود سوای پیرمردها و زنها و اطفال ببال خود از ریشه کندم تا به نزدیک آسمانها بردم بعد از آن آنها را به عمارات و بنیان و خلق سرازیر کردم. روایت فوق در تفسیر صافی(۱) در سوره اِذَا الشَّمسُ کُوِّرَتْ [تکویر] در تفسیر آیه « ذِی قُوَّهٍ عِندَ ذِی الْعَرْشِ مَکِینٍ »(۲) مذکور است و جَعَلْنا عالِیَها سافِلَها که در قرآن مجید است معنی آیه همین است. و خداوند تعالی که فرموده و مسخّر می کنم برای او بادها را در جنگ بدر که دشمن هزار سوار جنگی و شجاع بودند و با اسلحه تمام و استعداد مقابل سیصد و سیزده نفر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودند و محلّ خلاف است میان اصحاب اخبار ، و تاریخ که این سیصد و سیزده نفر همه ایشان حربه مثل یک دانه شمشیر یا یکدانه نیزه داشتند یا نداشتند. بعضی نقل کرده اند که همه نداشتند که بعض اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم جریده خرما و چوب خرمایی حربه ایشان بود و بعضی گفته اند که همه حربه داشتند. یک مشت سنگریزه زمین را جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم برداشت و انداخت به سمت دشمن. خداوند بادهای سخت را امر کرد آن ریگها را با سایر ریگهای زمین چنان زد به صورت و چشمهای لشکر مقابل که هر کسی از آنها مشغول شد به مالیدن چشم خود و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم مشغول شدند بکُشتن آنها تا شکست خوردند. و این است قول خداوند :« وَمَا رَمَیْتَ إِذْ رَمَیْتَ وَلکِنَّ اللّه َ رَمَی »(۳) و در جنگ خندق که عرب و قریش به

۱- ۱ . «تفسیر صافی»، ج ۲، ص ۷۹۲ .

۲- ۲ . تکویر، ۲۰ . « (که فرشته وحی) صاحب قوّت و قدرت است و نزد خدای مقتدر صاحب عرش با جا ه و منزلت می باشد » .

۳- ۳ . انفال ۱۷ . « (ای رسول) چون تو تیر افکندی نه تو بلکه خدا افکند . (شکست کافران و قتل ایشان از ناحیه خدا بود) .

مقدار ده هزار سواره و پیاده دور مدینه را گرفتند و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به هزار نفر نمی رسیدند در یک روایت هفتصد نفر و در روایت دیگر نهصد نفر عدد آنها گفته شده خداوند باد و بوران را مسلّط کرد بر لشکریان دشمن که تمام خیمه و خرگاه آنها را از بیخ کند و اسبهای آنها از شدت و سختی باد همه جمع می شدند در یک جا و سرمای آن باد با آن شدت خود تمامشان را از پا در آورده بود که ابوسفیان رئیس لشکر گفت: اگر ما با اهل زمین جنگ می کنیم از عهده اهل زمین بر می آییم و اگر چنانچه محمد گمان دارد با اهل آسمان می جنگیم قوّه جنگ با اهل آسمان را نداریم.» پس همه بیک مرتبه کوچ کرده و رفتند. و این است که خداوند تعالی در سوره احزاب در حکایت همین جنگ فرموده : « فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً وَجُنُوداً لَّمْ تَرَوْهَا »(۱) در روایت اخیره که از علل و عیون نقل کردیم که خداوند تعالی می فرماید: زمین را به آخری از اوصیای تو پاک می کنم از دشمنانم و مالک و پادشاه مشرق و مغرب زمین می کنم و امداد می کنم او را به ملائکه خود تا آشکار کند دعوت مرا و تمام خلق را جمع کند بر توحید من .(۲)

ادعاهای خنده دار باب و اطرافیان

ص: ۱۳۳

۱- ۱ . احزاب، ۹ . « پس ما به مدد و یاری شما بادی تند و سپاهی بسیار (از فرشتگان) که به چشم نمی دیدید فرستادیم » .

۲- ۲ . از جمله تأئیدات الاهی نسبت به حضرت مهدی علیه السلام یاری حضرت به وسیله ملائکه است. گنجی شافعی به سند خود از امام علی علیه السلام نقل کرده است که: «خداوند او را با سه هزار ملائکه یاری خواهد کرد. «البیان، ۹۶. «از امام صادق علیه السلام نقل است: «خداوند متعال او [مهدی] را با سه لشگر یاری خواهد کرد، با ملائکه، مؤمنان و رعب و وحشت در دل دشمنان «غیبت نعمانی» ۱۴۳ باب ۱۳ / حدیث ۴۳.

خیلی خنده دارد از این جماعت بابیّه که سیّد علی محمد شیرازی پسر میرزای رضای بزّاز که نه علمی و نه معرفتی و نه فضیلتی و نه منقبتی و نه معجزه و نه کرامتی به هیچ وجه نداشته و نه کسی از او دیده و نقل کرده باشد و هر کسی از اهل کمال و معرفت و دانش و علم او را دیده نوشته و خبر داده که او سواد و علم که نداشت سهل است. فهم و ادراک آن را هم نداشت. شخصی از علمای زمان ما در کتاب خود احوالات خود را و این که استادهایی که پیش آنها درس خوانده و تلمذ کرده نوشته و دیگر کتابهایی که در مدّت عمر خود تألیف کرده تعداد(۱) کرده بالمناسبه می نویسد که از جمله کسانی که در مجلس درس او حاضر می شدم، حاج سید کاظم رشتی یکی از رؤسای شیخیّه بود . در کربلای معلّی می رفتم تماشا کنم درس او از چه مقوله می باشد. همین سیّد علی محمد شیرازی را می دیدم در آن درس حاضر می شد. ولکن فهم و ادارک او این قدر نبود و در مقامات علمیّه بالکلیّه عاجز و جاهل بود و می دیدم او را ریش خود را می تراشید ، یا از بیخ چنان مقراض (۲)کرده بود که مثل تراشیدن بود و می دیدم او را وقتی که به حرم جناب سیّد الشهدا علیه السلام می آمد. اهل اینکه داخل حرم بشود و زیارتی بخواند نبود. بلکه از دَرِ حرم سلامی می داد و برمی گشت. روزی به شخصی گفتم که این سیّد چرا چنین می کند؟ مگر جایز است ردّ این زیارات که وارد شده اند که زائر داخل حرم بشود و بالای سر امام علیه السلام این زیارت را بخواند و پایین پای او این زیارت را قرائت کند. از خود ائمّه علیهم السلام این نحو وارد شده. ما رعیّت هستیم. باید اطاعت کنیم و از برای ما نیست برای خود من عِنْدی(۳) جعل کنیم و به آن عمل

۱- ۱ . شمرده، یا شمارش کرده است.

۲- ۲ . قیچی.

۳- ۳ . از پیش خود

نمـاییم که دربِ حرم بیاییم سـلامی بـدهیم و برگردیم. و از بعض صـلحا(۱) نقـل کرده کـه او را نفریـن می کرده و می گفته عنقریب است که از این سـید علی محمـد اعتقادات باطله بروز کنـد و حاجی محمـد کریمخان که ارشد شاگردهای حاج سیّد کاظم رشتی است و لابُد سیّد علی محمد را در درس او دیده و به کمّ و کیْف او برخورده در کتاب خود ارشاد العوام(۲) می نویسد: مردی که جاهلترین خلق خداست برخاسـته و الحال که سـنه یکهزار و دویست و شـصت و شـش است، پنج شـش سال است در میـان ایران ظـاهر شـده و هیـچ کرامتی از او ظاهر نشـده. همین قـدر ادّعا می کنـد که من خـدا و رسول و امام و نایب امامم. و در جای دیگر از ارشاد العوام می گوید این باب مرتاب خروج کرده مردم را به خدایی و نبوّت و امامت و با بیّت خود به اختلاف اوقات و اماکن خوانده! سبحان اللّه آدمیزاد پایه جهل او تا به کجا می رسد. فکر نمی کند امام دوازدهم و اوصیای خاتم الانبیا که خداونـد تعالی می فرمایـد احِبّاءِ منند و اصـفیای منند. معنی اصـفیا این است که از تمام خلق روی زمین اینها را برگزیده و انتخاب کرده ام و حجّتهای منند بر تمام [خلق] روی زمین [آیا] این چنین کسی محتاج است برود درس حاجی سیّد کـاظم رشتی آن هم بعض طلّاب آن درس بگوینـد می آمـد به درس، ولکن فهم و ادراک علمی نـداشت و ریش خود را می تراشید !

علم امام علیه السلام از طرف خداست

ص: ۱۳۵

۱- ۱ . جهت اطلاعات بیشتر ، نگاه کنید به «ارشاد العوام»، ج ۱ ؛ و «دائره المعارف تشیع»، ج ۳، ص ۵ و ۴ «ناسخ التواریخ»، ج قاجاریه و «لغت نامه دهخدا» .

۲- ۲ . «ارشاد العوام»، ج ۲، ص ۲۳۰ .

تمام اهل اسلام از سنی و شیعه و خارجی و لا مذهب حتّی دشمنان آنها که با آنها عداوت کردند و کشتند ائمّه علیهم السلام را همگی متفّق اند و اعتراف دارند که این دوازده امام علیهم السلام در عمر خود پیش اَحَدی به درس خواندن نرفتند و معذلک اعلم اهل زمان خود بودند که از علوم آنهاست که تا الیوم که از هزار و سیصد سال گذشته از زمان تاریخ دنیا پر است از علم توحید آنها و علم فقه و احکام و حلال و حرام و صوم و صلوه و حجّ و زکوت و عبادات و طاعات و مُعاملات و مناکحات و علم اخلاق و صفات حسنه و ردّیه و زیارات و دعوات و اورادی که در شبانه روز از آن بزرگواران وارد شده که عالمی که الیوم در روی زمین می بینی از خود هیچ ندارد و همه را از آن دوازده امام یا پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند. معنی عالم در این زمان ما تا روز قیامت آن است که کلمات آن ائمّه را نوشته و جمع کرده و یا معنی آنها را فهمیده و نوشته. [آیا] چنین اعلم زمانی محتاج است برود درس حاجی سیّد کاظم رشتی، شیخی که عُلمای زمان او را عالم صحیحی نمی دانستند؟ این خیلی اعجوبه و مضحکه(۱) می باشد. اعجوبه و مضحکه دیگر آن است که اشاره کردیم به آن که در معراج پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در آسمان خداوند بفرماید(۲) به امام دوازده هم ایشان زمین را پاک می کنم از دشمنان خودم و او را پادشاه و مالک می کنم تمام مشارق و مغارب زمین را و مدد می کنم او را به ملائکه خود. تا آنکه آشکار کند دعوت مرا و تمام خلق را جمع کند بر توحید من. این سیّد علی محمد یک مرتبه حاکم شیراز او را گرفته و پای او را در چوب و فلک گذارده اینقدر او را زدند که مردم به حاکم گفتند: «بیچاره را داری می کشی، بس

۱- ۱ . باعث تعجب و موجب خنده.

۲- ۲ . نک «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۱۲.

است.» او را حاکم گفت: تا زیر چوب نگوید غلط کردم... رها نمی کنم.» تا اینکه او هم زیر چوب خوردن این کلمات را گفت و او را رها کردند و از آن ولایت رفت به اصفهان. بعد از آن او را جلب کردند به تبریز و در تبریز هم همین ماجرا به سر او آوردند تا آنکه بعد از حبس او را کشتند و دفن نکردند و لاشه او را گذاشتند تا جانوران خوردند! [آیا] این آن است که خداوند فرموده مالک مشارق و مغارب زمین می کنم او را و به ملائکه خود امداد می کنم اگر دعوت خدا آشکار شده و همه مردم به توحید او جمع شده. پس این ملل نصاری که روی زمین را پر کرده و قائلند بخدایی حضرت عیسی علیه السلام و بر همه روی زمین سلطنت آنها غالب است، چطور باقی مانده؟ و همچنین ملت هندوستان که تخمین زده اند خلق تمام هندوستان را به پانصد کرور(۱) جمعیت می رسد؟ و سواد اعظم هندوستان دین آنها بُت پرستی است و آفتاب پرست و ماه پرست و آب پرست... هم در میان آنها هست و مملکت چین و ماچین و سایر ممالك آن حدود مثل ژاپن از قراری که نقل می کنند در کتب می نویسند اغلب بر این مذهب هندو و بُت پرستی است و او را به لغت خودشان ملت بودایی می گویند و ملت اسلام سنّی او در توحید و اعتقادات یك مذهب دارد خارجی او که مملکت عمّان تمام مذهب خارجی دارند . عده ای دیگر زیدی مذهب . که تمام مملکت یمن زیدی مذهبند. در توحید و اعتقادات یك مذهب دارد و شیعه اثنی عشری مذهب توحید او و عقاید او سوای آنهاست و مذهب اسماعیلی که در هندوستان مخلوق لا تُعّدو لا تحصُِی از آنها هست و همگی مُرید و جان نثار اولاد آقاخان محلّاتی(۲) که در بندر بمبئی

۱- ۱ . میلیون.

۲- ۲ . آقاخان محلاتی رییس یک فرقه ای از اسماعلیه نزاری است. برای کسب اطلاعات بیشتر نک: «دائره المعارف تشیع» ج ۱/۱۲۵.

ساکنند هستند. آنها هم توحیدشان و عقایدشان ورای سایر ملل است و مذهب علی اللّهی که بلاد روم و ایران خلقی لاُ تعدّو لا تحصـی از صحرانشین و قُراءِ و دهات نشین و شهرنشین هست آنها را مذهب دیگر هم ورای این مذاهب است و خود این ملّت اثنی عشـری که دین حق است و دین باقی مانـده از آثار و کلمات این دوازده امام پاک طیّبین و طاهرین است . الان یک ثُلث آن بلکه نصف آن ملحـد و زنـدیق و بی بـاک و بی پروا از گفتن و نوشـتن هر کفر و زنـدقه و هیـچ تقیّـد به هیـچ دین و آئین ندارنـد و پیرامون هیچ یک از امور دین نیسـتند، بلکه تشـبّه به اعمال و افعال فرنگیها و تلبّس به لباس آنها ، و به زیِّ آنها عمل کردن و از دین نصـاری تعریف و از دین اسـلام نکوهش کردن را اَلَذِّلـذّاتِ(۱) خود می دانند. پس ای شـمس(۲) کور و کر! اگرچه کور و کر نیستی، ولکن عمـدا خود را به کوری و کری و امیـدواری [می زنی] قـدری تعقّل کن! البته نان گندم خورده هوشـی و عقلی در سر خود داری که این کلمات صحیح می آیند با فرموده خداوند تعالی که فرموده امام عصر علیه السلام که ظهور کنـد دعوت مرا که خداونـدم بر تمام خلق بلنـد می کند و مردم را تماما بر توحید صـحیح من جمع می کند. که معنی او [آن] این است که توحیـد خداوندی به دست آن امام دوازدهم بعد از ظهورش یکی خواهد شد و تمام خلق به همان توحید و اعتقادات مجتمع خواهنـد شـد و اختلاف ملّتهای در روی زمین به دست آن امام همام علیه السـلام نخواهـد مانـد . [اختلاف ها برطرف خواهد شد]

عَلَم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نشانه نصرت الاهی

ص: ۱۳۸

۱- ۱ . لذیذترین لذتها.

۲- ۲ . ظاهرا از طرفداران افکار انحرافی بابیه بوده است.

عَلَم جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در دست حضرت است (۱) دربحار روایت کرده از کتاب غیبت نعمانی(۲) به سند خود از ابو حمزه ثمالی که می گوید: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «گویا می بینم قائم اهل بیت علیهم السلام مرا که مشرف شده بر این نجف شما.» و اشاره کرد حضرت به دست خود به سمت کوفه. پس هر گاه مشرف شد بر نجف در می آورد عَلَم پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را. پس هر گاه آن علم را پهن کرد می آیند ملائکه نصرت روزِ بدر. عرض می کند راوی: «عَلَم رسول خدا کدام است ؟» حضرت فرمود: «چوب آن از عمود عرش خدا و رحمت اوست و مابقی اجزای او از نصر خداست. آن علم را مقابل نمی کنند [برابر قرار نمی دهند] به چیزی از لشکریان یا بلاد الاّ اینکه آنها هلاك می شوند و در روایت دیگر که باز در کتاب غیبت نعمانی(۳) ذکر می کند به سند خود از عبداللّه بن سنان از حضرت امام

۱- ۱ . اشاره دارد به آیه ۵۵ سوره نور که به عصر و زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است امام سجاد علیه السلام فرمود: آیه در شأن حضرت قائم علیه السلام است «تفسیر صافی» ج ۳/۴۴۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: «آیه درباره قائم و اصحاب اوست» (الغیبه نعمانی، ۱۲۶.) درخبری از رسولخدا صلی الله علیه و آله وارد شده است: اگر از عمر دنیا به جز یك روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می کند تا این که مردی از امّت من که نام او نام من و کنیه او کنیه من است ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد. (منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، ص ۱۵۰.)

۲- ۲ . «غیبت نعمانی»، باب ۱۹، ص ۴۳۸؛ «بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۶۱ و ۳۲۶ در نقل «غیبت» بعد از مخبوءٌ را ندارد.

۳- ۳ . «بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۶۰ . از امام صادق علیه السلام همچنین روایتی در غیبت نعمانی نقل شده است باب ۱۹، ص ۷ و ۴۳۶ البته روایت «غیبت نعمانی» از ابوبصیر او هم از امام صادق علیه السلام نقل می کند. علامه مجلسی قدس سرّه هم می فرماید عبداللّه بن سنان همانا روایت می کند از امام صادق علیه السلام (برای مزید اطلاع به پاورقی ج ۵۲، «بحارالانوار» ص ۳۶۱ و ۳۶۰ مراجعه شود) علاوه بر جلد ۵۲ ص ۳۶۰، در صفحه ۳۲۸ هم این روایت را علامه مجلسی قدسر سرَّه آورده است . جهت اطلاعات بیشتر نك: «اصول کافی» ج ۱، ۲۳۱، (غیبت نعمانی» ۲۳۸ حدیث ۲۸» و «بحارالانوار» ج ۵۲ / ۳۰۱.

محمـد باقر علیه السـلام که می فرماید: عَلَم رسول خدا صـلی الله علیه و آله وسـلم را جبرئیل آورد در روز بدر. و نیست جنس آن به خـدا قسم از پنبه و نه کتان و نه قزّا(۱) و نه حریر. راوی عرض می کنـد: «پس از چیست ؟» فرمـود: از ورق بهشت است. آن را پیغمبر صـلی الله علیه و آله وسـلم در روز بـدر باز کرد. بعد از آن (روز بدر) آن را پیچیده و داد به جناب امیرالمؤمنین علیه السـلام . پس بود نزد آن جناب تا روز جنگ بصـره. آن را امیرالمؤمنین علیه السـلام باز کرد. پس خداونـد او را فتـح داد. بعد از آن آن را نیز پیچیده و آن نزد ماست. آن را باز نمی کند کسی تا وقت قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم . و او آن علم را بـاز می کنـد. پی نمی مانـد در مشـرق و مغرب زمین کسـی، الاّـ آنکه با آن علم او را ملاقات می کنـد و ترس و خوف بر اعـداء از پیش روی اوست به مسافت یک ماه راه. و از یمین اوست به مسافت یک ماه راه و از یسار اوست به مسافت یک ماه راه.

باز در کتاب غیبت نعمانی(۲) روایت می کند به سـند خود از ابی بصیر که می گوید حضرت صادق علیه السلام فرموده: وقتی که لشـکر حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام با لشـکر بصـره برابر شدند همانا عَلَم پیغمبر صـلی الله علیه و آله وسلم را باز کرد. پس قـدمهای لشـکر بصـره از ثبات به جنگ افتاد و به تزلزل در آمدنـد. پس آفتاب آن روز به زردی وقت عصـر نرسـید که از لشـکر بصـره فریاد بر آمد: «ای پسر ابوطالب امان ده ما را.» پس حضرت به لشکر خود فرمود: دیگر اسیری را نکشید و شخص زخمی را (خلاص نکرده) نکشید و گریخته را عقب نروید [تعقیب نکنید]. و فریاد کرد: «هر که از شما اسلحه خود را بیندازد در امان است و هر که از شما در خانه خود برود و دَرِ خانه

۱- ۱ . قزّ = یعنی ابریشم، پرنیان. دودالقزّ = کرم ابریشم.

۲- ۲ . «غیبت نعمانی»، باب ۱۹، ص ۶ و ۴۳۵ «بحارالانوار»، ج ۳۲، ص ۲۱۰ .

را ببندد در امان است.» و وقتی که جنگ صفّین با مُعاویه شد مردم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خواهش کردند که همان عَلَم را در آورد. حضرت قبول نکرد و مردم واسطه کردند به خدمت آن حضرت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عمار بن یاسر را که حضرت آن علم را در آورد حضرت به امام حسن علیه السلام فرمود: ای فرزند این بنی امیّه را در علم خداوند مدت مهلتی است که باید برسند به آن ، و این عَلَم را بعد از من کسی دیگر باز نمی کند الاّ قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم .» پس ای جماعتی که خود را داخل ملت اثنی عشری کرده اید و خفیف و خوار کرده اید این ملت را و ائمّه این دین را فضائل و کمالات آنها را نابود می کنید. و عطیّه های خداوند که به آنها داده و کرامت فرموده زیر پا می کنید. آیا این سیّد علی محمد که اسم می برید آیا عَلَمِ رسُول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که جبرئیل در روز جنگ به در آورد، به تفصیلی که ذکر شد، آیا سیّد علی محمد شما دارای این عَلَم بود؟ شما را به خدا قسم می دهم [آیا] از پدرش میرزا رضای بزّاز به او ارث رسیده بود؟ اگر حرفه بزّازی داری این شأن و شوکت باشد دنیا پر بزّاز است و اولاد بزّاز. پس هر کسی از آنها دیانت را کنار بگذارد می تواند این ادّعا بکند. اگر سیّد علی محمد دارای این عَلَم بوده پس کو آثار آن عَلَم و کو باز کردن آن عَلَم در مقابل لشکرها که روز به آخر نرسیده آن لشکر شکست خورد! و کو ترس و خوف مُسافت یک ماه راه بر دل دشمن مقابل آن عَلَم؟

سفیران حق

در کتاب غیبت نعمانی(۱) باز روایت می کند به سند خود تا به محمّد بن

۱- ۱ . غیبت نعمانی باب ۲۱ ص ۴ و ۴۵۳ - ۴۵۴.

جعفر از پدرش حضرت صادق علیه السلام که فرموده: وقتی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم ظهور کند می فرستد در هر اقلیمی از اقالیم روی زمین مردی را به جهت حکومت و امر و نهی و می گوید به او که دستورالعمل رفتار تو کفِ دست تو است. هر چه را محتاج شوی و علم آن را نداری، نگاه کن به کف دست خود. در آنجا نوشته ای خواهی دید و به همان عمل کن و باز حضرت می فرماید: و می فرستد قائم لشکری به قسطنطنیه. پس چون برسند به دریای قسطنطیّه آن لشکر چیزی نویسند به قدمهای خود. پس همگی از آب عبور کرده و بر روی آب مانند خشکی راه روند. پس اهل شهر قسطنطیّه چون این را ببینند می گویند: اینها لشکریان او هستند که چنین اند . پس خود او چه خواهد بود؟ پس اهل شهر دروازه ها را باز می کنند و لشکرها را داخل کرده اطاعت کنند و آنها حکم کنند به آنچه می خواهند و مأمورند . و در بحار روایت می کند از کتاب اکمال الدین صدوق علیه الرحمه(1) که او روایت کرده به سند خود از صقربن دلف که او می گوید شنیدم از ابی جعفر ثانی امام محمد جواد علیه السلام که فرمود: امام بعد از من فرزندم علیّ الهادی است. امر او امر من است و قول او قول من است. و طاعت او طاعت من است و امامت بعد از او در فرزند او حسن است. امر او امر پدرش می باشد و قول او قول پدرش می باشد و طاعت او طاعت پدرش. بعد از آن حضرت ساکت شد. راوی می گوید عرض کردم: «یابن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم پس کیست بعد از حسن امام؟» پس حضرت گریست، گریه شدیدی. بعد از آن فرمود: به درستی که بعد از حسن فرزند او قائم است که قائم به حقّ است و امام منتظر است.» عرض کرد راوی:

---

۱ - ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، الباب السادس و الثلاثون، ص ۳۷۸، حدیث ۳ ، «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۱۵۷ و ۱۵۸ ، «اعلام الوری» ۴۳۶.

«یابن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم چرا او را نام نهاده اند به قائم فرمود: «به جهت اینکه قیام می کند بعد از مُردن ذکر او و ارتداد اکثر قائلین به امامت او .» راوی عرض کرد: «چرا او را امام منتظر می گوینـد؟» حضرت فرمود: «چونکه از برای او غیبتی است و ایّام آن غیبت بسیار طولانی می شود. در مدّت آن غیبت پس انتظار می کشند او را مخلصون، و منکر می شوند او را شک کنندگان درباره او، و استهزا می کنند به اسم بردن او و ذکر او منکرین وجودِ او، و بسیارگویی کنند در او آن کسانی که می خواهند وقت ظهور تعیین کنند، و هلاک می شوند در او مستعجلون؛ یعنی آنهایی که می خواهند ظهور او مستعجل شود، و نجات می یابند در او مسلّمُون یعنی آنهایی که نه مستعجلند و نه وقت تعیین کننده بلکه تسلیم شده اند فرمایش ائمّه علیه السلام را درباره او به هر نحوی که فرموده اند: «باز در بحار نقل کرده از اکمال الدین صدوق علیه الرحمه(۱) که او به سند خود روایت کرده از حضرت عبدالعظیم بن عبداللّه که در ری مدفون است. می گوید: داخل شدم به خدمت امام محمد تقی علیه السلام و خواستم از او سوال کنم. از اینکه امام قائم همان امام مهدی است یا غیر از آن است. پس حضرت هنوز من سؤال نکرده فرمود: «یا اباالقاسم قائم ما همان مهدی است که واجب است بر مردم انتظار او را بکشند در غیبت او، و مطاع خواهد بود وقت ظهورش و او سوّم اولاد من است الخ.»

دعبل شاعری فرشته سان

بحار روایت کرده از عیون اخبار صدوق و اکمال الدین(۲) او بسندش از

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، الباب السادس و الثلاثون، ص ۳۷۷، حدیث ۱ ؛ کفایه الاثر / ۲۷۷، «عیون اخبار الرضا » علیه السلام ، ج ۲، ص ۲۶۵، «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۱۵۶ .

۲- ۲ . «همان»، الباب الخامس و الثلاثون، ص ۳۷۲ حدیث ۶ ؛ نک، «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۱۵۴ و «فرائد السمطین» ج ۲، ۳۳۷.

ابوا الصّلت هروی که می گوید: شنیدم از دعبل بن علی خزاعی شاعر معروف که گفت: وقتی که قصیده خود را که اول آن این است

(مدارس آیات خلت من تلاوه و منزل وحی مقفر العرصات)

در خدمت مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام خواندم تا رسیدم به آنجایش که گفتم:

(خروج امام لا محاله خارجٌ یقوم علی اسم اللّه و البرکات

یمیّز فینا کلّ حقّ و باطل و یجزی علی النّعما و النّقمات)(۱)

حضرت رضا علیه السلام به شدّت گریه کرد. بعد از آن سر بلند کرد و فرمود: «یا خزاعی! روح القدس نطق کرده بر زبان تو به این دو بیت. پس آیا می دانی که کیست این امام و چه وقت قیام می کند ؟» عرض کردم: «ای مولای من نمی دانم، امّا شنیده ام که امامی از شما ظهور خواهد کرد. پاک می کند زمین را از فساد و پر می کند زمین را از عدالت، بعد از آنکه پر شده باشد از جور و ظلم.» امام رضا علیه السلام فرمود: یا دِعبلِ امام بعد از من محمد فرزند من است و بعد از محمد فرزند او علی است و بعد از علی فرزند او حسن است و بعد از حسن فرزند او (الحجه القائم المنتظر فی غیبته المطاع فی ظهوُره الخ)(۲).

۱- ۱ . خروج امام (حضرت مهدی علیه السلام) به طور حتم واقع خواهد شد، همو که به اسم خدا و همراه برکات قیام می کند، در بین ما هر حق و باطلی را روشن خواهد ساخت و بر نعمت ها و مصیبت ها جزا می دهد.

۲- ۲ . ادامه حدیث چنین است: «اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نماند خداوند آن روز را به حدّی طولانی می سازد تا او ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر نماید چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.

و باز در بحار نقل کرده از اکمال الـدین صدوق علیه الرحمه(۱) که او روایت می کند بسـندِ خود از یونس بن عبدالرحمن می گوید: داخل شدم به خدمت امام موسی بن جعفر علیهماالسلام و عرض کردم: «یابن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم تویی قائم به حق؟» فرمود، «منم قائم به حق، ولکن آن قائمی که پاک می کند زمین را از دشمنان خدا و پر می کند زمین را از عدل همچنانکه پر شده از ظلم و جور، او پنجمی اولاد من است. از برای اوست غیبتی که طول می کشد مدت آن غیبت. الخ.

و باز در بحار نقل کرده از اکمال الـدین(۲) صـدوق علیه الرحمه که او به سـند خود روایت کرده از مفضل بن عُمر جعفی که می گویـد: داخل شـدم به خـدمت سیّد و آقای خودم جعفر بن محمد علیهماالسـلام و عرض کردم: «یا سیّدی کاش به ما می فرمودی امام و جانشـین بعد از خود را.» پس امام صادق علیه السـلام فرمود: «امام بعد از من موسی فرزند من است و آن خلف مأمول منتظر محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است .»

و باز در اکمال الّدین(۳) به نقل صاحب بحار روایت کرده به سند خود از

ص: ۱۴۵

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، الباب الرابع و الثلاثون، ص ۳۶۱، حدیث ۵ ، «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۱۵۱ . حدیث ۶. در ادامه روایت آمده است: «[در آن مدت غیبت بسیاری از دین بر می گردند و عده ای ثابت قدم می مانند] سپس فرمود: خوشا به حال شیعیان ما که در دوران غیبت قائم ما، به دوستی ما چنگ می زننـد و در ولایت ما ثابت و اسـتوار می ماننـد و از دشـمنان ما اهلبیت بیزاری می جوینـد، ایشان از ما هسـتند و ما هم از آنها هستیم، آنها امامت ما را پـذیرفته انـد، و ما آنها را به عنوان «شیعه» قبول کرده ایم خوشـا به حـال آنهـا خوش به حـال آنهـا، به خـدا سوگنـد که آنهـا در روز قیامت در رتبه ما قرار دارند.

۲- ۲ . «کمال الدین وتمام النعمه»، الباب الثالث والثلاثون ص ۳۳۴ ، «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۱۴۳ .

۳- ۳ . «همان»، ج ۲، ص ۳۴۵ «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۱۴۶ ، حدیث ۱۴.

ابی بصیر که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلام فرمود: به درستی که سنتهای انبیا که جاری شده بر آنها غیبت جاری خواهد شد بر قائم ما اهل البیت حَذْوَ النِّعْلِ بِالنَّعَلِ وَ القُذْهِ بالقَذَّهِ. ابو بصیر گفت عرض کردم: «یابن رسول اللّه کیست قائم شما اهل البیت؟» فرمود: «ای ابو بصیر او پنجم از اولاد فرزند من موسی علیه السلام پسر سیّده و کنیزان است. غیبتی خواهد کرد که شک می کنند اهل باطل در وقت غیبت کردن او و در دین بعد از آن ظاهر می کند خداوند او را. پس فتح می کند خداوند بر دست او مشارق و مغارب زمین را و پائین می آید روح اللّه عیسی بن مریم از آسمان و نماز می خواند عقب سر او و زمین روشن می شود به نور پروردگار وی و نمی ماند بقعه ای از زمین که عبادت غیر خدا در او شده الاّ اینکه خدا عبادت کرده شود در آن بقعه (و یَکُونُ الدّینُ کُلُّه لِلّهِ وَ لوکَرِهَ الْمُشْرِکُونَ) .

سید حمیری رحمه الله

و باز در بحار روایت کرده از اکمال الدّین صدوق علیه الرحمه(۱) که او روایت کرده به سند خود از سیّد اسماعیل حِمْیَری شاعر معروف در حدیث طولانی که در آن می گوید: عرض کردم به خدمت حضرت صادق جعفر بن محمد علیهماالسلام : «یابن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده از برای ما اخباری از آبای گرام تو در باب غیبت و صحیح بودنِ آن . خبر بده مرا کی واقع می شود آن غیبت؟» حضرت صادق علیه السلام فرمود: واقع خواهد شد به ششم از اولاد من و او دوازدهم ما ائمه می باشد که هادی خلقند. بعد از رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم اول از دوازده امام علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخر

۱- ۱ . «کمال الدین وتمام النعمه»، ج ۲، ص ۳۴۲ ؛ «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۱۴۵ .

ایشان قائم بالحقّ است. بقیهُ اللّه فی اَرضه صاحب الزّمان و خلیفه الرّحمن الخ .

و در بحار(۱) روایت کرده از کتاب عیون اخبار به سند متّصل به امام حسن عسکری علیه السلام از پدرانش از حضرت موسی بن جعفر صلی الله علیه و آله وسلم که فرموده: «امام قائم نمی شود الّا آن کسی که خودش امام است و پدرش امام است و خودش وصّی پیغمبر است و پدرش هم وصّی پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است».

احمدبن اسحاق و توفیق دیدار

باز در بحار نقل کرده از اکمال الدین صدوق(۲) به سند متّصل به احمد بن اسحق قمی که می گوید: داخل شدم به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام و من می خواستم سؤال کنم از آن جناب از [درباره] امام و جانشین بعد از او. پس آن حضرت پیش از سؤال کردَن من فرمود: یا احمد بن اسحق به درستی که خداوند زمین را خالی نمی گذارد و نخواهد گذاشت تا روز قیامت از حجّتِ خدا بر خلقش که به آن حجّتِ خدا بلا دفع می شود از خلق روی زمین و به او باران از آسمان نازل می شود و بوجود او بَرَکات زمین در می آید.» پس احمد می گوید: عرض کردم پس کیست امام و جانشین بعد از تو؟ پس حضرت برخاست و داخل اندرون شد و بیرون آمد . طفلی بر دوش او سوار بود. گویا صورت مبارک آن طفل ماه شب چهارده بود. طفل سه ساله می نمود. پس حضرت فرمود: «یا احمد بن اسحق اگرنه کرامت نزد خداوند و ائمّه می داشتی هر آینه نشان

۱- ۱ . «بحارالانوار» ، ج ۵۱، ص ۳۴ . به نقل از «عیون اخبار الرضا علیه السلام »، ج ۲، ص ۱۳۱ .

۲- ۲ . «کمال الدین وتمام النعمه»، ج ۲، ص ۳۸۴ ؛ «بحارالانوار»، ج ۲۳، ص ۳۸ ؛ و ج ۵۱، ۱۶۱.

نمی دادم به تو این فرزندم را، و این همنام و هم کینه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است و این کسی است که زمین را پر می کند از عدل همچنان که پر شده باشد از جور و ظلم. یا احمد بن اسحق مَثَل این فرزند من مَثَل خضر و مثل ذوالقرنین می باشد. و اللّه هر آینه غیبتی خواهد بود برای او که نجات نمی یابد در زمان آن غیبت از هلاک، الّا کسی که خداوند او را ثابت کرده به امامت او، و او را توفیق داده که دعا کند به تعجیل فرَج او.» احمد بن اسحق می گوید: «عرض کردم ای مولای من آیا علامتی برای من هست که قلبم به آن مطمئن شود؟» پس ناگاه دیدم آن طفل سه ساله نطق کرد به زبان عربی فصیح و فرمود : (اَنَا بقیّه اللّه فی ارضه و المُنتقم مِنْ اعدائِه). احمد بن اسحق گوید: فردای آن روز خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و سؤال کردم از اینکه روز پیش فرمود. و عرض کردم: «سنّت جاریه حضرت خضر و ذوالقرنین چه چیز است که در این فرزند مبارک تو است.» فرمود: «طول غیبت او». عرض کردم: «غیبت او طولانی می شود؟» فرمود: «آری به خدا قسم تا اینکه برگردند اکثر قائلین به امامت او و از دین حقّ مگر آن کسی که خداوند عهد او را گرفته به ولایت ما ثابت باشد و ایمان را در قلب او نوشته و خداوند او را تأیید کرده و قوّت دین داده [باشد].» حال نمی دانم این جماعت بابیّه امامتی برای میرزا رضای بزّاز هم درست می کنند تا صحیح آید فرمایش امام موسی بن جعفر علیهماالسلام که فرموده قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم باید هم پدر او امام باشد و هم خودش. تا به حال آنچه شنیده ایم و اهل شیراز نقل کرده و می کنند از خود آن میرزا رضا که حرفه او بزّازی بوده و از آن طریق زندگی می کرده و به هیچ وجه ادّعایی و صدایی از این مقوله کسی از او ندیده و نشنیده. پس این بابیها در اینجا باید گیر بکنند و یک تدبیری درست کنند و سریشمی پیدا کنند تا این را بچسبانند! امّا سریشم زیاد می خواهد. به یک من و دو من درست

نمی شود. و اگر این را به سر یشم چسبانیدند باز هنوز گیرند. در آنجا که بچّه سه ساله را که امام حسن عسکری علیه السلام از اندرونِ بیاورد و بفرماید به احمد بن اسحق قمی که: «این فرزند من است و حجّت خداست و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم و غیبت طولانی دارد و مانند خضر عُمر دراز و مانند ذی القرنین خواهد بود» و این واقعه در تاریخ دویست و پنجاه و هشت هجری بوده و سیّد علی محمد پسر میرزا رضای بزّاز هزار سال بعد از آن عصر متولد شده. این متولد شده بعد از هزار سال را چه نحو بکنیم که بشود عبارت از آن طفل که امام حسن علیه السلام عسکری از اندرون بیرون آورد ؟ قدری فکر می خواهد .

اوصافی دیگر از ا مام زمان علیه السلام وحالات مردم

در بحار روایت کرده از کتاب اکمال الدین صدوق علیه الرحمه(۱) که او روایت کرده به سند خود از حسن بن محمد بن صالح بزّاز که گفت شنیدم از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که فرمود: به درستی که فرزند من او قائم است بعد از من. و اوست آن کسی که سنّت انبیای گذشته در او جاری می شود از طول عمر زیاد و غیبت کردن؛ به حّدی که دلهای مردم قساوت بگیرد به جهت طول کشیدنِ زمانِ غیبت او. و ثابت نمی ماند بر قول به امامت او مگر کسی که خداوند تعالی ایمان را در قلب او نوشته باشد و مؤیّد کرده او را به روح خود. و باز در بحار روایت کرده از کتاب اکمال الدین صدوق علیه الرحمه(۲) که او روایت کرده به سند خود از اصبغ ابن نباته که می گوید: رفتم به خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۲۴ ، «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۲۲۴ .

۲- ۲ . «اصول کافی»، ج ۱ ، کتاب الحجه باب فی الغیبه، ص ۳۳۸، حدیث ۷ ؛ «غیبت نعمانی»، ص ۹۵ ؛ «کمال الدین وتمام النعمه»، ج ۱، ص ۲۸۹ .

پس دیدم آن جناب را در فکر فرو رفته و به انگشت دست خود به سوی زمین اشاره می کند و به زمین انگشت را فرو می کند عرض کردم یـا امیرالمـؤمنین علیـه السـلام تـو را متفکّر می بینـم و انگشـت به زمین فرو می کنی. آیـا میـل کرده ای به زمین؟» حضـرت فرمود: نه واللّه رغبت نکرده ام در زمین دنیا و نه در دنیا یک روز هرگز. ولکن فکر می کنم در مولودی که از پشـت من و صـلب من خواهد آمد یازدهمی از اولاد من است . اوست مهدی . پر می کند زمین را از عدالت، چنانکه پر شده باشد از جور و ظلم. از برای اوست حیاتی و غیبتی که در آن حیات و غیبت گمراه می شونـد خلقی و اقوامی و هـدایت می یابنـد اقوام دیگر الخ .

حکمت غیبت از امام مجتبی

باز در بحار روایت کرده از کتاب اکمال الدین(۱) به سند خود از حنان بن سدیر و او از پدرش سدیر ابن حکیم و او از پدرش حکیم از ابی سعید عقیصا که گفت وقتی که صلح کرد امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه، مردم داخل شدند بر آن جناب و ملامت کردند او را بعض آن مردم بر بیعت معاویه. پس حضـرت امام حسن علیه السلام فرمود: وای بر شما نمی دانید من چه کرده ام. قسم به خـدا آنچه را من کرده ام بهـتر است از برای شـیعیان مـا از آنچه آفتـاب بر آن طلوع و غروب می کنـد . یعنی تمام روی زمین . آیا نمی دانید که من امام مفترض الطّاعه شما هستم و یکی از دو آقایان جوانان اهل بهشت به نصّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسـلم ؟ عرض کردنـد: بلی فرمود: «آیـا نمی دانیـد اینکه خضـر علیه السـلام وقتی که پاره کرد کشتی را و کُشت آن طفل را و آن دیوار را ساخت، غضب کرد موسی بن عمران علیه السلام . چونکه وجه

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۳۱۵ .

حکمت آن کارها بر او مخفی بود [در حالی که] این عمل خضر نزد خداوند حکمت و صواب بود. آیا ندانسته اید اینکه نیست از ما ائمّه اَحَدی الّا اینکه بیعت طاغیه زمانش در گردنش واقع می شود مگر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم آن کسی که روح اللّه عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند و خداوند عزّوجلّ مخفی می کند ولادت او را و غائب می کند شخص او را که وقتی که خروج کند بیعتی در گردن او از احدی نیست. آن نهمی از اولاد برادرم حسین علیه السلام است. فرزند سیده کنیزان عالم. طولانی می کند خداوند عمر او را. الخ.

و باز در بحار نقل کرده از کتاب اکمال الدین(۱) صدوق علیه الرحمه که او به سند خود روایت کرده از عبداللّه بن زبیر از عبداللّه بن شریک از شخصی از قبیله و طایفه هَمْدان که او گفت: شنیدم از جناب سیدّ الشّهدا حسین بن علی علیهماالسلام که فرمود: قائم این امت او، نهمی از اولاد من است و اوست صاحب غیبت و او آن کسی است که میراث او را قسمت می کنند و او خودش زنده است. و باز در بحار نقل کرده از کتاب احتجاج طبرسی(۲) علیه الرحمه که او روایت کرده به سند خود از جناب سیّد سجّاد زین العابدین علیه السلام که فرمود: پدرم حسین بن علی علیهماالسلام فرمود: «در نهمی اولاد من سنّتی است از یوسف بن یعقوب و سنّتی است از موسی بن عمران و او قائم ما اهل البیت است. اصلاح می کند خداوند امورات او را و امورات ظهور او را در یک شب واحد.»

ستاره ای پرفروغ میان انوار

باز در بحار روایت کرده از کتاب اکمال الدّین(۳) صدوق علیه الرحمه که

۱- ۱. «همان»، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲- ۲. «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۳۱۶؛ «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۳- ۳. «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۳۱۷ ادامه روایت چنین است « فیوذون و یقال لهم : متی هذا الوعد ان کنتم صادقین » اما انَّ الصابر فی غیبته علی الاذی و التکذیب بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم .نک «بحارالانوار»، ج ۵۱/۶۱.

او به سند خود روایت کرده از عبدالرحمن بن سلیط که گفت: شنیدم که حسین بن علی علیهماالسلام فرمود: از ما می شود دوازده امام هدایت شده اول ایشان علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخر ایشان نهمی از اولاد من است. و اوست قائم به حقّ. زنده می کند خداوند به او زمین را بعد از مردن آن زمین. و ظاهر می کند خداوند به او دین حق را بر کلّ دین ها. و اگرچه ناخوش داشته باشند مشرکون، از برای اوست غیبتی که مرتد می شوند در آن غیبت اقوامی، و ثابت می مانند بر دین اقوام دیگر، الخ .

بخشی از روایات را از این ائمّه طاهرین این پاکان این نیکان که در روی زمین تا روز قیامت به مثل اینها صادقین و طیّبین و طاهرین نیامده و نخواهد آمد برای تو ذکر کردم که قبل از تولد حضرت قائم علیه السلام خبر داده اند به او. حضرت رضا علیه السلام (۱) می فرماید: «چهارمی [از] اولاد من است.» حضرت جواد(۲) می فرماید: سوّمی اولاد من است.» حضرت موسی بن جعفر علیه السلام (۳) می فرماید: «پنجمی اولاد من است.» حضرت صادق علیه السلام (۴) می فرماید: «ششمی اولاد من است.» حضرت سیّد الشهداء علیه السلام (۵) می فرماید: «نهمی اولاد من است» و امام حسن عسکری علیه السلام (۶) خودش (امام زمان علیه السلام) را از اندرون در ۳ سالگی آورد و

۱- ۱ . «همان»، ج ۲، ص ۳۷۶ ؛ فرائد السمطین ج ۲، / ۳۳۷.

۲- ۲ . «همان» ج ۲، ص ۳۷۷ .

۳- ۳ . «همان» ج ۲، ص ۳۶۱ .

۴- ۴ . «همان» ج ۲، ص ۳۴۲ .

۵- ۵ . «همان» ج ۱، ص ۳۱۷ .

۶- ۶ . «همان» ج ۲، ص ۳۸۴ .

فرمود: این فرزند من امام قائم است و صاحب غیبت طویله و عمر دراز خواهد نمود مانند خضـر پیغمبر. جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم (۱) می فرماید: در ساق عرش خدا وقتی که به معراج رفتم دیدم دوازده نور در هر نوری سطر سبزی نوشته . و اسم هر یک از اوصیای دوازده گانه من در آن نوشته شده بود . در روایت دیگر(۲) که باز از رسول خدا صـلی الله علیه و آله وسـلم مروی است دوازده وصـی را یگـان یگان اسم می برد. از اول ایشان که علی بن ابیطالب است تا آخر ایشان که حجّه ابن الحسن علیهماالسـلام است و می فرمایـد: نور آخری ایشان که نور قائم است دیـدم او را مثل سـتاره درخشـنده در میان آن انوار که خداونـد تبـارک و تعـالی فرمود: این قـائم کسـی است که حلال می کنـد حلال مرا و حرام می کنـد حرام مرا و به او انتقام می کشم از اعدای خودم و او راحت اولیاء من است و او کسی است که شفا می دهد قلوب شیعه تو را از آنچه ظالمین و جاهـدین و کافرین کردنـد و از آنها تلافی می کند. و اوّلی و دوّمی را از قبر بیرون می آورد با بدن تر و تازه. پس می سوزاند آنها را... تا آخر روایت که سابقا ذکر شـده. پس امروزه کسـی که اقـدام کنـد بر تکـذیب این بزرگواران و این حجّتهای بالغه الاـهی که پیش از وقوع خبر داده و خبرهـای آنهـا مطـابق واقع شـده، انصاف بـده چنین کسـی را می شود گفت از نطفه حلال عمل آمـده؟ پس علامت نطفه حرام از حلال چه چیز است؟ مگر نه در روایات متواتره وارد است که بغض محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسـلم از علامات نطفه نامشـروع بودن یا ولـد حیض بودن است کسـی که تکـذیب کنـد گفته های آنها را البته محبت به آنها ندارد و بغض آنها را دارد. سیّد علی محمد پسر میرزا رضای بزّاز شیرازی که در این اعصار ما متولد شده

۱- ۱ . «همان» ج ۱، ص ۲۵۶ .

۲- ۲ . «همان» ج ۱، ص ۲۵۸ .

که بعـد از هزار سال از سال و تاریخ تولّد حجّه ابن الحسن علیهماالسـلام است که تمام اهل شـیراز خود آن سیّد علی محمد و پـدر و مادر و قوم و قبیله و خانه آنها را دیـده و دانسـته خبر می دهند [حال اگر] بخواهند این را بکنند آن حجّه ابن الحسن که هزار سال قبل متولـد شده و امام حسن عسـکری علیه السلام او را آورد و نشان داد به احمد بن اسـحاق قمی ارتکاب چنین امر محـالی نمی شود الاّـ از جهت بغض و کینه محمـد و آل محمـد که حرفهـای آنها را رد کننـد به این لباس و گفته های آنها را باطل کنند و پرده بر رویش بکشـند. در روایت سابقه که سـند آن متصّل به ابن عباس بود و از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیـده بود که فرمود: نهمی آنهـا بعـد از علی و حسـنین علیه السـلام قائم اهل بیت من است و مهـدی امت من است شبیه ترین مردم است به من در شـمائل و اقوال و افعـال او ظـاهر می شود بعـد از غیبت طولانی و تحیّر مردم در گمراهی(۱)، و در روایت سابقه که از امام محمـد تقی علیه السـلام نقل شده می فرماید: از برای او غیبتی است و بسـیار می شود ایّام آن غیبت و طولانی می شود مدت آن غیبت، و در روایت سابقه که یونس بن عبدالرحمن نقل کرده(۲) از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که می فرماید: او پنجمی اولاد من است. از برای اوست غیبتی که طول می کشد مدت آن غیبت، و در روایت ابوبصـیر از حضرت صادق علیه السـلام که سابقا ذکر نموده ایم(۳) ابوبصـیر عرض می کند: یابن رسول اللّه کیست قائم شـما اهل البیت؟ حضـرت می فرمایـد: پنجم از اولاد فرزنـد من موسـی است. پسر سیّده کنیزان است غیبتی خواهد کرد که شک می کنند اهل باطل در وقت غیبت کردن او در دین . و در روایت احمد بن اسحق قمی از امام حسن

۱- ۱ . نک: «عقدالدرر» ۳۲، و «بحارالانوار» ج ۵۱، ۷۱.
۲- ۲ . «کمال الدین وتمام النعمه» ج ۲، ۳۰. (با ترجمه فارسی) و «بحارالانوار» ج ۵۱، ۱۵۱.
۳- ۳ . «همان» ج ۲، ۸.

عسکری علیه السلام آمده است: یا احمد بن اسحق مَثَلِ این فرزند من مَثَلِ خضر و ذوالقرنین است. واللّه هر آینه از برای او غیبتی خواهد بود که نجات نمی یابد در زمان غیبت او از هلاکت الاّ کسی که خداوند او را ثابت کرده به قول به امامت او و این سیّد علی محمد تمام اهل شیراز را از زمان تولد او تا نشو و نمای او و رفتن او به عتبات و درس خواندن او نزد حاج سیّد کاظم رشتی و برگشتن او به شیراز و چه بر سر او آمد و در کجا چه نحو بر او گذشت و به دست کی و به چه نحو کشته شد همه امور او را از اول عمر او تا آخر عمرش همه اهل زمان ما از اهل شیراز و غیر شیراز می دانند. این غیبت طولانی کو ؟ و در کجا واقع شد ؟ و عمر دراز مانند خضر و ذوالقرنین کجا شد ؟ و تطبیق این را چه نحو چشم ببندیم و بکنیم که ملل خارجه غیر از اسلام بر ما خنده نکنند و نگویند که تطبیق این مردِ مشارٌ الیه با این روایات شما بُعد(۱) مابین آسمان و زمین است. [اگر چنین عمل کنیم] پس بگویند به ما اصل ملت شما بر دروغ و محال گویی است. پس اصل دین شما باطل بوده و هست. پس درست است آنچه به شما عرض نمودم که اصل مقصود این طایفه [بابیه] دشمنی با این دین است و بغض و کینه آنها نسبت به ائمّه که پیشوایان این دین بوده و نشر این دین کرده تا باقی بماند تا همیشه دوران . و خودشان را به کشتن و زهر خوردن دادند و زنهاشان را به اسیری روا داشتند و انواع و اقسام بلاها دیده و کشیدند از دست ظلاّم معاندنیشان تا ترویج این دین را کردند و نشر این احکام و حرام و حلال را کردند و جمیع راههای توحید خداوندی را بیان کردند و جمیع حلال و حرام خدا را به جا گذاشتند که در قرآن و اخبار آنها موجود است که امروزه حجّت بر همه تمام است و اگر کسی پیرو ایشان نشود و

۱- ۱ . دوری، مسافت و فاصله.

کوتاهی کند و سراپی و دنباله رو احکام آنها نشود یا مبتلا به غرض و مرض باشد و یا دارای کِبْر و خودسری باشد و اگر زیر بار اطاعت نرفت و به جهنم عاقبت او ختم شود، ملامت نکند مگر نفس خود را. و بداند و یقین کند که حجّت بالغه موجود است امروزه و خودش تقصیر کرده و شهوات دنیا و شیطان پرستی را ترجیح داده بر بندگی خالق عالم و آدم.

عهد خدا از بشر

خداوند تعالی در سوره یس می فرماید : « أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ »(۱) ای پسر آدم من از تو عهد گرفته ام که شیطان را پیروی و عبادت نکنی و به گفته او عمل ننمایی که او دشمن تو است و (عاقبت تو را مخلّد در نار جحیم می خواهد) یا می فرماید: « وَأَنِ اعْبُدُونِي هذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ » و عبادت و اطاعت و بندگی مختص خودم است و راه راست این است به این راه برو که بعد از مردن فایده آن را خواهی دید در نعمتی خواهی داخل شد که مشقّت در آن نیست و پایانی ندارد و جوانی که هرگز پیری در آن نیست و صحتی که هرگز سقم و ناخوشی در آن نیست و پادشاهی که هرگز زوال برای آن نیست و سرور و خوشحالی که هرگز غم و غصّه ای نمی بینی و داخل بهشت می شوی که تمام لذائذ در آن مهیّا به نحو اتمّ است

« وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ »(۲) « جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ »(۳)

۱- ۱ . یس: ۶۰ .

۲- ۲ . زخرف ، ۷۱ . « و در آنجا (بهشت) هر چه نفوس را بر آن میل و اشتهاست و چشمها را شوق و لذت مهیا می باشد » .

۳- ۳ . احقاف بخش پایانی آیه مبارکه ، ۱۴ ، « (خلد بودن در بهشت) پاداش اعمال نیکی می باشد که انجام می دهند » .

« وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكَمْ جِبِلاًّ كَثِيراً أَفَلَمْ تَكَونُوا تَعْقِلُونَ »[(۱)](#) بعد از آن آیات سابقه در سوره یس می فرماید: و این شیطان به تحقیق گمراه کرده خلق بسیاری از جنس تو ای بنی آدم پیش از تو. پس چرا عقل خود را راهنمای خود قرار نمی دهی؟ این قدر در عمر خود شنیده و دانسته ای که پادشاهان با اقتدار در روی زمین آمدند و رفتند زیر خاک و آنها صاحبان حشمت و لشکریان با قوّه و قدرت بودند و آنها را نابود کردیم و بُردیم و گرفتار اعمال کردیم و گفتیم به آنها « هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی کُنتُمْ تُوعَدُونَ »[(۲)](#) این آن جهنّم است که در دنیا خبر آن را به شما دادیم « اصْلَوْهَا الْیَوْمَ بِمَا کُنتُمْ تَکْفُرُونَ »[(۳)](#) بسوزید و بگدازید در میان این جهنّم به سبب اینکه کافر شدید به من و پیروی نفس و شیطان را ترجیح دادید بر اطاعت و بندگی من و خودسری را شعار خود کردید و حجّتهای بالغه فرستادم آنها را تکذیب کردید و انقیاد نکردید. و باز در سوره یس می فرماید « وَضَرَبَ لَنَا مَثَلاً وَنَسِیَ خَلْقَهُ قَالَ مَن یُحْیِی الْعِظَامَ وَهِیَ رَمِیمٌ * قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّهٍ وَهُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ »[(۴)](#) این بنی آدم دنبال رو شیطان! مثل برای ما می زند و می گوید: استخوانهای پوسیده و خاک شده را کی زنده می کند دوباره که جزای اعمالی باشد؟ بگو آن کسی زنده می کند که اوّل دفعه همین خاک بودی و تو را کرد همین آدمیزاد که هستی صاحب قدرت و قوّه و حیات و گوش شنوا و چشم بینا و زبان با نطق و عقل و تدبیر و آمِر و ناهی در روی زمین، مگرنه اوّل جماد بودی و خاک بودی آن قدرت از آن خالق کی سلب شد که الان نتواند این خاک تو را دوباره جمع کند و بکند

۱- ۱ . یس: ۶۲ .

۲- ۲ . همان: ۶۴ و ۶۳ .

۳- ۳ . همان ، ۶۴ و ۶۳ .

۴- ۴ . همان، آیه : ۷۹ و ۷۸ .

آنچه دفعه اوّل کرده و او عالم است به خلق خود که آن خاک تو باشد و از علم او آن خاک تو گم نمی شود. هر جا که هست حکم می شود به آن که باش به همان طوری که اول بودی. خاک گوش همان گوش می شود. خاک چشم همان چشم، خاک زبان همان زبان به همان قدرتی که در آخر سوره یس می فرماید : « إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَن يَقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ »(۱) .

یارانی از ملائکه و انسانها

از کیفیّاتی که مقرر شده از جانب خداوند تعالی برای حضرت قائم علیه السلام که وقت خروجش با او بوده و اعوان و انصار او باشند اقسام ملائکه و خلقی هم از بنی آدم خواهد بود. روایت می کند. در بحار الانوار از ارشاد شیخ مفید علیه الرّحمه(۲) که او روایت کرده به سند خود از ابوبکر حضرمی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرموده: گویا می بینم حضرت قائم علیه السلام را در بالای نجف کوفه و از مکه آمده به آنجا با پنج هزار نفر از ملائکه . جبرئیل از طرف راست اوست و میکائیل از طرف چپ اوست و مؤمنون از بنی آدم در پیش روی هستند و او قسمت می کند لشکرها را به ولایتها. و در بحار(۳) روایت می کند از تفسیر عیّاشی به سند خود از عبد الاعلی حلبی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرموده در جمله حدیث طولانی: گویا می بینم قائم علیه السلام را با اصحابش بالاّ می روند از نجف کوفه.

---

۱ - ۱ . « همانا فرمان واحد خدای متعال نافذ است چون اراده خلقت چیزی را بکند به محض اینکه بفرماید موجود باش بلافاصله موجود خواهد شد » .

۲ - ۲ . «الارشاد»، ص ۷۰۱ ؛ «بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۳۶ . درباره یاری امام مهدی علیه السلام توسط ملائکه الاهی نک: «غیبت نعمانی» ۲۳۴، حدیث ۲۲، و «کامل الزیارات». ۱۳۰ باب ۴۱.

۳- ۳ . «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۴۳ _ ۳۴۱ ، بخشی از حدیث مفصل حضرت امام محمد باقر علیه السلام .

سیصد و سیزده نفر مردانی که دلهای آنها گویا تکّه آهن است در قوّت قلب و شجاعت ، و جبرئیل از طرف راست او و میکائیل در طرف چپ اوست و ترس در دل دشمن او از پیش روی اوست به مسافت یک ماه راه و از عقب سر اوست به وقت یک ماه راه و خداوند او را مدد می کند به پنج هزار از ملائکه مسوّمین (ملائکه دارای نشان خاص)

جنود الاهی به یاری حضرت می شتابند

باز در بحار نقل کرده از کتاب غیبت نعمانی(۱) که او روایت کرده به سند خود از ابو حمزه ثمالی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: هرگاه خروج کند قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم هر آینه یاری می کند خداوند او را به ملائکه مسوّمین، مُردفین، منزلین و کّروبیّین. جبرئیل از پیش روی اوست و میکائیل از طرف راست او و اسرافیل از طرف چپِ او و ملائکه مقرّبین پیش روی هستند الخ. و در بحار نقل کرده از کتاب اکمال الدّین صدوق علیه الرحمه(۲) که به سند خود روایت کرده از ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: گویا من می بینم قائم علیه السلام آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم در پشت نجف سوار شده بر اسب سیاهی که خطّ سفیدی میان دو چشم او و پیشانی او کشیده. پس آن اسب خود را تکانی می دهد. پس نمی ماند اهل بلدی الاّ اینکه خیال می کنند اینکه او در پیش آنهاست در بلادشان. پس هر گاه عَلَم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را پهن کرد، فرود آید سیزده هزار از ملائکه و

۱- ۱ . «غیبت نعمانی» باب ۱۳ ص ۳۳۷ ، «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۴۸ . در ادامه روایت امده است: «همراه او شمشیری است برکشیده و برهنه خداوند متعال، روم، دیلم، سند، هند، کابل شاه و خَزَر را برای او فتح می کند.

۲- ۲ . «کمال الدین و تمام النعمه» ج ۲، ص ۲ و ۶۷۱ الباب الثامن و الخمسون ؛ «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۲۵ .

سیزده نفر از ملائکه که انتظار او را دارند و آنها از ملائکه هایی هستند که با حضرت نوح علیه السلام در کشتی بوده اند و با حضرت ابراهیم علیه السلام نیز بوده اند وقتی که او را در آتش انداختند، و آن ملائکه با عیسی بوده اند وقتی که او را به آسمان بردند، و چهار هزار آنها مُسوّمین و مُردفین هستند و سیصد و سیزده ملک روز بدرند، و چهار هزار از آن ملائکه آنهایند که فرود آمدند به جهت یاری کردن جناب حسین بن علی علیهماالسلام . پس اذن ندادند به آنها که قتال کنند. پس عروج کردند به آسمان که اذن بگیرند . دوباره فرود آمدند و رسیدند وقتی که حضرت را شهید کرده بودند. پس آنها گردآلود و غبارآلود گریه می کنند بر سر قبر جناب سیّد الشهدا علیه السلام تا روز قیامت و مابین قبر حضرت حسین علیه السلام تا به آسمان محل آمد و شد ملائکه می باشد .

و باز در بحار(۱) نقل کرده از کتاب اختصاص شیخ مفید علیه الرحمه که او به سند خود روایت کرده از حُذیفه ابن الیمان که گفت شنیدم از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود: هر گاه زمان خروج قائم علیه السلام بشود منادی از آسمان ندا می کند: «ایّها النّاس مدّت دولت ظلم و جور بُریده [تمام] شد و به آخر رسید و والی شد امارت و سلطنت را بهترین امّت محمد صلی الله علیه و آله وسلم . پس ملحق شوید به او در مکّه.» پس بیرون می آیند نجبایی (۲) از مصر و ابدال(۳) از شام و دسته های لشکر با قوّت از عراق که همگی عبادت کنندگانند در شب و مانند شیرانند در روز. دلهاشان در قوّت و شجاعت

۱- ۱ . « اختصاص شیخ مفید قدس سره ص ۲۰۸ ، «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۰۴ .

۲- ۲ . نجباء جمع نجیب به معنای افراد پاک سرشت و خوش نفس است. و عده ای از یاران حضرت را که از سرزمین مصر می باشند، نجباء گویند. «بحارالانوار» ج ۶۲، ص ۳۳۴).

۳- ۳ . ابدال به عده ای از یاران صالح حضرت که هرگاه یکی از ایشان از دنیا برود خداوند برای او جانشین قرار می دهد و ایشان اهل شام اند.

مثل پارچه آهن است. پس بیعت می کنند با آن حضرت در مابین رکن و مقام. عمران بن حصین که یکی از صحابه بود عرض کرد: «یا رسول اللّه اوصاف این قائم را برای ماها بگو.» حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «او مردی است از اولاد حسین، گویا او از مردان طایفه شنوه می باشد و طایفه شنوه یکی از نجبای طوایف عرب است پوشیده است دو عبای قطوانیّه. و اسم او اسِم من است. وقت ظهور او خوشحال می شوند حتی پرنده ها و طیور در میان آشیانه های خود و ماهی ها در قعر دریاها و آب نهرها زیاد می شوند و چشمه ها آبشان فراوان می گردد و زمین نبات آن دو مقابل روئیده می شود. بعد از آن حضرت روانه می شود با لشگری که پیش روی لشگر او جبرئیل است و دنبال لشکر او اسرافیل. پس پر می کند زمین را از عدالت همچنان که پر شده باشد از ظلم و جور.» و شیخ کلینی علیه الرحمه در کافی(۱) روایت کرده بسند خود از ابی خالد از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: این آیه شریفه « أَیْنَ مَا تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللّه ُ جَمِیعاً »(۲) مقصودش اصحاب حضرت قائم علیه السلام است که سیصد و سیزده نفرند. باز حضرت فرمود: (۳) امت معدوده واللّه ایشانند جمع می شوند به خدا قسم در یک ساعت واحده. مثل جمع شدن تکّه های ابر پائیزی که مجتمع می شوند در آنِ واحد و یکی می شوند امت معدوده:

« وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّهٍ مَعْدُودَهٍ »(۴) که بعد از این او می آید. و

۱- ۱ . «اصول کافی» ج ۸ (روضه) ص ۳۱۳، «تفسیر برهان»، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۳۱۶؛ «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۱۶ .

۲- ۲ . بقره ۱۴۸ . « (ای بندگان خدا) هر کجا باشید همه شما را خداوند بعرصه محشر خواهد آورد » .

۳- ۳ . «بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۱۶ .

۴- ۴ . هود: ۸ . « و اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین (هنگام مرگ) بتعویق اندازیم به جای توبه استهزا کنند » .

در بحار نقل کرده از کتاب اکمال الدّین(۱) صدوق (ره) که او روایت کرده به سند خود از مفضل بن عمر جعفی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود این آیه نازل شده « أَیْنَ مَا تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللّه ُ جَمِیعاً »درباره اصحاب قائم علیه السلام که شب از فراش خود مفقود و نایاب می شوند و صبح در مکّه حاضر می باشند و بعض آنها در روز سوار ابر می شوند و می روند . اسم خود او و اسم پدرش و حُلیه(۲) و نسب او را همه کس می داند و می شناسد. مفضل گفت: «عرض کردم کدام یک از این دو گروه ایمان او عظیم تر است؟» حضرت فرمود: آنانی که در روز سوار ابر شده می روند.» و در بحار(۳) نقل می کند از تفسیر عیّاشی که او روایت کرده از عبد الاعلی حلبی که او روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: از برای صاحب این امر غیبتی می باشد تا اینکه می فرماید) اوّل خلق خدا که با او بیعت می کند جبرئیل است. بعد از آن سیصد و سیزده مرد. امام علیه السلام فرمود: «هر که از آن سیصد و سیزده نفر بسیر آمده بود در همان ساعت اول سیر او به مکّه رسیده و کسی که بسیر نیامده در رختخواب خود مفقود شده نیافتند او را.» و این است قول امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که فرموده (اَلْمَفْقودُونَ عَن فَراشِـهِمْ) و این قول خداوند تعالی است « فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ أَیْنَ مَا تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللّه ُ جَمِیعاً » اصحاب قائم اند علیه السلام سیصد و سیزده نفر. باز امام فرمود ایشانند واللّه اُمت معدوده که خداوند فرموده « وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَی أُمَّهٍ مَعْدُودَهٍ » حضرت فرمود: همه مجتمع

۱- ۱ . «غیبت نعمانی»، باب ۱۳، ص ۳۴۸ ؛ «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۶۸ .

۲- ۲ . (الحلیه جمع حلی به معنای زیور از طلا و نقره و سنگهای قیمتی و به معنای چهره و سیمای آدمی یا صفت و اخلاق وی ــ صورت وسیرت ــ) الرائد ج ، ۱ .

۳- ۳ . «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۴۱، ادامه حدیث ۹۱ .

می شوند در ساعت واحده مثل تکّه های ابر پائیز که جمع بشوند بعد از تفرقه.» (۱) و باز در بحار روایت کرده از کتاب غیبت نعمانی (۲) به سند خود از مفضل بن عمر جعفی که گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: وقتی که اذن خروج امام برسد خدا را می خواند به نام عبرانی او . پس برای او سیصد و سیزده نفر مجتمع می شوند مثل تکّه های ابر پائیز و آن سیصد و سیزده نفر عَلَمداران لشکریان او هستند. بعضی از ایشان از رختخواب شبِ خود نایاب می شوند. پس صبح خود را در مّکه می بینند و بعضیشان در روز سوار ابر می شوند و معروف هستند بنام خود و پدر و حلیه و نسبشان.» مفضل می گوید: «عرض کردم فدایت شوم، کدامشان از نظر ایمان بزرگ هستند؟» فرمود: «آنها که روز سوار ابر شده و می روند.» و باز در بحار روایت کرده از کتاب غیبت نعمانی(۳) که او به سند خود روایت کرده از ابی خالد کابلی که از امام زین العابدین و هم از امام محمد باقر علیهماالسلام شنیده که فرموده اند: نایاب شده ها جماعتی هستند که شب در رختخواب خود مفقود می شوند و صبح در مکّه هستند. و این قول خداوند است « أَيْنَ مَا تَكُونُوا » الخ. آنها اصحاب قائم اند علیه السلام و در بحار(۴) نقل کرده از احتجاج طبرسی و هم از اکمال الدین صدوق علیه الرّحمه که به سند خود روایت کرده از حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام مدفون در ری که او گفت: «عرض کردم به خدمت امام محمد علیه السلام بن علی بن موسی علیه السلام ، من امید دارم که تو باشی قائم آل بیت محمد صلی الله علیه و آله وسلم آن قائمی که پر می کند زمین را از عدل همچنان که پر شده از ظلم و جور.» حضرت

۱- ۱ . «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۱۶ .

۲- ۲ . «غیبت نعمانی» باب ۲۰، ص ۴۴۵ .

۳- ۳ . «همان» باب ۲۰ ص ۴۴۵؛ «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۲۳ .

۴- ۴ . «کمال الدین وتمام النعمه» ج ۲، ص ۳۷۷ ، «بحارالانوار» ج ۵۱، ص ۱۵۷ .

جواد فرمود: یا اباالقاسم نیست از اما اَحِدی الاّ اینکه قائم به امر اللّه عزّوجلّ است . و هادی دین خداست، ولکن آن قائمی که خداوند پاک می کند به او زمین را از اهل کفر و جحود (منکران حقیقت) و پر می کند زمین را از عدل و قسط او و آن کسی است که ولادت او مخفی می شود از نظر مردم و شخص او غائب می شود از نظر مردم. و حرام است بر مردم که اسم او را ببرند و او همنام پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و هم کنیه اوست. و او کسی است که طیّ الارض زمین را داراست و هر امر سختی برای او آسان و خوار می شود و جمع می شوند برای او اصحابش به عدد و لشکر روز بدر یعنی سیصد و سیزده مرد از اقصی بلاد. و این است قول خداوند تعالی « أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّه ُجَمِيعاً » پس هر گاه جمع شد برای او این مقدار مرد از اهل اخلاص امر خود را ظاهر می کند. پس هر گاه کامل شد برای او [اهل [عقد و پیمان و آن عبارت است از ده هزار نفر مرد خروج می کند به اذن خداوند عزّوجلّ. پس علی الدوام می کشد دشمنان خدا را تا راضی بشود خداوند». عبد العظیم علیه السلام می گوید: «عرض کردم ای سیّد من، از کجا می داند و می فهمد که خدا راضی شده؟» امام محمد جواد علیه السلام فرمود: «خداوند رحمت را به دل او می اندازد و پس هر گاه داخل مدینه شد لات و عزّی را بیرون می آورد و می سوزاند آنها را.»

و باز در بحار(۱) نقل می کند از کتاب اکمال الدین صدوق علیه الرحمه که به سند خود روایت کرده از ابو خالد کابلی از امام زین العابدین علی بن الحسین علیهماالسلام که فرمود: آنها که مفقود می شوند از فراش خواب خود سیصد و سیزده مردند به عدد اهل بدر. پس صبح در مکه هستند و آن قول خداوند عز و جل است « أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّه ُجَمِيعاً » و آن

۱- ۱ . «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۳۶۸ ، «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۲۳ .

جماعت اصحاب قائم علیه السلام هستند .

قلب هایی چون پاره های آهن

باز در بحار نقل کرده از کتاب بصائر الدّرجات(۱) که او به سند خود روایت می کند از سعد از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: احادیث ما صعب اند و مستصعب قلب هر کسی متحمل آنها نمی شود مگر آنکه ملك مقرّب باشد یا نبیّ مُرسل و یا مؤمنی که از نظر ایمان امتحان شده باشد و ولایت مداری او دارای قلعه بندی و محکم و استوار باشد پس امر سلطنتِ ما که رسید و واقع شد و حضرت مهدی علیه السلام ، ظهور کرد هر یک از شیعیان ما جری تر می شود از شیر درّنده و بُرنده تر از نیزه دشمن ما را به پای خود پایمال می کند و به دست خود می زند و آن در وقت نزول رحمت خداست و خوشحالی اوست بر بندگان.

و باز در بحار(۲) نقل کرده از کتاب خصال صدوق که او به سند خود را روایت کرده از ثویرابن ابی فاخته از جناب علی بن الحسین علیه السلام که فرمود: هرگاه قائم ما قیام کند خداوند تعالی هرگونه مَرَضی و عاهتی را از شیعیان ما برمی دارد و دلهای ایشان را می کند مثل پارچه آهن و قوت و نیروی هر یک از آنها را می کند قوت چهل مرد و حکّام زمین می کند آنها را و کوهها برای آنها زمین می شود.

و در بحار(۳) نقل کرده اند از کتاب غیبت شیخ طوسی علیه الرحمه که او روایت کرده به سند خود از ابی الجارود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: به درستی که قائم علیه السلام پادشاهی می کند سیصد و نه سال به آن

۱- ۱ . «بصائر الدرجات» ج ۱، ص ۲۴ ، «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۱۸ .
۲- ۲ . «خصال» ج ۲، ص ۵۴۱ ، «بحارالانوار» ج ۵۲ ، ص ۳۱۶ .
۳- ۳ . غیبت شیخ طوسی» / ۳۰۵ «بحارالانوار» ، ج ۵۲ ، ص ۳۹۰ .

مقـدار که اصـحاب کهف مـدت درنگشان در کهف (غار) همین بود، پُر می کنـد زمین را از عدل و قسط همچنان که پُر شده باشـد از جور و ظلم. و فتـح می کنـد خداونـد برای او شـرق و غرب زمین را. و می کشـد مردم را تا اینکه نماند الاّ دین محمد صلی الله علیه و آله وسلم . راه می رود به سیره سلیمان بن داود .

مجلسـی علیه الرحمه (ذیـل روایات مـدت حکومت) فرمایشـی دارد و خوب می فرمایـد که روایات مختلف وارد شـده انـد در مدت سلطنت آن حضرت چنانچه به هفتاد سال هم روایت هست و این اختلاف محمول است بر اینکه بعض روایات تمام زمان او را گفته انـد و بعض روایات زمان اسـتقلال او را بر تمام روی زمین گفته انـد و از ابتـداء جنگ و جـدال او را (شایـد) نگفته باشند .

در بحار(۱) نقل کرده از اکمال الدین صدوق رحمه الله که او روایت کرده به سند خود از جابربن یزید جعفی از حضرت امام محمد باقر علیه السـلام که فرمود: گویا می بینم اصـحاب قائم علیه السلام را که احاطه کرده اند به تمام خافقین. زمین را نیست چیزی الاّ اینکه مطیع آنها می شود. حتی درنـده های زمین و درنده های مرغان و طیور آسـمان و به رضای آنها سـعی می کند هر چیزی حتی اینکه فخر می کند زمینی به زمین دیگر و می گوید به آن امروز یکی از اصحاب قائم بر من گذر کرد.

باز در بحار(۲) نقل کرده از اکمال الدین که او روایت کرده به سـند خود از ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود بود کلام حضرت لوط که گفت « لَوْ أَنَّ لِی بِکُمْ قُوَّهً أَوْ آوِی إِلَی رُکْنٍ شَدِیدٍ »(۳) الاّ اینکه تمنّی کرد قوت

۱- ۱ . «همان» ج ۲، ص ۶۷۳ « نوادر الکتاب » ، «بحارالانوار» ج ۵۲ ، ص ۳۲۷ .

۲- ۲ . «کمال الدین و تمام النعمه » ج ۲ ، ص ۶۷۳ . « نوادر الکتاب » ، «بحارالانوار»، ج ۵۲ ، ص ۳۲۷ .

۳- ۳ . هود، ۸۰.

قـائم علیه السـلام را ، و ذکر نکرده حضـرت لـوط الاّـ شـدّت و قوت اصـحاب قـائم را که هر مردی از آنهـا قوت چهـل مرد را خداوند به او داده و قلب هر یک از ایشان قوی تر و سـخت تر است از پارچه آهن و اگر به کوه آهن برخورند آن کوه را تکه و پاره می کنند. شمشیر از سر مردم [ظالم و معاند با حق] برنمی دارند تا خداوند را راضی کنند.

فتح قله ها با عزم ایمان

بحار(۱) روایت کرده از کتـاب اکمـال الـدین صـدوق علیه الرحمه که بسـند خود روایت کرده از ابو بصـیر که گفت حضـرت صادق علیه السـلام فرمود: هرگاه امور دنیا به دست صاحب این امر یعنی حضـرت قائم علیه السـلام رسید و امر به او منتهی شد خداونـد تعـالی هر زمین پست را برای او بلنـد می کنـد و هر زمین بلنـد را برای او پست می کنـد. تا اینکه تمام دنیا نزد او مثل کف دست او می شود. کدام یک از شما هرگاه یک دانه مُو در کف دست او باشد نبیند آن را .

و در بحار(۲) نقل می کند از کتاب مختصـر تألیف حسن بن سـلیمان که او روایت می کند از اربعین سعد اربلی به سند متصل به هشام بن سالم از حضـرت صادق علیه السـلام که فرمود: از برای خداوند عزّ و جل هست شـهر عظیمی در مشـرق که نام آن جابلقا است. از برای اوست دوازده هزار دروازه از طلاما بین هر دروازه تا دروازه دیگر یک فرسـخ راه است. بر سـر هر دروازه از آن دروازه ها برجی ساخته شده و در آن برج دوازده هزار مرد جنگی ساکن هست و همه مشغول آراستن اسبان خود هستند که از دم و

ص: ۱۶۷

۱- ۱ . «همان » ج ۲ ص ۶۷۴ ، « نوادر الکتاب » ، «بحارالانوار» ج ۵۲ ، ص ۳۲۸ .

۲- ۲ . «بحارالانوار»، ج ۲۷ ، ص ۴۷ .

یال اسبان خود موهای زبر را جدا می کنند و شمشیر و اسلحه خود را برهنه کرده و ملاحظه می کنند تمام ایشان منتظر آمدن قائم آل محمد صلی اللّه علیهم اجمعین هستند و من حجت خدا هستم بر همگی آنها.

تمّ فی شهر جمادی الاولی ۱۳۳۸

مخفی نماند آنچه را در این رساله مختصر ذکر نموده صد یک آنچه وارد شده از ائمه طاهرین و رسول خدا صلی اللّه علیهم اجمعین در شئونات امام قائم روحی له الفداء و عجّل اللّه تعالی فرجه نمی شود و مقصود ما از اختصار این بود که مردم دماغ [حال و حوصله] آنها وفا کند به دیدن و خواندن آن و از آن ملالی به هم نرسانند به سبب طولانی بودن کتاب.

و دیگر آنکه در روایات متواتره از ائمه هدی و رسول خدا صلی اللّه علیه و علیهم اجمعین وارد شده : (من مات وَ لَمْ یَعْرِفْ اِمامَ زَمانِه ماتَ مَیْتَهَ الجاهِلِیَّه)(۱) و علمای اهل تسنن نیز به طرق خودشان آن را از جناب رسول خدا روایت کرده اند و معرفت امام به این است که امتیازات او را از سایر خلق برسی و بدانی و اعتقاد کنی او را به همین کمالات و صفات مخصوصه از خداوند تعالی نه اینکه هیچ نفهمی ، و سراپی نشوی(۲)

۱- ۱ . «بحارالانوار»، ج ۲۳ ، ص ۷۶ . این حدیث شریف بطور متواتر در بسیاری از کتب روائی آمده است و مرحوم علامه مجلسی قدس سره نیز در ج ۲۳ و همچنین جلدهای دیگر «بحارالانوار» از جمله ج ، ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۳۲ و ۳۶ و ۳۷ ،... و مجلدات دیگر با مختصر اختلافی نقل کرده است . علاوه بر منابع شیعه در منابع اهل سنّت هم این روایت با الفاظ مختلف آمده است هر چند با توجّه به نگاه این دو گروه به مسأله امامت برداشت از این روایت هم متفاوت است نک: «ینابیع الموده» الجزء الثانی ص ۵۲۴، «الملل و النحل» ج ۱/۱۷۲، «مسند احمد» بن حنبل ج ۴/۹۶.

۲- ۲ . دنبال نکنی ، پی جویی ننمایی .

امتیازات او را از سایر خلق و به لفظ بگویی آن امام من است .

والسلام و الصلوه علی محمد و اله الطاهرین

و لعنه اللّه علی اعدائهم اجمعین

کتبه ملک الخطّاطین الشّریفی

فی شهر شعبان المعظم / ۱۳۳۹

ص: ۱۶۹

یک سؤال مهم و...

یک سؤال مهم و جواب آن درباره ولایت فقهاء عادل و استمرار امامت(۱)

ص: ۱۷۰

---

۱ – ۱ . برای اثبات حکومت و ولایت در عصر غیبت علاوه بر دلیل عقلی محض که همان برهان ضرورت قانون و نظم در اجتماع و جامعه اسلامی است. دلیل نقلی فراوانی در این باره وجود دارد به بخشی از آنها اشاره می کنیم و با یادآوری این مطلب که فهرست آثار پدید آمده توسط علمای بزرگوار از دیرباز در این باره خود کتاب مستقلی را می طلبد.۱- امام صادق علیه السلام : «العلماء ورثه الانبیاء» («اصول کافی» ج ۱/۳۲)

سؤال بعض خوانین عظام از حدیث علماء اُمّتی کانبیاء بنی اسرائیل(۱)

---

۱ – ۱ . این حدیث شریف در منابع روائی ما آمده است و علمای بزرگوار شیعه نیز در کتب مختلف به شرح و توضیح آن پرداخته اند البته روایت با تعبیرهای « علماء امتی انبیاء بنی اسرائیل» یا «کأنبیاء بنی اسرائیل » یا «أفضل من أنبیاء بنی اسرائیل » آمده است در کلامی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «افتخر یوم القیامه بعلماء امتی فاقول علماء امتی کسائر الانبیاء قبلی) (جامع الاخبار، ص ۳۸) و در سخنی دیگر از امام رضا علیه السلام آمده است: «منزله الفقیه فی هذا الوقت کمنزله الانبیاء بنی اسرائیل (بحار الانوار ج ۵۷ / ۳۴۶ ح ۴. و این روایت در بعضی از نوشته های علما اعلام در بحث ولایت فقهاء عادل مورد استناد قرار گرفته است و چنین نتیجه گرفته شده است که همان گونه که انبیاء بنی اسرائیل حجت الاهی بر مردم عصر خویش بوده اند پس فقها عظام عادل نیز در عصر غیبت حجت خدا هستند و باید مردم به ایشان مراجعه نموده وأخذ أحکام اسلام از ایشان نمایند ناگفته نماند که روایات بسیاری نیز چون توقیع شریف امام زمان علیه السلام که می فرماید : «و امّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها إلی رواة أحادیثنا » «الوسائل»، ج ۱۸، ص ۱۰۱ این معنا را تأیید می کند و بحمد اللّه پس از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی قدس سره تا اندازه ای حق این مطلب (ولایت فقیه) ادا گردید ... اما چگونه می شود که علماء امت پیامبر افضل از انبیاء بنی اسرائیل باشند هر چند در صدد تفسیر این روایت نیستیم ولی جهت روشن شدن بحث ناچاریم مقداری توضیح دهیم . مطلب اوّل اینکه اصلاً منظور از علماء امتی ائمه معصومین علیهم السلام باشند که از ایشان روایت های مختلفی هم نقل شده است که فرموده اند : « نحن العلماء وشیعتنا المتعلمون وسایر الناس غثاءٌ » یا در تفسیر آیه مبارکه « فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِن کُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ »(نحل / ۴۳) آمده است « نحن أهل الذکر » و روشن هست که وجه شبه در اینجا همان عصمت و حجت بودن ایشان بر خلق هست و اطاعت ایشان اطاعت خداست که فرمود : « أَطِیعُوا اللّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ »(نساء / ۵۹) . مطلب دوّم اینکه ــ مراد علماء امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم باشد مخصوصاً علمائی که در عصر غیبت کبری می آیند و با این حال که معصوم علیه السلام را حضوراً درک نکرده اند ولی ایمان راسخ دارند و در راه حق ثابت قدم هستند که در وصف ایشان آمده است « الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ » و در روایات بسیاری ائمه علیهم السلام از ایشان تمجید کرده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : « اللهمّ ارحم خلفائی » وقتی از حضرت سئوال شد خلفاء شما چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بعد از من می آیند و احادیث مرا (در مقام ترویج و تعلیم) روایت می کنند.» «وسائل الشیعه» ج ۱۸، باب ۸ حدیث ۵۰. دیگر اینکه اگر علماء را چون انبیاء بنی اسرائیل دانسته اند علت آن این است که علمای امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در زمانی به سر می برند و در عصری به دنیا پا نهادند که قرآن نازل شده است و معارف ناب الاهی را خدای متعال به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای مردم فرستاده است. معارفی که علمای ربانی ما با آن در اسلام آشنا شده اند در ادیان سابقه نبوده است و لذا از این جهت افضل از انبیاء بنی اسرائیل اند . به خاطر همین معارف و برنامه دقیق عبادی اسلام و راهی که با قرآن و عترت نشان داده شده شده است. برای نیل به کمال و سعادت از برنامه انبیاء گذشته کاملتر است و این در اختیار علما امت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قرارداد ــ و این علما هستند که مرجع احکام دقیق و عالی اسلام هستند و بر دیگران لازم است رجوع به ایشان برای اخذ احکام ــ . علمای بنی اسرائیل علیهم صلوات اللّه ــ هر چند زحمات فراوانی را متحمل شدند برای نشر معارف توحیدی دین خدا ولی زحمات

علمـای ربـانی امت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم برای نشـر معارف الهی قرآن کریم و دین اسـلام در زمانهای پس از اسـلام تا به امروز نیز بسیار طاقت فرسا بوده است کارهای بزرگ اوتاد و بزرگانی چون شیخ مفید، مرحوم کلینی، مرحوم شیخ طوسـی ، مرحوم صـدوق و علامـه بزرگوار مجلسـی رضوان اللّه علیهم و... در راه انتشار اسـلام کاری است بسـیار بزرگ نکته دیگر اینکه انبیـاء بنی اسـرائیل علیهم السـلام بـا لطف و عنـایت الاهی تحمل مشـقات و ظلم ظالمان را نمودنـد یعنی با توجه به اینکه پیـامبر بودنـد ، و با دسـتگاه غیب در ارتباط ولی علمای ما [شـیعه] با این حال که چون انبیاء فرشـته وحی بر ایشان نازل نمی شد ودارای مقام عصمت نبودند ـ مجاهده کردند و با تلاش و کوشش خویش نتیجه زحمات پیامبران عظام علیهم السلام را برای نسل های آینده حفظ، ترویج و تفسـیر نمودند ـ و براستی این معارف به وجود این علمای ربانی حفظ و حراست شد . مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۴۳۴ با اضافات :

و جواب ان است.

بسم اللّه الرحمن الرحیم

از آنجایی که مشیّت باری تعالی جلّ شأنه تعلّق گرفت به اینکه اوصیای خاتم انبیا صلوات اللّه و سلامه علیه و علیهم اجمعین بیش از او دوازده نفر نباشند و سلسله انبیاء هم ختم شده بود که دیگر پیغمبری نیاید و بالضروره خلق محتاجند در عبادات و معاملات و مناکحات و حدود و دیات و اعمال واجبه از صوم و صلوه و حج و زکوت و خمس و مال امام علیه السلام و امور مملکتی و رعیّتی از مزارعه و مساقات و اجاره و عاریه و وصایا و اوقاف و دعاوی و مرافعات و امور فتوی و استنباط احکام الاهی از مأخذ صحیح وارد از مصدر ائمه علیهم السلام بشرط قابلیت و اهلیت آن شخص مستنبط و فرض این است که وصی دوازدهم عجل اللّه

ص: ۱۷۳

تعالی فرجه و ارواحنا له الفداء اگر چه زنده است، و لکن در دسترس خلق نیست که این احتیاجات مذکوره را از او اخذ کنند و عمل کنند و خداوند علیم حکیم هرگز حاضر نیست این امور را مهمل و معطل بگذارد تا زمان ظهور او و (الاّ) خلق از کافر و مسلمان و شاه و رعیت و غنی و فقیر خواهند گفت خداوندا در روی زمین کسی نداشتی که دست ما به او برسد و این احتیاجات که زندگی نوع بشر بر آن بالضروره منوط است از او اخذ کنیم و عمل کنیم. پس به چه جهت ما را مؤاخذه می کنی و به جهنم می بری و می گویی چرا در جمیع امور خود به روش و حکم من عمل نکردید و به افکار خودتان و شهوات ناپسندیده خودتان هر نحو خواسته عمل کردید .

معارف اسلام و حفظ این گوهرها

به جهتی که گذشت از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تا زمان امام حسن عسکری علیه السلام که مدت دویست سال زمان ائمه علیهم السلام بود چهارصد کتاب(۱) تألیف شد و فرقه روات اخبار شیعه را از ائمه علیهم السلام اخذ کردند و شنیدند و نوشتند و باقی گذاشتند در اصول و فروع و توحید و تنزیه خداوند و کیفیت معاش و معاد و حلال و حرام و معاملات و بیوعات و اجارات و مناکحات و وصایا و اوقاف و حدود و دیات و جراحات و تفسیر قرآن و قصص و حکایات انبیای سلف و اخبار آینده از وقایع ایام رجعت امام علیه السلام و معاجزی که از ائمه سر زده بود و خود همان روات اخبار و شیعیان معاصر ائمه علیهم السلام بودند و به چشم خود آن

---

۱ - ۱ . اشاره به تالیف ۴۰۰ اصلی است که از سوی روات و عالمان علوم الاهی انجام پذیرفت. هر چند بخشی از این اصول امروز در دست ما نیست. اصل آن است که راوی خود در مجلس معصوم علیه السلام حاضر بوده و بدون واسطه مطلبی را از امام شنیده و ثبت کرده است.

معجزات را مشاهده کرده و نوشته و خبر داده و در کتب ثبت کرده اند که الآن مدت هزار سال بیشتر است از زمان غیبت امام علیه السلام تاکنون یک حدیث و یک روایت از آن آثار و اخبار صادره از ائمه باقی مانده تا الیوم از اصناف علوم از دست نرفته و محفوظ و محروس مانده و طبقات علمای اعلام رضوان اللّه علیهم دست به دست و طبقه به طبقه آنها را حفظ نموده و ضبط کرده و یک حرف و یک کلمه از آنها تغییر و تبدیل نیافته. و چون وضع این چهارصد کتاب بر این بود که راوی حدیث که صاحب آن کتاب بود در مدت عمر خود در مجلسی که خدمت امام می رسید صد مسأله می پرسید و می نوشت. یکی در دیات و یکی در نماز و یکی در نکاح و طلاق بود میان هم (درهم). این گونه کتاب ها را راوی در مدت عمر خود از امام شنیده و نوشته بود، دیدند این کار صعبی [سخت[است که کسی بخواهد ببیند حدیثی را مثلاً در صوم یا در حج هست یا نیست تمام این چهارصد کتاب را باید نگاه کند. از اول تا آخر این بود که علمای اعلام از زمان غیبت صغری به بعد در صدد شدند اخبار طهارت را جدا و اخبار صلوه را جدا جمع کنند در یک کتاب ، اخبار دیات را در کتاب جدا ، اخبار معجزات را در کتابی جدا این بود که اصول کافی(1)

۱- ۱ . کتاب «اصول کافی» تألیف مرحوم محمّـد بن یعقوب کلینی قدس سره است و اوّلین کتاب از کتب اربعه است. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی می فرماید : « مانند آن در میان کتب منقول از آل رسول صلی الله علیه و آله وسلم کتابی نوشته نشده است . این کتاب مشتمل است بر ۳۴ کتاب و ۳۲۶ باب ، و تقریباً دارای ۱۶۰۰۰ هزار حدیث ، در این کتاب شریف که مؤلف آن حق بزرگی بر گردن شیعیان دارد . ۵۰۷۲ حدیث صحیح ، ۱۴۴ حدیث حسن ، ۱۷۸ حدیث موثق ، ۳۰۲ حدیث قوی... وجود دارد . نکته در خور دقت اینکه تنها این کتاب شریف ۱۹۹ حدیث بیشتر از صحاح سته روایت دارد ، این کتاب شریف در عصر غیبت صغری نوشته شده است و تالیف و تدوین آن بیست سال طول کشیده است . (الذریعه ج ۱۷/۲۴۵)

نوشته شد ارشاد مفید(۱) و سایر کتب او نوشته شد . تهذیب(۲) و استبصار(۳) نوشته شد، کتب صدوق نوشته شد(۴)، احتجاج طبرسی(۵) نوشته شد، مناقب(۶) ابن شهرآشوب نوشته شد که هر کسی هر حدیثی را بخواهد در

۱- ۱ . «ارشاد» کتابی است در شناخت حجج الاهی بر بندگان و از تألیفات ارزشمند شیخ مفید مرحوم آقا بزرگ تهرانی می فرماید: در ارشاد تاریخ زندگی ائمه علیهم السلام آمده است و در این کتاب بخشی از معجزات نیز آورده شده است .

۲- ۲ . «تهذیب» یکی از کتب چهارگانه مهم شیعه است و دارای روایات بسیار و از زمان تألیف مورد اعتماد فقهای بزرگوار بوده است . مرحوم آقا بزرگ تهرانی می فرماید : شرح و حواشی این کتاب قابل شمارش نیست و این کتاب شریف مشتمل بر ۱۳۵۹۰ حدیث می باشد و سومین کتاب از کتب اربعه محسوب می شود.

۳- ۳ . «استبصار» یکی دیگر از کتب مهم روایی شیعه و چهارمین کتاب از کتب اربعه می باشد واز زمان تألیف تأکنون برای استنباط احکام مورد مطالعه علمای بزرگوار قرار گرفته است و دارای جایگاه ویژه ای می باشد و دارای سه جزء می باشد. دو جزء آن در عبادات و جزء سوم در بقیه ابواب فقه ، و تاکنون ده ها بار مورد چاپ قرار گرفته است و در نقاط مختلف، برای این کتاب چندین شرح وتعلیقه نوشته شده است. (الذریعه، ج۲، ص۱۴).

۴- ۴ . مرحوم محمّد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به صدوق و استاد شیخ مفید از علمای بزرگوار شیعه می باشد و یکی از کتابهای گرانبها و سترگ ایشان خصال می باشد که در اخلاق و خصال محموده ومذمومه نگاشته شده است و دارای بابهای مختلفی نیز می باشد و یکی از منابع مهم روایی شیعه محسوب می شود . (الذریعه، ج ۷، ص ۱۶۲)

۵- ۵ . «احتجاج» یکی از کتب مهم و درخور توجه می باشد که پیرامون عقاید حقه نگاشته شده است هر چند در باره اینکه از مصنفات صاحب مجمع البیان (تفسیر معروف) می باشد یا نه بین علما اختلاف وجود دارد. بعضی قائلند که از تألیفات ایشان است و عده ای قائلند احتجاج نوشته احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی است که ابن شهر آشوب هم در معالم العلماء به آن اشاره نموده است . مرحوم سید محسن امین در مقدمه مجمع البیان چاپ کتابخانه آیه العظمی مرعشی نجفی آورده است « وعدّ غیر واحد من العلماء کتاب الاحتجاج من مصنفاته و هو غلط بل هو من مصنفات احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی کما صرح به ابن شهر آشوب فی (معالم العلماء و غیره علی ما حکی) .

۶- ۶ . «مناقب آل ابی طالب» نوشته عالم بزرگوار شیخ رشید الدین محمّد بن علی بن شهر آشوب السروی المازندرانی است که در سال ۵۸۸ رحلت نموده است . نویسند راهؤلفان در کتب تراجم به عنوان متکلم ، واعظ ، فقیه ، محقّق ، معرفی نموده اند و علت اینکه ایشان در حلب از دنیا رفته اند را دلایل مذهبی می دانند که ایشان دوره سلجوقیان را برای اقامت خویش در ایران مناسب نمی دانند و لذا زادگاه خویش را ترک نموده به حلب می رود و البته در آنجا مورد احترام شیعه و سنی و شخصیتهای علمی چون زمخشری ، محمّد غزالی ، خطیب خوارزمی نیز قرار می گیرد ... کتاب مناقب او بسیار مورد توجه علما قرار دارد و چندین بار به زیور طبع هم آراسته گردیده است . مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی می فرمایند : از «صراط مستقیم» شیخ زین الدین بیاض به دست می آید که مناقب اصلش مفقود شده است و آن کتاب بزرگی بوده... و آنچه موجود است منتخبی از مناقب می باشد... و می فرماید : مناقب حاضر کامل هم نیست چون احوال امام زمان علیه السلام در آن نیامده است... » (الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۱۹ و ۳۱۸ ، با تلخیص).

باب خود به آسانی به دست بیاورد. این اختلاف علما در فتوی از روی فهم کلمات ائمه علیهم السلام می باشد. چون که کلمات آن حجج الاهی افصح کلمات است و در بلاغت و گنجاندن مطالب علمی در ضمن کلام مختصری در نهایت خوبی است ، و هر عالمی که فهم و ادراک او بیشتر است و استاد بودن او در علوم و مهارت او فائق است چیزی درک می کند که آن عالم مرتبه پائین تر درک نمی کند و از جهت این است که باید تقلید خلق از مجتهد اعلم باشد. چون که مهارت او بیشتر است و فهمیدن کلمات ائمه علیهم السلام را به وجه صحیح تر درک می کند. پس در این زمان غیبت امام علیه السلام حجت خدا بر خلق همین علمای اعلام هستند که مردم بعد از تفحّص و تجسّس از اجتهاد آنها و عدالت و دیانت ایشان در جمیع این امور مذکوره گوش به آنها باید بدهند و احکام الاهی را از آنان باید اخذ کنند و عمل نمایند تا از آتش موعود خداوندی نجات یابند و اگر نکنند و کوتاهی کنند مستحق نار جهنم باشند و حجتی بر خدا ندارند

ص: ۱۷۷

حال اگر در میان صد نفر یا دویست نفر عالم ناقص العلم یا ناقص الدّیانه یا ناقص در هر دو بخش چنانچه بالعیان می بینیم پیدا نشود الا دو نفر یا یک نفر عالم مجتهد صحیح العلم و الاجتهاد و الدّیانه ضرر نمی رساند به اینکه حجت خدا بر خلق تمام است. البته باید مردم از آن صد نفر و دویست نفر تبرّی داشته باشند و متابعت آن یک نفر و دو نفر صحیح و تام العلم و العمل را بکنند و این مرتبه از اعظم مناصب انبیای عظام بنی اسرائیل و غیر بنی اسرائیل بوده که حجت خدا بر خلق بوده اند و اهل هر عصری مأمور بوده اند به متابعت آنها و اخذ امور معاش و معاد از آنها و مخالفت آنها حرام و متابعت آنها واجب و از این جهت حدیث شریف که فرمود: (علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل)(۱) صحیح و درست فرموده. و معنی آن این است که همان نحوی که آنهاحجت بر خلق زمان خود بوده اند در این زمان غیبت علمای امت خاتم انبیا صلوات اللّه و سلامه علیه و اله حجت بر خلق اند. و در روایتی امام علیه السلام به راوی حدیث می فرماید: یکی از شماها در محله یا کوچه هستید خداوند تعالی به تمام اهل آن کوچه و آن محله احتجاج می کند به وجود شما .

وظیفه در عصر غیبت امام عصر علیه السلام

و در روایت(۲) دیگر امام علیه السلام می فرماید: مرافعات و منازعات و خصومات شما باید نزد کسی باشد که معرفت به احکام ما داشته باشد؛ یعنی مجتهد صحیح الاجتهاد و صحیح الدّیانه و تامّ العلم و العمل و حکم مابین شما را او بکند و هیچ کس حکم او را ردّ نکند و اگر کسی سر

۱- ۱ . «احتجاج» ج ۲، ص ۲۶۰ ، «بحارالانوار» ج ۲۴ ، ص ۳۰۷ .

۲- ۲ . «اصول کافی» ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰ باب اختلاف الحدیث .

پیچد از حکم او و ردّ کند، بر ما ردّ کرده و ردّ بر خدا کرده و ردّ بر خدا شِرک است. و فرمود: هر کسی که مرافعه و خصومت خود را نزد غیر مجتهد سابق الذّکر که بیان کردیم ببرد نزد طاغوت رفته و خداوند تعالی در قرآن مجید فرموده « أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ »(۱) و هر گاه آن کس حکم کرد و مال را به حکم او گرفت آن مال را به حکم طاغوت گرفته و حال آنکه خداوند تعالی فرموده که کافر شوند به طاغوت نه اینکه به قول او عمل کنند .

روایات باب علم و ارزش علما

مجلسی علیه الرحمه در بحار(۲) روایت کرده از کتاب اکمال الدین شیخ صدوق رحمه اللّه علیه که او به سند خود روایت کرده از ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: به درستی که خداوند تبارک و تعالی زمین را نمی گذارد بدون عالمی که در آن باشد؛ و اگر چنین نباشد شناخته نمی شود حقّ از باطل. و در کافی(۳) روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود : (النّاسُ ثَلاثَةٌ عالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ و غَثآءٌ) و غثا آن اشغال و پروپوشی را می گویند که بر روی سیلاب می رود. باز در کافی(۴) روایت کرده به سند خود از ابو حمزه ثمالی از جناب سیّد السّاجدین علیه السلام که فرمود: اگر مردم

۱- ۱ . نساء، ۶۰.

۲- ۲ . «بحارالانوار»، ج ۲۳، ص ۳۶ .

۳- ۳ . «اصول کافی» ج ۱، ص ۳۴ ، ح ۲، نک همان حدیث چهارم که مضمونش با این حدیث نزدیک است به همراه با توضیحی زیبا و جالب که امام علیه السلام عالم و متعلم و غثاء را معرفی می کنند. در همان صفحه حدیث سوم از ابی حمزه ثمالی آمده است: قال: قال لی ابوعبداللّه علیه السلام اُغْدُ عالما او متعلما اواحب اهل العلم، ولاتکن رابعا فتهلك ببغضهم.

۴- ۴ . «اصول کافی» ج ۱، ص ۳۵ : باب ثواب العالم و المعلم .

بداننـد قدر علم نزد خداوند چه مقدار است، هر آینه آن را طلب می کنند ولو اینکه جان خود را در معرض تلف ببینند، ولو به اینکه به دریاها فرو روند به جهت تحصیل آن . و فرمود خداوند تعالی وحی فرستاد به دانیال پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم : به درستی که مبغوض ترین بنـدگان من نزد من جاهلی است که اسـتخفاف می کند به حقّ اهل علم و ترک می کند اقتدای به او را. و بـاز در کافی(۱) روایت می کند از حضـرت صادق علیه السـلام در تفسـیر آیه « إِنَّمَا یَخْشَی اللّه َ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ »(۲) فرمود: قصـد کرده است خداونـد به علما آن کسـی را که فعل او مصـدّق قول او باشـد. و آنکه فعل او مصدّق قول او نباشد او عالم نیست. و صدوق علیه الرّحمه در کتاب من لا یحضرهُ الفقیه(۳) روایت کرده در جمله وصایای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که به جناب امیرالمؤمنین علیه السلام می کند می فرماید: یا علی خواب عالم نزد خداوند افضل است از عبادت عابد. یا علی دو رکعت نماز که عالم می خواند نزد خداوند افضل است از هزار رکعت که عابد به جای می آورد.

و باز در کافی(۴) روایت می کند از حضرت صادق علیه السلام که در جمله حدیثی می فرماید: انسان عالم اجر او نزد خداوند اعظم است از انسان همیشه روزه دار و همیشه شب سر پا ایستاد (که دائما) نماز بخواند و همیشه شمشیر به گردن در راه خدا جهاد کند .

۱- ۱ . «همان»، ج ۱ ص ۳۶؛ باب صفه العلماء .

۲- ۲ . فاطر، ۲۸ .

۳- ۳ . «من لا یحضره الفقیه »، ج ۴ ، باب النوادر ، ص ۳۶۷ ، «بحارالانوار» ج ۷۷، ص ۵۷، ج ۲، ص ۲۲ .

۴- ۴ . «اصول کافی» ج ۱ ، کتاب « فضل العلم » ص ۳۷ ، باب حق العالم حدیث ۱ ، «بحارالانوار» ج ۲ ص ۴۳ ، ج ۲ ص ۱۷ .

علمای ربانی و...

علمای ربانی و تشکیل حکومت اسلامی و لزوم حمایت مردم از ایشان.(۱)

حال یک مقدار از امور و مناصبی که خداوند در این زمان غیبت امام علیه السلام امر آنها را در دست مجتهد عادل صحیح گذاشته واحدی را مرخص نکرده تخلف کند ــ از اذن او و امر و نهی او ــ برای تو بیان شود(۲)

۱ـ ۱ . دین مبین اسلام به عنوان کاملترین دین و برنامه تا روز قیامت باقی است و احکام آن نیز لازم الاجراست و جاودانگی احکام و برنامه ها ایجاب می کند تشکیلاتی وجود داشته باشد برای حفظ و اجرای آن. علاوه بر دلایل متّقن نقلی، عقل هر عاقلی حکم می کند که تشکیل یک نظام و حکومت اسلامی لازم است. در زمان حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّه معصومین علیه السلام تشکیل حکومت بر عهده ایشان است؛ ولی در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام وضعیت چگونه خواهد بود؟ آیا خدای تعالی که حکیم، علیم و مدبّر است برای دوره غیبت برنامه ای دارد یا خیر؟ به عقیده ما دلایل اثبات نبوت امامت را ثابت می کند و دلایل لزوم امامت نیز برای لزوم حکومت در دوره غیبت کافی است. از این مقدّمه نتیجه می گیریم که برای اجرای احکام اسلامی در دوره غیبت باید کسی تعیین شده باشد؛ هر چند به صورت یک قاعده و قانون قابل تطبیق. و این قانون و ضابطه هم از سوی معصومین علیهم السلام بیان می شود. در دوره غیبت ولایت و رهبری امّت بر عهده فقیه عادل است و در حقیقت این فقه و علم و آگاهی و عدالت است که حکومت می کند نه شخص حاکم. امام خمینی قدس سره که خود بنیان گذار نظام مقدّس جمهوری اسلامی است، می فرمایند: «بر فقها واجب است که در حد امکان، حدود الاهی را جاری سازند و صدقات و خراج و خمس را از مردم بگیرند و در راه مصالح مسلمانان و تأمین زندگی سادات فقیر و دیگر مستمندان و سایر نیازهای اسلام و مسلمین به مصرف برسانند. نکته مهم در این بحث این است که در تمام مسایل مربوط به حکومت، همه آنچه که از اختیارات و وظایف پیامبر و امامان علیهم السلام پس از او محسوب می شود در مورد فقهای عادل نیز معتبر است. البته لازمه این امر، این نیست که رتبه معنوی آنان همپایه رتبه پیامبران و امامان علیهم السلام تلقی شود؛ زیرا چنان فضائل معنوی، خاص آن بزرگواران است و هیچ کس در مقامات و فضائل، با آنان همرتبه نیست». ترجمه بحث ولایت فقیه از «کتاب البیع» حضرت امام خمینی قدس سره، ص ۳۳ و ۳۴.

۲ـ ۲ . «وسائل الشیعه» ج ۴/۱ ابواب قسمه الخمس باب اوّل.

انشاء اللّه تعالی . اوّل آنها و عظیمتر آنها چیزی است که هیچ کس به خیال و فکر آن نیست و آن خراج اراضی خراجیّه است خراج آب و زمین چه زمین غرس و اشجار و چه زمین زرع و کشت که امر آن با مجتهد است نصف یا ثلث یا آنچه تعیین کند، به حسب لیاقت آن آب و زمین از پُر مُداخلی (درآمد و سود حاصل) و کم مُداخلی باید به او بدهند و او بمصارف معیّنه که خود صاحب شریعت دستورالعمل آنرا داده صرف نماید . دوّم امر اوقاف و اثلاث کلّ روی زمین تمام امر و نهی آن و وارسی به صرف و مصارف آن با مجتهد است؛ ولو اینکه متولّی خاص داشته باشد یااینکه وصیّ خاصّ داشته باشد باید وارسی کند؛ واگر تأخیر وتعویق شده وصیّ و متولّی را عزل کند و بالعیان می بینیم غالب آنها (در عصر ما) خائن هستند

سوّم امر حدود(۱) و تعزیرات است که واجب است بر تمام خلق اعانت کنند و کمک کار شوند از برای مجتهد و او متصدی خواهد بُود برای اجرای حدود الآهیّه که زانی را صد تازیانه بزند(۲) یا سنگسار کند به اختلاف محلّ ، و شارب خمر را هشتاد تازیانه بزند. قوّاد را هفتاد و پنج تازیانه، لاطی را قتل، سارق را (دستش) قطع کند(۳) مُرتد فطری مثل مُرتد ملی استنابه و اگر قبول نکند قتل بتفضیلی که احکام همه آنها در محلّ خود مشروح است.

چهارم تصرف در امور صغار و ایتام و مجانین(۴) و اموال غائبین و احکام

۱- ۱ . درباره اجرای احکام و حدود، ولایت بر ناتوانان، علاوه بر آیات و کتب روایی در کتب فقهی در بابهای مختلف از جمله طهارت، قصاص، دیات و... امر به معروف و نهی از منکر بحثهای فراوانی صورت گرفته است؛ نک «وسایل الشیعه» ج ۵

۲- ۲ . نور ،۲.

۳- ۳ . مائده ،۳۸.

۴- ۴ . اسراء، ۳۳؛ نحل، ۳ ۴۹؛ بقره، ۲۸۲.

فلس و مدیونین بشرحی که در کتب فقها رضوان اللّه تعالی علیهم مفصّل و مذکور است .

پنجم امر مُرافعات و خصومات که پیش اشاره به آن شد .

ششم امر زکات و اخماس و مال امام علیه السلام و مال مظالم و اموال انفال و معادن و موات اراضی و معموره آنها که در حقوق الاهی بعضی معیّنا باید به اذن مجتهد باشد و اگر نکند و بدهد دادن او باطل است و بعضی را فرموده اند احوط آن است که به اذن او باشد .

هفتم امر فتوی و حکم اللّه چه در فروع و حلال و حرام و چه در اصول و عقاید حقّه از باطله را باید از او اخذ کنند و عمل کنند، والاّـ مؤآخذه و مُعاقبند . و ملاحظه کن ای کسی که نگاهت به این اوراق افتد، خلق این زمان بُعد(۱) مابین مشرق و مغرب هستند. پس عبرت بگیر از حلم خداوندی که چگونه این خلق را باز روزی می دهد، عافیت و امنیّت می دهد عزّت و جاه می دهد !.(۲)

۱- ۱ . فاصله، دوری، مسافت طولانی.

۲- ۲ . خوانندگان گرامی توجّه دارند که مؤلّف محترم با توجّه به شرایط عصر خویش که نابسامانی هایی را ملاحظه می کرد، انتقادهایی را نسبت به کسانی که حقوق اسلامی را نادیده می گرفتند و اهل مراعات نبودند و خراج نمی دادند و یا به مسائل و احکام دینی توجّه لازم را نداشتند مطرح نموده است. باری رحمت خدا بر جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در هر عصر و زمانی به ویژه عصر غیبت درود خدا بر علمای بزرگوار ما که در هر دوره ای مرزبانی از عقیده و ایمان مردم را وظیفه خویش می دانستند، آنان از تبعید و تهدید دیگران نترسیدند. مرگ و شهادت را به جان خریدند، ولی حاضر به ترک امر به معروف و نهی از منکر نشدند برای خوش خدمتی به استکبار پای هیچ نامه ای را امضا نکردند؛ با غیرت و شجاعت در مقابل چپاولگران ایستادگی کردند و چه بسیار از آنان که در این راه جانشان را نثار کردند و خالق حماسه «شهداء الفضیله» شدند. به بیان امام هادی علیه السلام اگر نبودند علمای ربانی در عصر غیبت، اثری از دین و دینداری باقی نمی ماند: لولا من یبقی بعد غیبه قائمئکم من العلماء الداعین الیه و الدالین علیه و الذّابین عن دینه بحجج اللّه، و المنقذین لضعفاء عباد اللّه من شباک ابلیس و مردته و من فخاخ النواصب لما بقی احِدٌ الاارتدّ عن دین اللّه ولکنهم الذین یمسکون ازّمه قلوب ضعفاء الشیعه کما یمسک صاحب السفینه سکانها اولئک هم الأفضلون عنداللّه عزّوجل (بحار ج ۲/۶ ح ۱۲.)

وَالسّلامُ عَلی مَن اتّبع الهُدی

بر حسب امر جناب مستطاب عمده التّجار و الاعیان حاجی وکیل المزجاه

تاجر همدانی در مطبعه علمی به زیور طبع آراسته گردید سنه ۱۳۳۹ .

کتبه ملکُ الخطّاطین الشّریفی

ص: ۱۸۴

فهرست منابع و مآخذ

۱ـ قرآن مجید.

۲ـ نهج البلاغه.

۳ـ مفاتیح الجنان.

۴ـ احتجاج.

۵ـ اختصاص شیخ مفید(ره)

۶ـ ارشاد شیخ مفید.

۷ـ اصول کافی.

۸ـ اعلام الشیعه.

۹ـ اکمال الدین وتمام النعمه.

۱۰ـ البدایه و النهایه.

۱۱ـ الذریعه.

۱۲ـ الغیبه شیخ طوسی.

۱۳ـ أمالی شیخ صدوق.

۱۴ـ بحارالانوار، ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳.

۱۵ـ بصائر الدرجات.

۱۶ـ تفسیر صافی، ج ۲.

۱۷ـ تفسیر علی ابن ابراهیم قمی.

۱۸ـ جواهر الکلام.

۱۹ـ خصال شیخ صدوق.

۲۰ـ رجال شیخ طوسی.

۲۱ـ رجال نجاشی.

۲۲ـ زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج).

ص: ۱۸۵

۲۳ـ سفیانی از ظهور تا افول.

۲۴ـ صحیفه مهدیّه.

۲۵ـ عقد الدرر.

۲۶ـ عقد الدرر.

۲۷ـ عیون اخبار الرضا(ع).

۲۸ـ غیبت نعمانی.

۲۹ـ فرائد السمطین.

۳۰ـ کامل الزیارات.

۳۱ـ کشف الاسرار.

۳۲ـ مجالس شیخ صدوق.

۳۳ـ مصابیح الانوار، ج ۱.

۳۴ـ مصباح المتهجّد.

۳۵ـ معجم رجال الفکر فی النجف.

۳۶ـ منتخب الاثر.

۳۷ـ من لایحضره الفقیه.

۳۸ـ موعودشناسی.

۳۹ـ میزان الحکمه.

۴۰ـ نجم الثاقب.

۴۱ـ وسائل الشیعه.

۴۲ـ ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹